

ژوندون

مجله هفتگی شنبه ۲۵ عقرب
۱۳۵۳ - شماره ۳۵

د افغانستان لویډین کتابتون
کتاب پر لیسې شمېره



نډیر یکی از هنر پسته گان
فلم « وشعرهانا سروده ماندند »
رجوع به صفحه ۱۲

بناغلی رئیس دولت و صدراعظم اعتمادنامه



سفیر کبیر غیر مقیم اطیش را پذیرفتند

ریاست دفتر ریاست جمهوری اطلاع داد که دکتر البرت فلز سفیر کبیر غیر مقیم اطیش در افغانستان روز ۱۸ عترب اعتمادنامه اش را مطابق مراسم معمول به بناغلی محمد داود رئیس دولت و صدراعظم در قصر ریاست جمهوری تقدیم نمود.

دربین موقع بناغلی وحید عبدالله معین سیاسی وزارت امور خارجه و بناغلی محمد اکبر رئیس دفتر ریاست جمهوری نیز حاضر بودند.

بناغلی رئیس دولت و صدراعظم سفیر کبیر غیر مقیم اطیش را در قصر ریاست جمهوری پذیرفتند.

متن پیام بناغلی رئیس دولت و صدراعظم

به مناسبت پنجاهمین سالگرد لیسه امانی

مست دارم که پنجاهمین سال تاسیس یکی از مراکز علمی و فرهنگی افغانستان تجلیل میشود.

لیسه نجات با انقضای نیم قرن جوانان وطن پرست و حساس به جامعه تقدیم داشته که در رشته های مختلف خدمات قابل قدری به وطن و مردم خویش بجا آورده اند.

بزرگداشت این روز را به کلیه استادان و شاگردان سابقه و حالیه لیسه نجات تبریک گفته و به نسل جوان افغان توصیه میگرداند.

متن پیام رئیس جمهور دولت فدرالی آلمان به مناسبت پنجاهمین سالگرد لیسه امانی

به مناسبت برگزاری مراسم پنجاهمین سالگرد لیسه امانی تبریکات خود را ابراز میدارم.

از نیم قرن به اینطرف افغانها و آلمانیها

اگر یمان سفیر کبیر سوئیس صادر گردید

دولت و مردم آلمان از ۵۰ سال باینطرف نظریه علائق دیرین دوستی بین مملکتین با لیسه امانی در اعمار تعمیر جدید آن وسایل امور انکشاف افغانستان عزیز کمک و همکاری صمیمانه کرده اند. من در حالیکه تحکیم مزید روابط دوستی را بین جمهوری افغانستان و جمهوری فدرالی آلمان آرزو کرده از همکاری های آن دولت دوست ابراز امتنان می نمایم.

البرت و والد که بیست و یک سال در سوئیس و در همین موقع لازم میدانم تالیسه مذکور به اسم موسس آن و به نام اولی آن یعنی (لیسه امانی) مسمی گردد.

نماینده دولت جمهوری افغانستان در بیستمین سالگرد انقلاب الجزایر اشتراک کرد

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر داد که دکتر عبدالواحد کریم سفیر کبیر غیر مقیم افغانستان در الجزایر اخیراً در جشن بیستمین یقین دارم که لیسه امانی بش از این سالگرد آغاز انقلاب نوامبر ۱۹۵۴ الجزایر که نزد تحکیم همکاری و ایت در بین ملتین ملی مراسم خاصی در آن کشور تجلیل گردید.

بعیت نماینده دولت جمهوری افغانستان اشتراک نمود.

از شر مظالم حکومت پاکستان یکتعداد بلوچها باز نان و اطفال شان بافغانستان پناه آوردند جهت تامین معیشت مهاجرین بلوچ کمپهای مخصوص ایجاد شده است

معتنابی یافته و در اثر این تشدید عملیات از تاریخ ۱۱ ۱۹۷۰ ع ق ۲۳۰ نفر مهاجر بخاک افغانستان پناه آورده اند.

نطاق افزود که حکومت افغانستان برای این مهاجرین که تعداد زیادی از اطفال و زنان نیز در بین ایشان است کمپ مخصوص ایجاد کرده و به مقامات مربوطه امر داده است تا اقدامات فوری و جامعی جهت تغذیه و حفاظت ایشان از سرما بعمل آورند.

صلح و امنیت در این حوزه خطراتی تولید نموده است .

نطاق گفت بعد از ختم موعده التیمه تو م ۱۵ اکتو بر ذوالفقار علی بو تو صدر اعظم پاکستان علی الرغم اعلان تمديد آن برای دو ماه دیگر و نشر کتاب جعلی سفید عملیات فوای نظامی پاکستان مخصوص صا فوای هوایی آنکشور بالای برادران بلوچ هالغز ایش

طی پیامی عنوانی سران کشور های اسلامی و سر منشی ملل متحد و منشی عمومی کنفرانس اسلامی توجه ایشان و به اوضاع رقت بار مردم بیگناه بلوچ که مورد تهاجم بیرحمانه فوای نظامی پاکستان قرار گرفته و برخانمان و مزارع شان بمباردمان دائمی صورت میگرفت جلب کرده و اظهار فرموده بودند که این امر وضعیت قابل نگرانی دایار آورده که برای

نطاق وزارت امور خارجه روز ۲۰ ع ق ب اظهار داشت که از چند روز باینطرف تعدادی از مردم بلوچ با زنان و اطفال خویش از شر مظالم حکومت پاکستان به خاک افغانستان پناه آورده اند.

نطاق یاد آوردند که بتاریخ شانزدهم سنبله امسال بنیادنی رئیس دولت و صدراعظم با اظهار اندیشه از عواقب ناگوار عملیات نظامی پاکستان در مقابل آزادخواهان بلوچ

سفارت کبری اتحاد شوروی

پنججاه و هفتمین سالگرد انقلاب اکتوبر را تجلیل نمود

شوروی و گور دیپلوماتیک مقیم کابل باخانم دکتور محمد حسن شرق معاون صدات عظمی، بعضی از اعضای کابینه، عده از جنرال ها و صاحب منصبان ارشد اردو، مامورین از روزملی کشور همسایه ما اتحاد شوروی رتبه ملکی، اعضای انجمن دوستی افغان و استقبال نمود.

بوزانوف سفیر کبیر آنکشور، بنیادنی محمدنعم مقیم کابل پنجاه و هفتمین سالگرد انقلاب اکتوبر را ضمن ضیافتی در آن سفارت تجلیل نمود.

سفارت کبری اتحاد جماهیر شوروی مقیم کابل پنجاه و هفتمین سالگرد انقلاب اکتوبر را ضمن ضیافتی در آن سفارت تجلیل نمود.

در شش ماه اول سال بیش از

۹۲ میلیون متر پارچه نخی

و سندی در سه فایریکه

نساجی تولید گردید .

یکصد و چهل و هفت هزار متر پارچه نخی و سندی در فابریکات نساجی گلپایه، پلغوری و جبل السراج در شش ماه اول امسال تولید گردیده است. یک منبع دلفغان نساجی شرکت ضمن ارائه این خبر گفت در تولیدات نخی شش ماه اول امسال فابریکه هانسیت بهمین مدت سال گذشته یکصد و شصت هزار و دویست و چهل متر پارچه افزایش بعمل آمده است .

منبع علاوه کرده که استقرار قیمت در بازار ها و جلوگیری از قاچاق علاقه مردم و بیشتر به استفاده از تولیدات نساجی وطن جلب نموده که به اساس آن نساجی افغان در پلان توسعه وی خود به کمک وزارت معادن و صنایع زمینه افزایش دهمیلیون متر پارچه را علاوه از تولیدات موجوده در نظر گرفته است .

منبع متذکر شد پلان توسعه وی شامل تودید ماشین آلات جدید نساجی میباشد که اکنون مطالعات آن چریان دارد .

منبع افزود که نساجی افغان از فروش متسوجات بیش از پنجاه و بیست و سه ملیون افغانی در شش ماه اول امسال بدست آورده است .

بنیادنی علی احمد خرم وزیر پلان پنجاه و هفتمین سالگرد انقلاب اکتوبر را به سفیر کبیر شوروی در کابل و خانمش تبریک میگوید.



لیسه امانی همیشه معیار سوو یه تعلیمی خود را استوار و محکم نگهداشته است

عہدہ گرفتند . در اواخر سال ۱۳۳۹ تعمیر لیسہ امانی طعمہ حریق شد اما در اثر فعالیت شاگردان لیسہ کسب و لوازم و مواد لابراتوارها و وسایل درسی از حریق نجات داده شد ولی اواخر تصمیم گرفته شد تا تدریس زبان المانی از صنوف مفتہ آغاز گردد کہ البتہ این پروگرام فعلا ہم دوام دارد .

در ابتداء تدریس زبان المانی در صنوف اول شروع میگردد . بعد از جنگہ عمومی دوم این پروگرام تغییر کردہ و شاگردان زبان المانی را از صنف پنجم شروع میگردند . در این اواخر تصمیم گرفته شد تا تدریس زبان المانی از صنوف مفتہ آغاز گردد کہ البتہ این پروگرام فعلا ہم دوام دارد .

در اواخر سال ۱۳۳۹ تعمیر لیسہ امانی طعمہ حریق شد اما در اثر فعالیت شاگردان لیسہ کسب و لوازم و مواد لابراتوارها و وسایل درسی از حریق نجات داده شد ولی اواخر تصمیم گرفته شد تا تدریس زبان المانی از صنوف مفتہ آغاز گردد کہ البتہ این پروگرام فعلا ہم دوام دارد .

تعمیر جدید لیسہ امانی کہ بشرايط خاص تعلیمی وانجیری بنا یافته است دارای تمام امکانات و وسایل درسی مانند کتابخانہ ها قرائت خانہ سالون، کنفرانس وسینما، میدان های سپورت تا بستانی و زمستانی اطاق های درسی، ادارای و لابراتوارها میباشد .

لیسہ امانی از شروع آن تا امروز بیش از (۱۱۲۵) نفر فارغ التحصیل تقدیم جامعہ کرده است .



ہفتہ گذشتہ با پیام ہنای محمد داؤد رئیس دولت و صدر اعظم توسط ہنای و زیر معارف پنجاہمین سالگرد لیسہ امانی تجلیل گردید . پنجاہ سال قبل نظر بہ ایجابات عصر وزمان بعد از حصول مجسدت استقلال سیاسی کشور شا لودہ تعلیم و تربیت مطابق میتودهای عصری در مملکت گذاشتہ شد .

لیسہ امانی بعد از لیسہ های حییبیہ و استقلال در سال ۱۹۲۴ بوجود آمد .

از آن تاریخ تا امروز لیسہ امانی در راہ تربیہ اولاد این خاک قدمہای بزرگی پر داشتہ وشاگردان لایق تقدیم اجتماع نمودہ است . این لیسہ وظایف خود را بحث یک مرکز علمی و فرهنگی بخوبی درک نمودہ و برای خود جای در میان مراکز دیگر فرهنگی کشور بساز نمودہ است .

لیسہ امانی کہ ابتداء در باغ علیمردان و در سال ۱۳۰۶ بصورت اساسی در باغ علم گنج منتقل گردیدہ این مکتب در ابتداء دارای پنج شعبہ پودہ و (۲۵۰) شاگرد در آن تدریس می شدند در سال ۱۳۱۴ اولین دستہ شش نفری ازین مکتب فارغ شد در ختم سالہای تعلیمی جاری جاری چہلمین دورہ این لیسہ بہ جامعہ تقدیم خواہد شد .

روی ہمرفته از بدو تاسیس تا کنون (۱۱۲۵) نفر ازین لیسہ فارغ شدہ اند در شروع تاسیس این

درعکس ہنای دو کتور پسر و اکوبوہاند دو کتور نوین با عیلة از معلمین لیسہ امانی دیدہ میشوند



یکتعداد از شاگردان دو صحن لیسہ امانی



شنبه ۲۵ عقرب مطابق ۲ ذی‌عقده‌المکرم برابر ۱۶ نوامبر ۱۹۷۴

مشکلات ترانسپورتی مردم

فراهم ساختن تسهیلات بیشترحیاتی برای اکثریت مردم، هدف عمده و اساسی دولت را در یک نظام مردمی تشکیل میدهد. و قتی یک نظام در اجتماع پایدار میماند که از پشتیبانی اکثریت مردم برخوردار باشد. البته این ما مول و قتی بر آورده شده میتواند که مردم یک کشور در تشکیل نظام دلخواه شان سهم فعال داشته باشند. درواقع همچو نظامی که از اواده ملت سر چشمه گرفته باشد «نظام مردمی» بسو ده و از اینجا ست که نظام مردمی دریک کشور جزآرامی وسعادت هرچه بیشتر مردم بجیزی نمی‌اندیشد.

خوشبختانه کشور عزیز ما که ازداشتن همچو نظامی بر خور داراست کامهای وسیعی در جهت فراهم‌آوری تسهیلات بیشتر اکثریت مردم در شئون مختلف حیاتی بر داشته‌است نظام مترقی مادر صدد است تا هرچه زودتر مشکلات و پرابلمهای مردم در هر ساحه و رشته ازبین برداشته شود تا با ازبین رفتن مشکلات و پرابلمها از یکطرف آرامی و رفاهیت مردم میسر شده و از جانبی مردم آماده گردند تا در پیشرفت وارتقاء کشور شان سهم فعالتری بلوش گیرند.

روی این هدف دولت جمهوری ما پلانهای وسیع انکشافی روی دست گرفته که تطبیق آن یکی بعد دیگر جریان دارد.

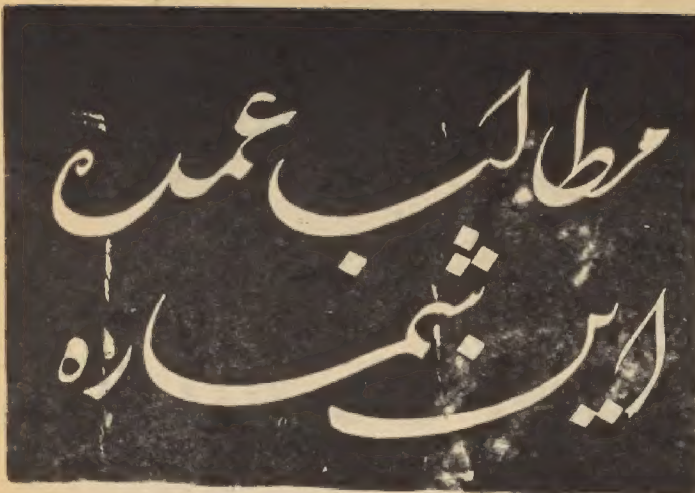
بو جود آملن سیستم عصری ومنظم ترانسپورت تیشن از جمله پرو گرامهایی است که توجه جدی دولت جمهوری را مبذول داشته‌است چنانچه بناعلی رئیس دولت وصدر اعظم دریانیه «خطاب بمردم» شان به اهمیت این موضوع اشاره نموده میفرمایند:

«دولت جمهوری بمنظور تسریع حمل و نقل و تامین رفاه مردم وسایل ترانسپورتی عامه ودر درجه اول شرکت های بزرگ ترانسپورتی را دهربری و تقویه خواهد کرد و درامور سرویس های شهری برای مردم سهولت بیشتری را در نظر دارد.»

ایجاد یک سیستم منظم و عصری ترانسپورت تیشن درکشور عزیز ما که اکثریت مردم از داشتن و سایل ترانسپورت تیشن شخصی محروم اند واقعا قابل ستایش است.

امید داریم تا موقعیکه پلان منظم دولت جمهوری در مورد ایجاد سیستم بهتر ترانسپورت تیشن در کشور تحت تطبیق قرار گیرد موسسات مسوول پروگرام عاجلی تجویز نمایند تا با تطبیق آن مشکلات مردم از ناحیه ترانسپورت شهری رفع گردد.

با آنکه فعالیت های آمریت ترافیک و ریاست عمومی ترانسپورت تسهیلاتی در زمینه بهبودی ترانسپورت شهری بوجود آورده است اما چون باافرا رسیدن فصل زمستان نیاز مندی مردم در مورد داشتن سیستم بهتر ترانسپورت شهری بیشتر گردیده‌است معهدا با یاد آوری این مطلب توجه جدیتر مقامات مسوول را در زمینه جلب مینماییم تا در حدود امکان مشکلات مردم در مورد کمبود بسهای شهری و ازدهام را کبین در داخل بسها کاسته شود.



فلسطینی ها بحیث یک قدرت

در شرق تبارز خواهد کرد.

(یا سر عرفات)



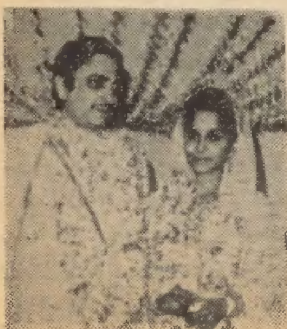
آثار هنری شهرانی به نمایش

گذاشته شد.



نه گنبد از آثار باستانی کشور

که جدیدا کشف گردیده است



وحیده رحمان ازدواج کرد

اسلام و زندگی

ارزشهای نظام جمهوری در آئین اسلام

پیوسته بگذشته

این تر بیت یا فتگان مکتب محمدی (ص) از آنجائیکه جز در مسیر پیامبر اسلام (ص) گام بر نمی داشتند و جز نقش قدم های او را دنبال نمی کردند ناگزیر باید چنین می بودند زیرا ایشان روش کار و طرز پسنده و قبول پیامبر اسلام را عملاً بچشم دیده و خود در آن روزگار وجود داشتند ازینرو این خصلت جزء خصایل عمده و بطور خاص جزء خصوصیت ها و برزندگی های دولتی و خلافت آنها گردیده بود.

در تاریخ اسلام دوره کار خلفای راشدین و به عباره دیگر، دوره خلافت خلفای چهار گانه اسلام در واقعیت امر امتدادی است از زمان پیامبر (ص) و این خلفای فدا کار و حقیقت پسند از آنجائیکه تر بیت یافته دست حکمت شعار محمد (ص) بودند در کلیه امور نقش قدم های او را تعقیب میکردند و کار نامه های اجتماعی و اصلاحی خویش را بر اساس همان اصول و پایه هائی بنا مینمودند که پیامبر اسلام شخصاً پروگرام اصلاحات خود را بهمان اصول و اساس به پیش می برد.

در دوران خلفای راشدین مانند دوره کار و زندگانی پیامبر اسلام (ص) اصلاح عقاید و تحقق بخشیدن به بپای انسانیت و ارزش ها و ممیزه های حیاتی مفهوم و ماهیت بشری و بالاخره فراهم سازی زمینه یک حیات آبرو مند و حیاتی که همه شؤون مادی و معنوی در آن تا مین شده باشد، هدف اساسی و اولی قرار داشت و بمنظور ریشه کن ساختن اندیشه های

بر تری های نژادی و بر قراری اصل مساوات و برابری مبارزات دامنیه دار و لا ینقطع براه می افتاد و بخاطر رفاه و آسایش مردم از قبول هرگونه دشواری ها مضایقه بعمل نمی آمد. این ز ما مداران اسلامی بدون آنکه و صیت و سفارشی در زمینه موجود می بود از طرف خود مردم به قبول زعامت ملی و ا دار میشدند و پس از انتخاب شدن نیز هیچ نوع احساس بر تری و امتیاز نسبت بدیگران در خویش راه نمیدادند و در محضر مردم در نخستین بیانیه خویش اظهار میداشتند که «ای مردم! امروز

شخصیت های بزرگ اسلامی را معرفی میکنم

عبدالرحیم (عینی) از دارالعلوم اسدیه بلخ

حضرت اسود را عی (رض)

حضرت اسلم (رض) از فرموده رسول خدا علیه السلام اطاعت نموده بآنکه یزید گوسفندان را زد و بجانب قلعه های صاحبانش فرستاد و درین حال می گفت به صاحب بازگرد قسم بخدا که بار دیگر ترا نمی چرانم. گوسفندان مانند چوپانی از پی شان باشد به قلعه صاحبش رسید و بعد از آنکه مدتی این صحابه خود را بسلاح آراست و داخل کارزار شد و با برادران مسلمان مجاهد خویش در یک صف قرار گرفت و به جهاد آغاز کرد تا اینکه بنابر روایتی سنگ بزرگی و یا تیری بر او اسابت کرد که زنده آن معلوم نشد بلا درنگ در راه خدا جام شهادت نوشید و پیش ازینکه برای خدا نمازی ادا کند بزندگی خود خاتمه داد و نامی از خود بیادگار گذاشت انالله وانا الیه راجعون.

بقیه در صفحه ۵۶

عامه مردم ثابت گردید ما را بختی کار ملتفت سازید بر مصالح مردم برتر و بزرگتر از هر چیز دیگر است گفتیم پیامبر اسلام (ص) از جهان ما رخت بست و در مورد زعامت اسلام در روزگار پس از خودش چیزی نه اشاره فرموده و نه تصریحی بعمل آورد بدین معنی که هیچ کسی را بحیث جانشین و خلیفه خویش نامزد نفرمود امور مردم را همانطور برای خود مردم وا گذاشت و این کار چنان نتیجه آورد که مردم همه درک کردند که خلافت و زعامت مردم چیزی نیست میراثی و نمیشود آن را سر بسته و محفوظ از یکی دیگری منتقل ساخت بلکه مردم هر وقت و زمان مطابق شرایط و ایجابات حق دارند شخصی را بوظیفه خلافت و زعامت خویش انتخاب کنند.

هنگامیکه حضرت عمر فاروق (رض) خلیفه دوم اسلام از وظیفه خلافت سبکدوش میشد مردم عرض کردند پس از وی عبدالله ابن عمر (رض) پسر وی را که یکی از شخصیت های نهایت مبارز و با تقوی و ملیت خواه اسلام بشمار میرفت بوظیفه خلافت تعیین نمایند و لی خلیفه این تقاضا و خواهش ایشان را نپذیرفت و بمنظور اینکه مبادا صدمه ای بر پیکر این حق آزادی مردم وارد شده و اینکار سبب شود که رفته رفته پای سفارش ها و وصیت نامه ها در مورد زعامت

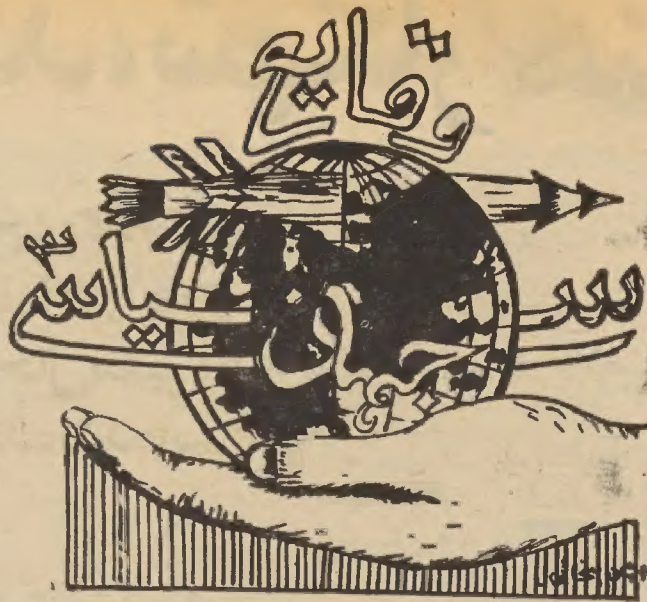
بقیه در صفحه ۵۶

نظریات جانب اعراب و اسرا ثیل را
را در یابد .

گر چه ناظرین سیاسی باین عقیده
اند که دو کشور کسینجر از مسافرت
اخیر خود به شرق میانه کدام نتیجه
فوق العاده ای بدست نیاورده است
ولی باز هم عقیده میروند که شاید
در امر تخفیف کشیدگی های این
منطقه تا حدی مثر ثابت شده باشد
و شاید سفر او امکانا تی را برای
ادامه مذاکرات برای حل بحر ان
های شرق میانه فراهم آورد .

کسینجر خود هنگام مسافرت به
شرق میانه گفته که برای آینده
امید واری ایجاد شده است اما در
عین حال وقتی او به واشنگتن بناز
گشت به خبر نگاران راجع به قسمت
اول مسافرت خود یعنی سفر مسکو
و ملاقات و مذاکرات خود با زعمای
اتحاد شوروی با خوشبینی کامل
جواب داد که این قسمت مسافرت او
موفقانه بوده است اما در مورد شرق
میانه تذکری نداد و این هم نشانه
علم موفقیت کامل نتایج سفر او به
حساب میاید . همچنین و قتی
کسینجر در تونس مصروف بود
چنین شایع شد که ماه آینده باز هم
به شرق میانه مسافرت خواهد نمود
اما در واشنگتن گفته شد که شاید

وی تا سال آینده عیسوی دیگر برای
سفر به شرق میانه نه پردازد .
علم آمادگی کسینجر برای يك
مسافرت دیگر به شرق میانه در آینده
نزدیک شاید روی دو عامل باشد
یکی آن که ممکن است و ی در
مسافرت اخیر خود با مشکلات
بزرگ رو برو شده باشد که این
امر مبهنی ضرورت دارد تا حل
گردد و یا اینکه شاید زمینه های
مذاکره و کنار آمدن بین اعراب و
اسرا ثیل را خیلی مناسب یافته
است که ضرورت آنرا احساس نمیکند
بزودی به انجا بشتاید ولی در هر
حال پیشنهاد او مبنی بر عقب رفتن
اسرا ثیل و تخلیه سر زمین های
اشغالی عربی به قسم تدریجی ایجاب
آنرا می نماید که با هر یکی از کشور
های مربوطه عربی و اسرا ثیل
مذاکرات جدی را دنبال کند . چه به
عقیده او همین اصل است که بالاخره
صلح و امنیت را بین اسرا ثیل
و اعراب قایم خواهد نمود . گر چه
گفته میشود که کشور های عربی
راجع به این پیشنهاد کسینجر علم
رضایت خود را ابراز داشته اند
اما بصورت کامل آنرا تردید هم
نکرده اند .



از کاظم آهنگ

اعلامیه رباط کسینجر را برای مسافرت هشتم به شرق میانه کشاند

مسافرت دو کشور هنری کسینجر
در سایر کشور های آسیایی و اروپایی
مانند بنگله دیش ، افغانستان
ایران ، پاکستان ، رومانی و یوگو-
سلاویا هم به هیچ وجه خالصی از
دلچسپی نبوده است ولی تصمیم وی
برای مسافر تشس به شرق میانه
تقریباً تمام سفرا و راتحت الشعاع قرار
داد چه در حالیکه وی قریب شش هفته قبل
هفتمین سفر خود را به شرق میانه
انجام داد اینک بار دیگر بر ای-
هشتمین بار به آن منطقه به مسافرت
پرداخت که این خود سوالی را ایجاد
نموده و برای خوانندگان جالب و
دلچسپ خواهد بود .

حقیقت این است که با تصمیم
سران کشور های عربی در کنفرانس
رباط مبنی بر شنا سازی موسسه
آزادی فلسطین بحیث یگانه نماینده
قانونی مردم فلسطین و مخصوصا
فلسطینی های غرب رود اردن که تحت
اشغال اسرا ثیل میباشد ، سیاست
اعراب و شرق میانه شکل دیگری به
خود گرفته است باین معنی که موسسه
آزادی فلسطینی دیگر بحیث يك
قدرت موجود شناخته شده در مسائل
مربوط به این منطقه و مخصوصا
معضله خود فلسطینی ها در کنار

مسافرت دو کشور هنری کسینجر
وزیر خارجه ایالات متحده امر یکا
از ۲۲ اکتوبر شروع شده و پیش
از دوهفته را در بر گرفت . گر چه
در بدو سفر کسینجر مسافرت خود
را به شرق میانه به شکل احتمالی آن
اعلام نموده بود ولی وقتی سفر او در
کشور های آسیایی و اروپایی قریب
به نیمه خود رسید اعلان گردید
که موصوف از شرق میانه هم باز
دید میکند .

گر چه مسافرت دو کشور کسینجر به
کشور های مختلف از همان بدو امر
دلچسپ بوده و افکار را جلب نموده
بود ولی قسمت احتمالی سفر او یعنی
شرق میانه غالباً دلچسپ ترین حصه
آن میباشد .

کسینجر در اتحاد شوروی با
زعمای آن کشور مخصوصا لیونید
برژنیف زعمیم حزب کمونیست و
آندری گرو میگو وزیر خارجه اتحاد
شوروی ملاقات و مذاکراتی روی
تمام مسائل جهانی و از جمله روابط
دو کشور و موضوع مسافرت جرال
فورد رئیس جمهور امریکا انجام داد
و علاوه بر باره تحدید سلاح
ستراتژی اتومی با آنها نتایج سفر
مذاکره نمود . یکی از نتایج سفر
او به اتحاد شوروی آن بوده است که
زمینه مسافرت رئیس جمهور امریکا
به اتحاد شوروی مساعد گردید و
قرار است طی ماه جاری عیسوی به
شهر ولادی و استوک اتحاد شوروی
راجع به تحدید سلاح سترا تژیک
ذروی و سایر مسائل مربوط بالیو-
نید برژنیف ملاقات و مذاکراتی
بعمل آورد .

يك قسمت جالب دیگر مسافرت
کسینجر در دهلی جدید بود و است
که در آنجا با میرمن اندرا گاندی
صدراعظم و چاوان وزیر خارجه
هند در باره روابط دو کشور ،
مسایل جهانی مربوط به عدم انتشار
اسلحه ذروی و مشکلات غذایی هند
مذاکراتی انجام داد اما روی پهرفته
قسمت جالب سفر کسینجر در هند
همانا موضوع ارتباط دو کشور بوده
است که از جنگ سال ۱۹۷۱ در نتیجه سفر
کسینجر به هند ، امریکا و عده نمود
که برای هند غله و مواد خوراکی تهیه
میکند و هم در لائو همین مسافرت
يك کمیسون مشترک همکاری بین
دو کشور تاسیس گردید علاوه به
موا فقه روی همکاری های تخنیک
علمی و کلتوری بین طرفین امضا
شد .

نه گنبد، شهکار هنری گچ

از گل احمد زهاب نوری

مسجد نه گنبد بلخ؛ یگانه آثار تاریخی کشف شده آغاز دوره اسلامی است، که تا حال نظیر آن در این منطقه آسیا دیده نشده است.

نقاشی های گچ بری شده این محل آغاز تحول آرت اسلامی را، بخوبی نشان میدهد.

کوتاه، با مدیر عمومی باستان شناس خیره می سازد. سی تهیه کرده ام و در شماره های بعد. درین سلسله راپور ها، نه گنبد و شهر باستانی بلخ را، آثار باستانی آغاز دوره اسلامی بیشتر برای تان معرفی خواهیم کرد. حوزه، کشف نگردیده است.

در جنوب شهر بلخ، ستون های ضخیم و پر نقش و نگاری جلب توجه میکند، که یادگار قرن هفتم تا نهم است. باستان شناسی، از گنبد های آن ستون هایی که ظرافت کاری کلکان هنر آفرین هنر مندان افغانی در طی سده های متمادی هنوز باقی مانده و چشمان هنر دوستان را است.

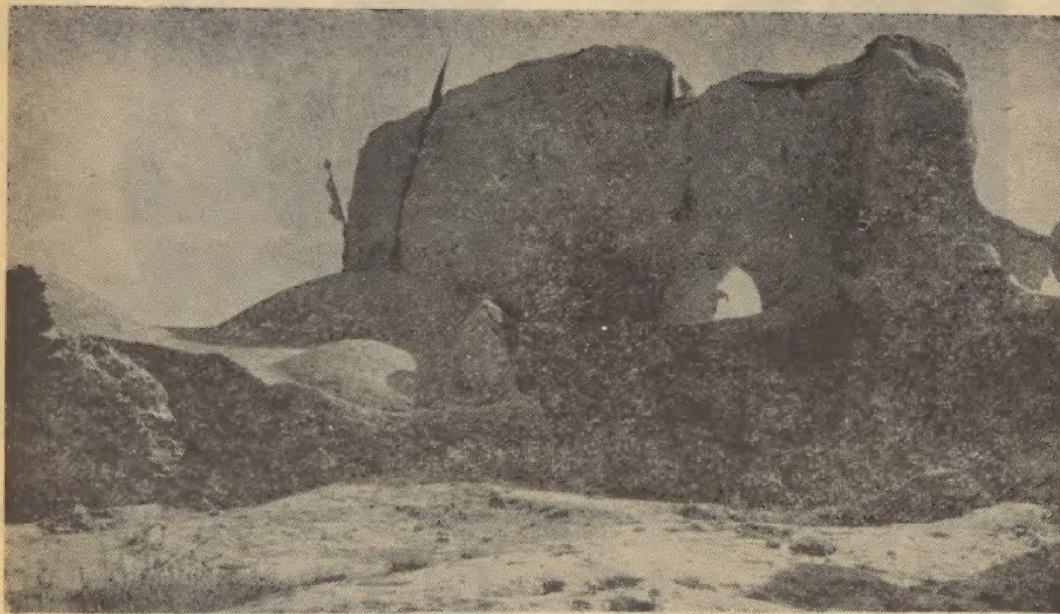


در شماره گذشته و عده دادیم که گزارشی پیرامون (نه گنبد) اثر باستانی بی از آغاز دوره اسلامی خواهیم داشت و کماکان راپور های خود را، در باره کشفیات تاریخی و باستانی افغانستان ادامه خواهیم داد.

در لحظاتی که آخرین فورمه های مجله، زیر چاپ رفته بود، باز هم فرصتی میسر نشد، تا با داکتر زمربالی طرزی مدیر عمومی باستان شناسی درین باره گفتگویی داشته باشیم، چه طی هفته گذشته داکتر طرزی نسبت مصروفیت های اداری نتوانسته بود، مانده و اسنادی در باره (نه گنبد) گرد آوری و به اختیار من بگذارد.

در اینجا، معلوماتی کوتاه، اما جالب، در باره این محل تاریخی از نظر شما میگذرد، که طی یک تماس

چهار قرن ۷ - ۹



دسته بی از دانشمندان نه گنبد
را به قرن نهم و دسته بی دیگر به
قرن هفتم منسوب میدانند که بگمان
قوی در قرن نهم اعمار گردیده
است.

این آثار باستانی که در سالهای
اخیر کشف شده، بخوبی پرده از
روی هنر گچ بری آغاز دوره اسلامی
را می‌دارد.

در پایه های مستحکم می‌باید نه
گنبد نقاشی های بسیار دیده
میشود، که با اندازه بی به آثار
(سمیره) در نزدیکی بغداد مقایسه
شاه می‌تواند.

مطالعه آثار هنری (نه گنبد)
نشان میدهد، که در این قرن، هنر
گچ بری اسلامی شروع به تحول
کرده و نقاشی های این محل، از
پیشقدمی های تحول آرت اسلامی

در افغانستان به شمار میرود.
در کاوش های باستان شناسان
جهان، آثاری از آرت دوره خلفای
راشدین، تا حال کشف نگردیده
است و قدیمی ترین نمونه های کشف
شده آرت اسلامی، متعلق به دوره
امویان است، که بدست آمده است
نه گنبد بلخ نیز، از نگاه مطالعات

باستان شناسی، دارای اهمیت به
سزایی است که، در روشن کردن
یک قسمت تاریخ این منطقه کمک
شایانی میکند.

البته در شماره آینده تاریخچه و
معلومات دلچسپ دیگری پیرامون
(نه گنبد) آیده بی نظیر باستانی
این منطقه، با سایر آثار تاریخی کهن
شهر بلخ تقدیم میشود.



نمایی از نه گنبد آتا ویکه جدیداً
کشف گردیده است.



خوشیې وروسته هغه په رینگه کې په خپلو تړیزو او نغاوو پیل وکړ او د فورمن دغو گوزارونو څخه یې دفاع وکړه .

په دوهم راوند کې دوکس پتنگ (محمدعلی) د خپلو ټولو پخوانیو مسابقو ټاکنیکو په پریښودل محمدعلی چې تل په پخپلو پنجو باندې ولاړ و په یادې ډول پریښو باندې درینگه رسېدو ته نژدې ودرېد ، داکټر مټ هغه ځای دی چې فورمن غواړي خپل حریف هلته ووښي ، فورمن



د محمد علی کلی خاوند بڑی

١٠ صفا

دمايه رشتيا سره داسې احساس كړه چې دومره خلك جلب كړل چې په مسابقه كې ۱۲۵ ميليون ډالرو داينډول شوي پانگي چيبران وركړي. داداير دجمهور رئيس موبوتو سيكو دپاره چې په شخصايي ۱۱۴ ميليون ډالره بدي مسابقه كې لگولي وو، يوډير ښه خبروو دامريكي په تياترونو كې د مسابقې د ليدونكپاره درغلو خلكو شمير ډير لږ وو او له دغې لارې ترلاسه شوي پيسې به دپيش شوو ۴۰۰ ميليون پاتې په ۶۲ مخ كې

دمايه رشتيا سره داسې احساس كړه چې دومره خلك جلب كړل چې په مسابقه كې ۱۲۵ ميليون ډالرو داينډول شوي پانگي چيبران وركړي. داداير دجمهور رئيس موبوتو سيكو دپاره چې په شخصايي ۱۱۴ ميليون ډالره بدي مسابقه كې لگولي وو، يوډير ښه خبروو دامريكي په تياترونو كې د مسابقې د ليدونكپاره درغلو خلكو شمير ډير لږ وو او له دغې لارې ترلاسه شوي پيسې به دپيش شوو ۴۰۰ ميليون پاتې په ۶۲ مخ كې

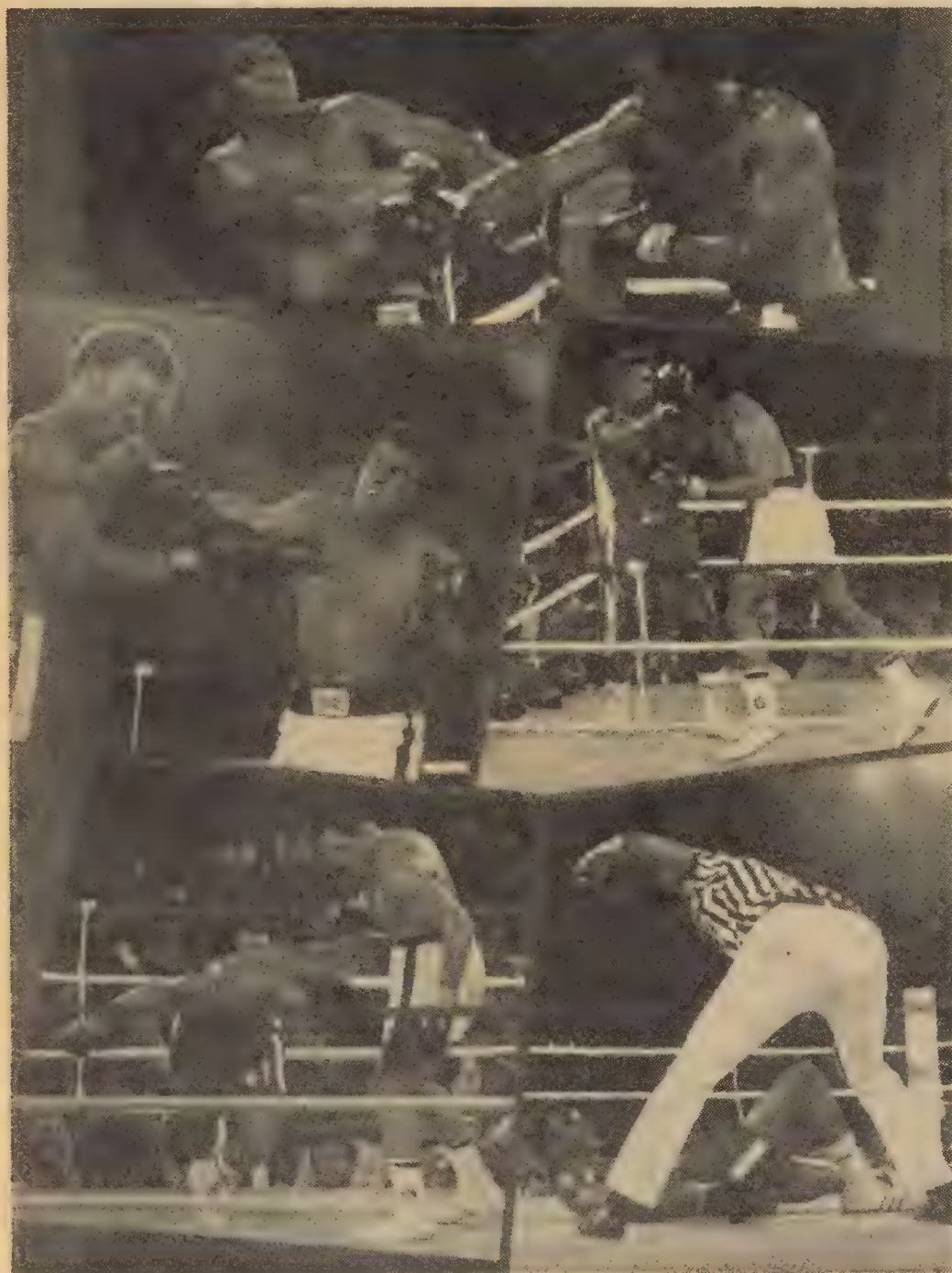
فورمن عينا همداصبي وکړل. دکينشاسا په استوايي توده شپه کې دچتودوخه درجه د نارنهایت ۸۶ درجې اولند بل په سلوکسي ۹۰ ووه دفورمن سوکاتو ډير ژر خپل قوت بايلو او هغه په داسې حال کې چې مټي پسي ستړي شوي وې په و حشباله غورغو پرغو شروع وکړه او زياتره سوکان يې کاملاً خندا کيدل. هغه ديوه نشه شوې سړي په شان خپلو حرکاتو ته دوام ورکاوه. علي دفورمن لسه کمزوري شوي دفاع څخه په استفادې سره درينگ درسيوله څنگ څخه دستړې شوي بوکسر په سر باندې دبريښنا په شان واري کول.

داتم راوله په شرو کيدو سره علي په وينگ باندې پوره مسلط وو. ددغه راوند په شروع کيدو سره علي درينگ په پېړيو باندې تکيه کوله او دفورمن دسوکاتو څخه خپل سر پوځي خوا او بلې خوا ته خواخواه، بدغه وخت کې علي يو لړ سمحت سوکان وغورځول او د فورمن د کمزورتيا تر حس کولو وروسته يې دهغه پسې باندې له پسي اوکيښي خوا څخه دوه کلک گوزارونه وکړل او فورمن يې دمسابقې په پياوړتيا غورځونه کې په مخکې وغورځاوه.

کله چې خوشيبي وروسته دفورمن دپاڅيدو په انتظار ديفري خپل حساب پيل کړ دعلي طرفدا راوړندوي تهرمان دنيانخلو دپاره درينگ خراکه هجوم وړو.

فورمن وروسته ادعا وکړه چې دريفري حساب ډير چټکتوو خو دريفري «ژاک کليتون» دتپ شوي آواز داوړولو په نتيجه کې څرگنده شوه چې ريفري دفورمن تر ولاړيدو دمخه تر لسو پوري شمير پوره کړی وو.

تر مسابقې وروسته محمعلي پداسې حال کې چې يوازي پسي سترگه يې پوښلې سره شوي وديخپلو شفاهي حملو پيل وکړ او ويې ويل: «دما تاسي ته ويلی وو چې زه تر ټولو ستر تهرمان



محمد علي کلي او جورج فورمن دبوکس دمسابقې په حال کې

و شعر ها ناسر و ده ما ند ند

داستان ژند می و عشق را به روی پرده های سینما نقش می بندد

در فلم رابعه و بکتاش بیش از یک هزار نفر ظا هر میگردند و بیش از سه ملیون افغانی صرف تهیه آن شده است.

تهیه فیلم های تاریخی در تنو یزذهنیت عامه نقش ار ژنده دارد.

حماسه شورآفرین زندگی رابعه، فاصله عشق عمیق و انسانی او بخاطر شکستن زنجیر های که پای زن را در بند میکشد و صدای درد آلود و

شکوه آمیزش را در زیر سلطه های چاپرانه مردان در هم میشکند، اینک با تصا ویری ژنده رنگ می پزیرد و آماده نمایش در روی پرده های سینما میگردد.

عصر رابعه عصر ضابطه های سیاه و مرگ آفرینی است که با قدرتی شکست ناپذیر از ارزش های خاصی دفاع میکند.

معیار هایی که در این دوره اساس وزیر بنای ارزش های اجتماعی است، پول و زور است و آنکه برخورد ازین دو مو هیت است، میتواند حادثه آفرینی نماید و در



فلم رابعه و بکتاش صحنه های جالبی دارد از عشق و مبارزه و ستیز در راه به ثمر رساندن اهداف انسانی



در ساختمان دهکده ها کو شش گردیده مشخصات دوره خاص که حوادث فلم در آن اتفاق می افتد ژنده به نمایش گذاشته شود.

آن جز به محور چرب زبانی های ریا آمیز نمی چرخد و محاسبه نمیکرد، برداشتی است عینی و عمقی و گرفت او نزدیک به حقیقت و همین است که احساس گرم و پر جوش او را به فریادی درد آلود مبدل میکند، این فریاد در شعر او جاری میگردد و بعد در جریان سالها با بختگی و صلابتی بیشتر باو نقش يك بیش آهنگ را در يك مبارزه و سیع اجتماعی می-بخشد.

آیا مبارزه رابعه محصول عشق پر شور و عمیق او به بکتاش است و یا به انسا نهاییکه بکتاش فقط نمودی از آن بشمار میرود؟ جواب این پرسش را باید در نحوه تحلیل و برداشت تهیه کنندگان فلم « و شعر ها ناسروده ماندند » کاوش نمود که اینک آخرین مراحل



رابعه و بكتاش در یکی از صحنه های فام

عظمت و همین است که ما را امید دارد اولین گام نریر فلم را ارج گذاری و به آن خوشبینانه بنگریم گفتگوی زیر، ما را با این فلم و تهیه کنندگانش بهتر آشنا میسازد.

از نریر که هم ریاست نریر فلم را عهده دار است و هم خود در فلم زندگینامه رابعه و بكتاش در نقش حارث ظاهر میگردد، میسر سم، شما در یک مصاحبه خود پیرامون همین فلم ادعا نموده بودید که برای اولین بار سکس را نه به شکل متداول آن که بیشتر رنگ ابتذال را دارد بلکه با فرم هنری روی پرده سینمایی آورید و باین ترتیب یک بعد سینما را با معیارهای قبول شده در سطح بالا ب مردم نشان میدهید، میتوانید اکنون که فلم شما آماده نمایش است در این زمینه بیشتر سخن گوید و نحوه برداشت خود را از سکس ب ما معرفی کنید؟

— منظور این است که سکس را در نشان دادن بدن های پرهنه خلاصه سازیم بلکه زیبایی ها را با دیدی عمیق تر و مرتبط با ذهنیت ها به صحنه آوریم، سکس در حالت سالم خود میتواند نمودی از هنر باشد هم هنر اکترس و هم هنر فلمبر دار و دایر کتر مشروط باینکه زاویه های دید در چوکات مسایل تحریک آمیز فشرده نگردد بلکه بیانگر یک واقعیت از یک صحنه و یا لحظه فلم باشد که ما با چنین برداشتن کار خود را آغاز نموده ایم.

میتوانید معلومات دهید که داستان فلم از کدام نویسنده است و سناریو از چه کسی؟

— داستان فلم را نباعلی لطیف ناظمی نگاشته است و سناریو از روی متن همین داستان توسط داؤد فارانی تهیه شده است.

— تعداد کم سینما و سینما رو در لطفها ورق بزنید



صحنه دیگری از فلم و شعرها ناسروده ماندند



سکس در حالت سالم خود میتواند نمودی از هنر باشد هم هنر
اکتس وهم هنر فلمبردار

دومین محصول نذیر فلم يك قصه از زندگی عینی انسان معا صیر
خواهد بود با تمام بعد ها و پهلوهایش
رابعه فیلم میگو ید:

من از همان لحظه اول زیر تا تیر شخصیت این شاعر مبا روز قرار
مرفتم و در باز سازی او موفق شدم .

شعر را به ما نندهر شعر دیگری نمیتواند جز يك پدیده عا طفی باشد
اما...

آیا مبارزه را به محصول عشق پر شور و عمیق اوبه بگتاشی است
ویابه انسانهای محرو می که بگتاش فقط نمودی از آن است؟

داستان از لطیف نا ظمی سناریواز: داؤد فا دانی دایر کت از: خالق
علیل، تهیه کننده نذیر فیلم



حادث در یکی از صحنه های ا فلم

کشور ما تقریبا میتواند مؤید باشد فروش کابی های این فلم به بر خی
از کشور های دو ست هم در معرفی
سینمای آزاد کشور ما سهم ارزنده
دارد و هم بخشی از عاید فلم را تکافو
میکند .

فلم ساخته خود مصرف گزا قسی
داشته باشید این در حقیقت يك
ریسك اقتصادی است تا تجارت ؟
منظور ما هم هیچ وقت تجارت
محض نبوده است از نظر تهیه
کنندگان این فلم تهیه فلم های
تاریخی نه تنها میتواند معرف
شکوه و جلال دوره های پر افتخار
زندگی ملی ما باشد بلکه در تنویر
ذهنیت عامه و رهبری ذوق گروه
سینما رو نیز در يك جهت سالم
میتواند مفید باشد .

فلم رابعه و بگتاش حتی اگر فروش
کافی هم نداشته باشد ما آنرا يك
خدمت فرهنگی بحساب می آوریم و
از کار خود راضی هستیم، از جانبی
از کشور ما تقریبا میتواند مؤید باشد فروش کابی های این فلم به بر خی
از کشور های دو ست هم در معرفی
سینمای آزاد کشور ما سهم ارزنده
دارد و هم بخشی از عاید فلم را تکافو
میکند .

باقیه در صفحه ۶۳

یکی از صحنه های مهیج فیلم

ترجمه لوري پيرغ لاندې

« سباوون غرنی »

له خپل مترقي اوولسي نظام څخه د هیواد د ځلمی نسل ملاتړ

مرسته او دخپلو خلکو په حکماری گام
په گام د ټولنی په اقتصادی، اجتماعی
اوسپاسی ژوند کی دنیا دی تحولاتو
لپاره اقدام و کړو ..
ډیره مهمه خبره داده چه زموږ
جمهوری دو لت دټولنی دتکا مل په

په ټولنه کی هغه قوتونه بریا لری
کیږی چه په را تلونکی باندی نظر
لری اول مستقبیل سنجوی اومستقبل
په امکاناتو باندی تکیه لری او هغه
له نظره نه غور ځوی. دافغانستان
د ځوان جمهوریت بریا لیتوب هم په
همدی ټکی کی نغښتی دی. یعنی داچه
زموږ ځوان جمهوری دو لت دخپل
راتگ سره سم دا اعلام کړه چه
دټولنی دتکا مل له شرایطو سره سم
به مخ په وړاندی گام اخلی. او هغه
وخت چه دجمهوری انقلاب غوره اهداف
دافغانستان خلکو ته دخطاب وینا
زمونږ دملی مشر ددولت دښاغلی رئیس
او صدراعظم له خوا وشوه، پدغو ټکو
باندی داسی ټینگار اوتاکید وشو :
« موږ به دټولنی دتکا مل دقانون
له شرایطو سره سم او دپلان په
اساس علما او عملا اودلوی خدای په

اساس دخپل پر مختگ کړښی عیار
وی . دټولنی دتکا مل دقانون سره سم
گام اخیستل دی چه دهیواد ټول
مترقی او وطنپرسته ځوانان دخپل
جمهوری دو لت ملاتړ ته ملای ټری
او په بیساری شور اوژوب سره ددغه
مترقی رژیم همکاري ته حاضر ټری او
په ملیونو تنه « ټول افغانان »
ملاتړلی دجمهوری دولت
په سنگر کی دهمکاری لپاره له پخو
ارادو سره دریږی . لکه چه مخکښی
مو وویل دیوه مترقی رژیم اوولس
نظم دا عام خصوصیت دی چه
دټولنی په وده والو او بشپړتیا
منونکو قوتونو باندی تکیه کوی. او
له همدی کبله و چه زموږ ددولست
ښاغلی رئیس او صدراعظم دجمهوری
انقلاب په لومړی اعلامیه کی دافغانستان
دځلمی قوت دهمکاری دجلبو لــو
هیله و کړه . ځکه چه ځوان قوت
دټولنی دتکا مل په مثبت لوری تکا مل
کول وده وال قوت دی اوراتلونکی
دهغه ده ، دټولنی دتکا مل قانون
وایی چه په هره ټولنه کی دژبو
تولیدی مناسباتو ځای نوی تولیدی
قوتونه نیسی. او هغه وخت هم دټولنی
تکامل ترسره کیږی چه تولیدی
قوتونه ونشی کولی چه دژبو تولیدی
مناسباتو په چوکاټ کی ژوند او
ژواک و کړی .

داچه زموږ په هیواد کی بدلون راغلی
داچه زموږ جمهوری انقلاب بریا لری
شویدی ، پخپله ددی څرگند و نه
کوی چه دټولنی دتکا مل پراساس د
ټولنی سیاسی روښانه بدله شویده او
ورځ تر ورځی یی په اقتصادی وجه
هم اقتصادی بریالیتوب تر لاسه کیږی



زموږ جمهوری نظم چه دهیواد په
ځوان قوت باندی متکی دی لاد لری
ډیرنوی نوی پړاوونه په مخکښی لری
دافغانستان ځلمی قوت به دهیواد د
جمهوری نظم هیلی او ارمانونو ترسره
کوی په هیواد کښی په ډیری ستری
پروژي دهمدی ځلمی قوت دمپا و
ماغزو په زور بشپړی ټری اودغه ځلمی
قوت به دخپلو استعدادونو غو ټی
سپړی اوخپل هستوونکی ابتکارونه
په پکار اچوی تر څو چه خپل جمهوری
پر مخ تللی نظام دبریا لیتوب خواته
ولیدوی .

دټولنی تکامل وایی چه ټولنه او په
ټولنه کی تولیدی قوتونه هیو ټپ
په ځای نه ودریږی ، وده کوی ، پرمخ
ځی او دتکامل نوی نوی پړاوونه شاته
پریږدی اود ټولنی دژوندانه بڼه دخپل
بدلون سره سم بدلوی .

که دانقلاب نه لس کاله
پخوا دا نظر و چه زموږ ټولنه
هیڅکله هم تکا مل نه کوی. و به ،
خو اوس او دجمهوری انقلاب په
شرایطو کی عقیده پدی ده چه ټولنه
پر مخ ځی. او تکا مل کوی او دخپل
دغه تکا مل سره سم دوطنوالودژوند
بڼه او شرایط هم بدلوی .

هوکی ، اوس چه زموږ جمهوری
نظم شامته په ډیره میړانه ، پوره
پرمختگ لوری ټاکلی دی نو دهیواد
وطنپرست او وطنپالوونکی زامن ددی
نظم شامتیه په ډیره میړانه ، پویه
صداقت او رښتنواله ولاړ دی، اولکه
هماغسې یی چه دخپل گران هیواد
افغانستان دځوان جمهوری نظام څخه
دمنځ ته راتگ له لومړیو شیبو څخه
دفاع و کړه او دټینکیدو په خاطر یی

خپل تلاشونه و کړل اوس اوس هم
دهغه دهیلو او آرمانو دترسره کولو
لپاره بیا هم دکار، زیار ترقی او
پرمختگ په سنگرونو کښی ولاړ دی
او له هماغسی زیار کښی اومپړنی
روحی سره دخپل وطن، خپل ستر
گډ کور زر غو نول او سمسورول
غواړی .

— وړاندی دیوه پر مختلی، سر
لوړی او په ځان و پسا افغانستان
دودانی په لوری !

یک وظیفه جدید



کارین در محل واقعه .

ولی کارین شیوهی بر خورد بخصوص دارد او با لحن ملایم به مردم می گوید که در یک شهر مزدحم چگونه باید مقررات ترافیکی را مراعات نمود تا از بر خورد های جدی جلوگیری بعمل آید . و اگر جوانان اعتراض نمایند که جریمه ی ده تا بیست مارك

بیش از مدت یکسال می شود که او در بخشی شارلتون برگ، یکی از پر بیر و بار ترین محل های بر لین اجرای وظیفه می نماید . در جای که او خدمت می نماید از لحاظ کمبود محل حمل توقف موثر به درد سر بز رگی گرفتار است و به همین دلیل کار یکن همیشه سعی می نماید تا جلو تخلف کنندگان را که در جای های ممنوع توقف می نمایند بگیرد . بسیاری مردم هنگامیکه جریمه می شوند از خود عکس العمل نشان می دهند، و برخی که تند مزاج اند محسوری بر پا می دارند .

ولی همیشه کارین بر خود های شدید را با تبسم بر مهر جواب میدهد . بسیاری مواقع حادثه های بوقوع می پیوند دکه ضرورت می یابد به ماموریت پولیس و یا حتی محکمه کشانده شوند .

پولیس چیز های پرسیدم . شرایطی که برای پذیرش در خدمت پولیس آلمان فدرال تعیین شده بود آنقدر مشکل نبود . یک زن باید تحصیلات متوسط داشته و کمی از تجارت چیزی بداند . آزمایش های روانی برای کارین آنقدر مشکل نبود و لی مصاحبه رو برو کمی برایش اضطراب به همراه آورد زیرا بگفته خودش « نا گمان در برابر ده مرد که انسان را سوال باران میکنند ، رو برو می شوی » و لی او توانست تا از این آزمایش پیروزمند بر آید ، زیرا نشان داد که او بخود خیلی اعتماد داشته بروانی می تواند حرف بزند و با مردم ارتباط فوری بیاید . برای اولین بار کورس شش هفته ای گرفت تا قوانین و مقرر های ترافیکی و پولیس را بداند . در آن کورس ، زن های دیگری هم مصروف بودند ، که بوسیله پدران و یا شوهران شان به وظیفه ی پولیس کشانده شده بودند .

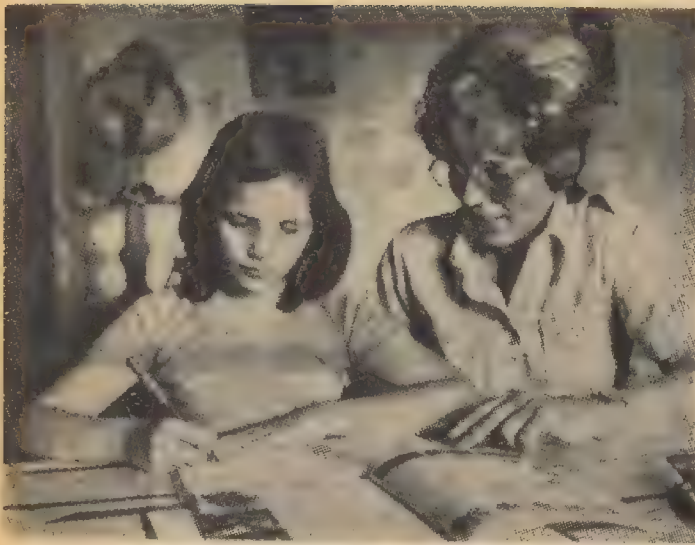
این زن که لباس پولیس پوشیده است کارین او تگ نام دارد . اوموی زرد ، جذاب بوده و همیشه تبسم دوستانه روی لبانش نقش بسته است . وظیفه اش در بسیاری موارد ایجاب می نماید تا به مردان دستور داده و خطاهای شان را بر رخ آنها بکشد . این کار خود مشکل است زیرا در هر کشوری ولو خیلی پیشرفته و روشن باشد مردان دوست ندارند تازنی بر ایشان دستور بدهد . ولی کارین او تگ لاین همه حقایق را بدون اینکه خون سردی اش را از دست بدهد ، می پذیرد . او وظیفه اش را دوست دارد زیرا بمیلش آن را بر گزیده است . در اوایل بحیث یک خیاط تربیه یافت ، ولی بزودی این کار خسته اش ساخت . خودش در زمینه میگوید : « روزی به یک پرو گرام راجع به پولیس زن از رادیو پخش میشد گوش دادم . بدنبال آن مستقیما بطرف تلفون رفتم و راجع به شرایط شمول به



کارین بکم کوران و کسا نیکه دچار مشکلات اند میشتا بد .



خانواده ی سه نفری در کنار دریاچه .



کارین هنگام کمک پدرش هی دخترش .

حوادث مجروح شده اند از یو لیس در خود بر لین هم اکنون ۱۲۵ پولیس های زن خاطره های بهتری دارند ، زن مشغول اجرای وظیفه اند و لی در شهر ها و دهات دیگر نیز می

توان از آنها یافت .

شوهر کارین وظیفه ی جدیدش را يك كار عالی و جدید می داند. او يك راننده ی لاری است . دخترش بتئینا هر روز صبحانه را با ما درش صرف می نماید . کارین بر علاوه شغل پولیسی اش به امور خانه وزندگی اش بخوبی می رسد زیرا فکر میکند که برای زن کار خانه در اولیت قرار دارد. در آخر هفته یا رخصتی ها اعضای خانوادگی برای تفریح و میله به بیرون شهر میروند. این خانواده سه نفری موتوری دارند که بشکل کاروان در آمده و در روز های رخصتی به کمک شان می شتابد .

در رخصتی های تابستانی این خانواده ی سه نفری بسوی کشور های اتریش ، ایتالیه و یا فرانسه راهی میشوند . د راین سفراوهیچگاه بحرم تخلف از مقرره های ترافیکی جریمه نمی شود زیرا نمی خواهد پولش در این را بهدر مصرف شود.

برایشان خیلی زیاد است او بزودی جواب می دهد « ببینید موتر شما با آب ویا جای سرد راه نمی رود.» او حتی توسط تخلف کاری های زیاد عصبی نشده و با زبان ملایم همه چیز را توضیح می دهد . روزی او کلاوس شوتیز شماروال بر لین را ده مارک بخاطر تخلف جریمه نمود. شماروال با بسم ازاش پرسید:

« تر مرا می شناسی که کی می دهند ؟»

کارین با لحن ملایم جواب داد: « اگر امپراتور هم باشیید برای من فرق نمی کند .»



کارین و تک در حالیکه سند جریمه را روی شیشه ی موتوری نصب می نماید .

لالها نډه مينه

اوسې د خپګان احساس نه کوي ؟

— (که رښتیا ووايم نه زما د خپل ځای آزادي ډیره خوښه ده زه پخپله دښانود رانیو لو څخه خوښ اخلم او که و غوايم خپل سبا ناری غر مه خور م. آيا ستاسې د پاره داډول ژوند په زړه پوری نه دی)

— (هو مگر زه یوازې ژوند کو م. د شمالی لندن په یوه کور کې . داسې احساس کوم چه دیوه یوازې سړی دپاره د خصتي په ورځو کې د پری نیمګړې تیاوی شته)
تانيا پوښتنه وکړه : (آيا ته له ما څخه غواړي چه په تا باندې زړه وسو څوم؟)
ده سمه لاسه څو اب ورکړ : (هو)

تانيا سر ګر مه ښکارېده او مو ضوع یې بدله کړه . له هغه څخه یې د پوښتنې په آيا دکیانو بازار یې لیدلې او د څر خلا دپاره دایښودل شوو کیانو پاکسو کتا رونو ته یې پام کړی کانه ؟

او داچه آيا په بېړیو کې د خلکو لخوا د کیانو وړیتو لې لیدلې کانه ؟
هغوی خپله قهوه خلاصه کړه . ستیفن نه غوښتل چخپلې ستر ګی د هغې د منځ څخه پلې خوا ته وغړوي ، له هغې څخه یې پوښتنه وکړه : (تانيا، آيا ته بارسلو یا ته تللی یی ؟)
— (تر اوسه پوری نه)

ستیفن د هغې درانیو لو ښانود . نو کړی د هغې تر کوره پوری ورسره یوډه . دتانيا کور دسیند په غاړه وو لوړ دا وسپنې دیوالونه یې د لودل او کوچنی غو لې یې له لښا تا سو څخه ډک وو . دی ددغه کور لاندنی پوړ کرایه کړی وو . کله چه تانيا خپل رانیو لې شیان کورته یووړل دی دیوی ونې ترسیوری لاندې ورته منتظر وو . هغه څه شپه وروسته له کوره راووتله او په لویو تورو عینکو یې نیم مخ پټ کړی وو .

تر غر می وروسته ګر می ډیره زیاته او په ښار کې خورا ګڼه ګوڼه وه . هغوی د (ګریستو فر کو لمپوس) ترستون لا ندی شمیرنځ وڅوړ او بیایې دښار جا مخ کلیسا او میدانی بازارونه ولیدل . تانيا وو یل : (پدی سیمه کې یو نمونه یې هسپا نوی کلی شته چه کورونه او دوکانونه یې په څا ص هسپانوی سبک جوړ شوی دی څوموړ اوس وخت لرو چه ورشو .)

هغه ځواب ور کړ : (موږ کولای شو سبا یا بل سبا هلته ور شو) بیایې دتانيا څنگل په پخپل لاس کې حلقه کړه او دخلکو د ګټې ګوڼې له منځ څخه یې تیره کړه . ستیفن هغې ته وویل : (داشه اونن شپه دشبې ډوډۍ ته ژما سره ولاړه شه) هغې خپل سر د نفس په علامه و ښوړ راوه او ویی ویل : (ماله خپلې یوی ملګری سره و عده کړی چه نن ماښام به له هغې سره تیروم . هغه د ساحل په هو ټل

هغې یو ساده تور کمیس اغوستی و او خپل طلايې ویښتان یې پخپل سر باندې تاو کړی وو .

ستیفن ور ته وویل : (په هسپا نوی ژبه دتشکر دپاره (ګراسیاس وایی) هغې منځ ورته وواړاوه او د مسکا په ترڅ کې یې وویل : (پوهېږم ماهغه وخت په اسپانوی خبری کول بس کړل چه یوی بجلی په یوه دوکان کې په ډیره سمه انگلیسی ځواب را کړ . هغه وخت ځان راته ناپوه ښکاره شو)

ستیفن ورته وویل : (داراز پیښی موږ ټولو ته پیښیږي . ما د ساحل په غاړه یوه سیندونو نجلې ولیده زه ډیر کرار روان وم

کله چه می سد سر ته راغی حنه غایبه شوی وه .) بیایې تر یوی ونې لاندې میز ته دسره په واسطه اشاره وکړه او ویی ویل : (اوس قهری دڅښلو وخت دی ښه به وی چه دواړه یوځای قهوه سره وڅښو .)

هغې دمسکا په ترڅ کې خپله بور یایی ټوکرې . چه رانیولې شیان یې پکښې ایښی و راپور ته کړه . ستیفن د هغې اوږدو او نازکو لاسونو ته متوجه شو . د هغې په ګوته باندې حلقه ته لیدل کیده . ستیفن د هغې څخه ټو کړی وا خپسته او تر میز پوری یې یوډه بیایې د هغې دپاره قهوه راغوښتله .

ستیفن په رسمی ډول وو یل : (ژدستیفن بلیک یم .)
— (تانيا پیکفورد)
— پریږده چه حدس وکړم . د لندن یاست ؟

— (نه دایلسبري دښاریم)
هغه پوښتنه وکړه : (څو مړه نوره موده ده دلته پاتی شی ؟)
— (دری نوری هفتی)

دهغه درخصتي خلا صیدو ته دوی هغې پاتی وی . هغه فکر وکړ چه په دوو هفتو کډیوه نفر په باب ډیر معلو مات تر لاسه کیدای شی او ډیایي خاطرې منځ ته راوستل کیدای شی . هغه له تانيا څخه پوښتنه وکړه :

— (آيا ته چه په یوه کور کې یو از ی

روژا سؤما یوه ملګری دغه ځای ماته دیوی میاشتی دپاره په کرایه را کړی دی . ز ما د اضافی کار تر یوی اوږ دی دوری وروسته اوس تفریح کوم).

هغې په مودبانه ډول وویل (اوه استیفن پوښتنه وکړه (دلته دری هر ټلونه دی تاسی په کوم یوه کې اوسی ؟) (په هین یوه کسی کې . مایو کور کرایه کړی دی)

ستیفن په متفکرانه ډول هغې ته و کتل او ویی ویل : ستاکمیس زما دپاره یوه معما ده لکه چه خاص د ساحل دپاره جوړ شوی دی همداسی نه ده ؟) هغې په غیر متوقعه توګه وویل :

— (ماداکمیس دیوه ملا قات دپاره اغوستی دی .)
(ته دیو چا دکتلو دپاره دلته را غللی یی ؟)

هغې په داسی حال کې چه دریکې ساحل په اوږدو کې یې دڅپو د تصادم ښکاره کوله په کلکه لهجه یې وویل : (نه)

— (داډول کمیس څو دیواز یو ب پداسی شرایطو کې داغوښتلو دپاره نه دی .)

هغې بیایه یې پروایی سره وو یل : (نه) او زیاته یې کړه :

(ښه نو شپه په څیر . هیله کوم چه درخصتي څخه دی خوند وا خلی)

بیایې د خپل اوږ ده کمیس لڼه پخپلو لاسو کې راټوله کړه اوشکی یې وړ څخه وځنډلې اوله ساحل څخه پور ته خواته روانه شوه . څو شیبې وروسته ستیفن د خپل ورونگ له امله ډیر په غصه شو . کله چه دی هراړی سیمې ته ورسید هغه خپلې عایبه شوی وه . د هغې طلايې و ښتا نو او په زړه پوری آواز څخه پرته وبله هین ډول نشانه به درلوده .

دوی ور ځی وروسته ستیفن هغه آواز په مارکیت کې پیدا کړ . هغې له یوی کی څخه زردالو رانیو ل ده د هغې ډیر پټانوی لهجه (تشکر) واورید او کله چه هغه راوگرځیده نو ویی لیدله .

ستیفن په څیر سره د هغې خواته و کتل هغه کرار کرار دیوی غرنی غونډی لاړی حنه ساحل ته راغلې او دایې په داسی حال کې ولیده چه دډبرو په مینځ کې ناسته وه او دسیند خواته یې کتل .

کله چه ستیفن د ساحل دډبرو په کس رنگه سیوری کې ودرید ، هغې ونه لید . سپوږمې په لیوالو سترگو د هغې خوا ته لاندی کتل او د اوږو په سطح باندې یې دسینو ررو په رنگ یوه پټی مینځ ته راوستلې . دسپوږمې په پلو شوګی دپښلی طلايې ویښتان تقریبا سپین ښکاریدل او د هغې په کمیس با ندی دسینو زړو تارونه ځلیدل . دسینفین په سترگو کې د هغې کمیس د هسپا نیی د کوچنیو ساحلی کلیو د هغو کمیسو نو په ښا ښکاریدنه چه ددغو کلیو اوسیدونکی یې اغو ندی دسینفین پسې یوه ډبره و خوځوله او هغې به نندې سره منځ ورواړاوه ستیفن بخښنی غوښتلو دپار د وویل : (ماتر دی د مخه هیڅکله دسیندونو یوه نجلې نه وه لیدلې . څه حال مودی ؟) هغې په څیر سره ور ته و کتل او ویی ویل (دسیندونو نجلې).

(دسپوږمې په داسی حال کې داسی ښکاریدې لکه دسیندونو نجلې) هغې وځنډل او یوصاف او ښکلی ډنځ دسینفین تر غوږشو : (اوه ژما دکمیس ټو ګر همداسی ښکاری ، د سپینو زړو او په پکښې کار شری دی) دنجلې آواز سبک او د خوښی څرګندوونکی و . خو ستیفن داسی محسوسه کړ چه هغه په کوم ځای کې یو وخت ځوړل شوی ده .

ستیفن هغې ته ورتړدی شو او دسپوږمې په رڼا کې یې د هغې منځ ولید چه یو سترګی یې ځوان او د هډوکو جوړ ښت او دڅو لی شکل ډیر ښکلی و . هغې په بغیر ارادی توګه مخ راوړاوه اودستیفن ته یې و کتل . هغه ډیر ښایسته او دجګی ولی خاوند انگلیسی ځوان ورته ښکاره شو . هغې پوښتنه څنسی وکړه :

(آيا تاسی په بلنز کې اوسیږی ؟)
ستیفن هغې مار پیچی لاری ته ګوته و نیوله چه دډبرو له منځ څخه تیریده او په پاستی بوخه کې یوه کوچنی سپین کورته رسیدله : (وبلا

کی دتشریفا تو آرمه ده .)

— (په ایلسبرې) کی خه کار کوی ؟

هغی په لنډه تو گه خوا ب ور کي : (زه یو دوکان اداره کوم دادگان دکور جوړوو نکو دپاره دی او عجیب غیر معمولی انټیک اړپه زپه پوری شیان پکښی دی) .
— (ډیر ښه کار دی .)

— (زما دپاره دایو بری دی) ما خپلی ټولی سپماوی په دغه دوکان کی په کار اچولی او یوه شریکه ل م . چه (جو لیا وست) .
نومیزی .

— (نو ته یوه لو په سر مایه داره ښځه پی؟)

— (نه) هغی په تیره آواز وویل :
ستیفن تانیا دلمر څخه دیوی قهوه خانی خواته بو تلله چه دواټونو تر تو دو ځسی وروسته دینځی احساس و کړی . بیا یی پوښتنه ځنی وکړه : (ماخه وویل ؟)

— (هیڅ اوهز ما په عقیده هر څه ستا گناه نه وه . (لاری) په مایاندی تور لگاوه چه ډیره خودخواه یم ، همدو مر اویس .)
— (لاری ؟)

تانیا هغی ته وکتل چه دیوه پلټونکی بڼه یی ځان ته نیولی وه اوداسی ځواب یی ورکړ :

(موږ له یوه کال څخه دزیانی مودی دپاره سره نامزدؤ زما دهغه کمیس دپاره (لاری) ټوکر رانیولی وو ، دا ټوکر یی دجنوری په میاشت کی راتو چه هواخورا سره وه اولویو پلورونځو خپل کالنی لیلامونه اعلان کړی وو . موږ یوه پلور ټڅی ته ورننوتلو اوماوویل چه تل می دغه ټول غوښت . هغه ماته دغه ټوکر رانیو او په کور کی یی راته وغوړاوه .)

دهغی په مسکاکی بخوانی خا طری به نشا اودغمگینی علامی پکښی ښکاریدی .
(ما اوهغه یووخت یوه لنډه رخصتی په اسپانیا کی تیره کړی وه چه زموږ دپساره خورا ارزانه تمامه شوه . موږ له یوبل سره وعده وکړه چه یو وخت بیا اسپا نیاته راشو اوږه به هغه کمیس واغوند م . زما په فکر ډیر احقانه دی) هغی ددی په ویلو سره خپلی اوږی پورته کړی .

ستیفن په آرا می سره پوښتنه وکړه :
(لاری ته څه ور پیښه شوه ؟)

— (هغه شپږ میاشتی دمخه له ما څخه جلاشو . موږ دمخه هم دعوی سره کړی وی خو نه دهغی ورځی په شان . هغه راته وویل چه زه یوازی بریا لیتو ب غواړم اوتو قح لرم چه ژوند باید آرام او خپانه وي .)

گوره زه هومره تیری نه یم لس دقیقې وروسته یو سرویس حرکت کوی زه غواړم وختی کورته ولاړه شم .
دکور په لارکی هغه چوپه وه . ستیفن د لوری فلزی دروازی سره له هغی سره دچلا کیدو په وخت کی وویل : «خوښه دی نه ده چه سبا یوه آرام خلیج ته ولاړ شو . بارسملونا به یوی سړی ورځی ته پریږدو زه فکر کوم چه اوبه به ډیری په زړه پوری وی ، دسیندونو نجلی !» هغه غوښتل په هر ډول چوی دهغی دمخه ورک شوی منظر بیرته را ژوندی کړی .
هغی بیا په بی پر وایی سره وخنډل : «سمه دهزه به د ساحل یوه ټوکر کی هم واسره راوړم .

ستیفن وویل : «زه به شرآب راوړم .»
«ویلاروزا» خالی ښکاریده . ستیفن به بی شوقی سره خانه خراپه برابر کړه اوفکر یی کاوه چه لاری — هرڅوک چه وی یواحق دی .

سپار هغه یو بوبل شامپاین او دوه دسیبني کیلاسونه رانیول او تانیا ته یی وویل : «آخر موږ خو شامپاین په پلاسمیکي بیالوکی نشو ځینلای . تانیا له هغه څخه پوښتنه وکړه چه شامپاین دی ولی رانیول او ده هماغه ځواب ورکړ چه هغی یی انتظار درلود :

— «د دوستی دمانځنی دپاره »

هغی په یوه آرام خلیج کی ولامل او وروسته تانیا خپل دمیلی خواپه په یوه ټوکر باندی کښیښودل او دواپه په خورلو شروع وکړه . ستیفن پوښتنه وکړه : «آیا تراوسه هم دلاری په باب فکر کوی ؟»
تانیا خپل سر رښوراوه ، یوه ژوره ساه یی وکښله او ویی ویل : «اوس نه . ماد ډیر وخت دپاره فکر کاوه چه هغه به بیرته راشی خو هغه رانه غی .»
— «هغه څه کاو کوی ؟»

هغی په یوه آرام خلیج کی ولامل او وروسته تانیا خپل دمیلی خواپه په یوه ټوکر باندی کښیښودل او دواپه په خورلو شروع وکړه . ستیفن پوښتنه وکړه : «آیا تراوسه هم دلاری په باب فکر کوی ؟»
تانیا خپل سر رښوراوه ، یوه ژوره ساه یی وکښله او ویی ویل : «اوس نه . ماد ډیر وخت دپاره فکر کاوه چه هغه به بیرته راشی خو هغه رانه غی .»
— «هغه څه کاو کوی ؟»

— «حدای یوه بری» هغی به خپل لعیف آواز خبروته دوام ورکړ : «هغه اسمعداد درلود خو یوی ارادی انسان ؤ ، اوله هیڅ شی سره یی علاقه نه پیدا کوله . هغه ښه انځورونه کښل او پر لږگیو باندی یی ښکلی نقشونه کښل ، لیکوالی هم کوله »

هغی خپلی سترگی پټی کړی او ددلاری تصویر یی دسترگو په منځ کی په څرگنده توگه را پیدا شو :

یونړی دځندا ډک منځ ، دکوڼو نسواری وپښتانو او شمنو سترگو سره . لاری یو مهربان ، نجیب او طریف مگر په عین حال کی یو ضعیف انسان وو . دهغی سترگونه په یوه رخصتی کی هغه میله مجسمه شوه چه ددلاری سره یی دفالین خبروته غوږ نیولی وو .

هغه صحنه چه په سیمتاکي دخورا ارزانه ټکټ درانیولو دپاره دواپه په کتارکی ولاړ ؤ اوددی کار څخه یی یوه ټوکه جوړه کړی وه . هغه صحنه چه دیوی میاشتی یوځای توب خاطره یی دغواپی دغوښو دسانو پیچو په خورلو اود قهوی په څښلو نمانځله . . .

ستیفن دغه خاطری دهغی په سترگو کی ولیدی او ورته ویی ویل : «داسی معلومیږی چه هغه بیخی یو غیر عملی سړی ؤ .»

— «هوا مگر هغه ډیر په زړه پوری هم ؤ له خوبونو او خیالونو څخه ډک فکریی در لود پاتی په ۵۶ مخ کی



علیشیر نوایی

اما در نزد حسین بایقرا علیشیر نوایی
وجد دارد، باید میرزا یادگار ازین شما
خیلی حذر کند!

علاوالدین مشهدی رنجید:

«ایقدر مبالغه: او انسانی بغایت نرم
طبیعت است تو اورا نمیشناسی»

«نخبر، نوایی قدرت بزرگی است: او
عمیقاً با سیاست آشنایی دارد، علاوه بر خود
مندی از اعتباری بزرگ در میان مردم بر
خوردار است، این درست است که من او را
از نزدیک نمی شناسم، اساساً بهتر است
آدم از وی بگریزد و دور دور بگرزد اما هر
کس از وی کردار خود شناخته میشود، بهر
بافته از وی کربامی که بافته است می
توان پی برد، هر گاه قصیده ات بی نیک
باشد، هیچکس به شاعریت اعتراض
خواهد کرد»

سلطاننمراد که پیغم باتکان دادن سر
سخنان او را تصدیق میکرد، گفت: (امید
واریم که نوایی عنقریب کشور را از گرداب
آشوب و فلات بر هاند.)

توغان بیک با قیافه گر فته بز میمن
نگریست و بعداً در حالیکه نیمه بدن خود را
حرکت میداد گفت:

«برای کشور هیچگونه خطری متوجه
نیست، در رگهای میرزا یادگار نیز خون
تیمور جریان دارد، او فقط حق مسلم خود را
خواسته است و بس»

سلطاننمراد که مناقشه باوی را بی لحر
میدانست سکوت کرد توغان بیک زیاد

نوشید، علاوه لدین نیز به تقلید از وی،
چند جام نسبت بهر وقت دیگر پیشتر
گرفت و سر انجام از حال و فت، سلطان
مراد که سر حال بود از جابر خواست تا
علاوالدین را در آنجا گذاشته، خودش برود
توغان بیک تا در رواز، او را مشایعت کرد.
صحنه پر از درخت حویلی، آدم در نسور
مستجاب غنوده بود، توغان بیک صدا کرد:

تا اینجا داستان

خبر باز گشت نوایی به هرا توانست باو بیعت مهر دار دو لقا چون حادثه مهمی
انکاس میکند، مردم خراسان این تقریر را به فال نیک میگیرند و چشم امید بسوی او می
دوزند.

روزی حسین بایقرا نوایی را نزد خود فراخواند، نظرش را در بره میرزا یادگار
یکی از شهر ادگان تیموری خواستار می شود اما هنوز دیری نگذشته شب سهزاده
مذکور علم بغارت بلند میکند و بعد از اشغال جرجان، در صدد تسخیر خراسان
بر می آید، حسین بایقرا با سپاهی بزرگ عازم آن دیار شده او را شکست میدهد.
در همین آوان خبر میرسد که مردم هرات از رویه خشن و بیداد بر خیاعلان
بستوه آمده اند و نا امنی سختی در آنجا حاکم است، این غایله توسط نوایی فرو نشانده
میشود.

چندی بعد در اثر جنایت بر خی بیک هادروازه هرات به روی دشمن غمخوده میشود
و میرزا یادگار بر ادیکه قدرت می نشیند حسین بایقرا پس از مدتی آوارگی بسوی
میجه روی می آورد.
در خلال این مدت، شبی سلطاننمراد با توفان بیک ملاقات میکند و باوی راجع به
جریان امور کشور حرف میزند.

نور بابا، شمع بیار

سلطاننمراد گفت:

«به شمع ضرورتی نیست»

«عجله نکن، زود به حجره خواهی رسید
بهتر است قبل از آن در پیشگاه رب النوع
زیبایی سجده کنی»

سلطاننمراد نتوانست ازین گفته چیزی
در یابد، و شانه را بالا انداخته از پی توغان
بیک روان شد، برده پیر شمع آورد، توغان
بیک یکی از خانه های واقع در عقب درخان
را گشوده گفت: (بفرمایید)

چشم سلطاننمراد به دختر زیبای روی

افتاد که نزدیک دریچه مسدود با اضطرابی
عمیق و زانو نشسته و سر فرو افکنده بود
سلطاننمراد در حالیکه بانو غنی انفعال یکی دو
قدم عقب میگذاشت با خود گفت: (در کمال
زیبایی است، زیبایی بی همتا است) -
توغان بیک به لگنی که در طاق نهاده شده
بود چشم دوخته، بالای سر دختر رفت و
اندکی خم شده پائین تر رسید:

بست خود را بر شانه او گذاشت و تیسیم

سلطاننمراد اندیشناک پرسید:
«این کیست؟»
سیدشب از دهکده اش ربودم، حسنی
بغایت لطیف دارد.

مگر نمیتوان اینگونه حوادث را برای
ملکیت از جمله بلیات بحساب آورد؟
«دوستم، این حرفها را بگذار و برون
دختر ماجرای پس خواهی آمد است: شب
از نیمه گذشته او با موهای پریشان روی

صفا، در خوابی شیرین فرو رفته است،
آنطرفتر مادر کلان پیرش (خر) میکند
با دوجوان خود را به نوبت با سرش
بمیانم، بعد دهانش را بستیم و با خود
برداشتیم و درست مثل کسیکه از باغ گل

دلدار جان، چرا غذا نخوردی؟ غذای بدزده و پایه گریز نهاده، بسپولت از دیوار
دیگریزایت بیارور؟

«میخواهی غذا بخورم: بجای آنز هر گذاشتیم، ماجرای جالبی است» آری

صحبگاهان به خانه یکی از آشنا یان در
دختر در حالیکه قامت خوش را راست حواشی شهر فرود آمدیم و چند لحظه قبل از
نموده پاننده و قاتر فریاد میکشید، - رادینجا رساندیم، اینگونه کار ها کيف
چشماتش در خشید و سینه اش از شدت ولذت جدا گانه ای دارند.

چرا اینطور کردی؟ حالا سر نوشت
او بکجا خواهید کشید؟ مگر ممکن است
در دستان لرزان خود شمع گرفته بود، مصیبتی جانکا هتر ازین برای یک پسر و مادر
صدایی محزون گفت:

«رویدهد؟ سلطاننمراد با بدنی مرتعش حرف
دخترم، بخدا روی آور، فقط از وی میزد.

نجات بخواه!
توغان بیک مفرورانه گام برداشته به اینرا خوب میدانم، توغان بیک آدم و بسا
سلطاننمراد نزدیک شد و آهسته یگو شش جدیت حرف میزد اگر نخواهد حتی دستش
گفت: (قتل است به دل چنگ میزند) راحم بدست توخام گرفت: در خانه آقای
سلطاننمراد چیزی نگفت، طور غیر ارادی با مازندگی خواهد کرد، اما در حقیقت دختری
تار و خشم دختر را از نظر گذرانید و بیرون بر است که باید زینت بخش سرای باشد.

نه، باید بیچاره را به خانواده اش بر
لحظه ای بعد توغان بیک نیز بیرون آمده گردانی، این يك عمل کاملاً انسانی است
توغان بیک نباید افسان چون باز یچه

ایزدست هوسهای زود گذر قرار گیرد.

خوبست ، درین باره فکر میکنم ، حالا
بسیار بخیر ، توغان بیک از وی فاصله
گرفت .

سلطان نمراد مدتی در جای خود میخکوب
مانده چشم به دروازه بسته دوخت ، سپس
بالحالت محزون و ناتوان آن هسته برآه افتاد
شیر در خواب عمیق فرو رفته بود . از فاصله

دور جا مع هفت طاق هرات و قلعه اختیار
الدین در روشنائی بیخوش شبانگاه ،

شکوهمند تر و با عظمت تر بنظر میرسید .
سلطان نمراد با وضعی نسبتا غیر ارادی ، با
نظمی آکنده از نفرت نسبت به توغان بیک
خشمی پایان ناپذیر نسبت به تمام جباران
جهان راه میرفت . دوتاویکی به حجره داخل
شودید و آنکه شمع بیفز و زد ، بستر خود را
گسترده درواز کشید . خواب از چشماش

رید . ایستاد و آنطرف غلتید . فکر
رحماتش بادلدار بود . دردی خوشا یسعد
مینته خورش احساس کرد . لبانش تکان
خورده چند بار این بیت را تکرار نمود :

چشم اگر ایشیت واپرواین و ناز و عشوه این
الوداع ای عقل و هوش و الفراق ای علم و دین

فصل هفتم

حسین بایقرا در (چهار باغ) مینته با
وضع افسرده بسر میرد . حالا از آنپس
ضیافت های شاهانه و بزم های پر شکوه
خسروانه اثری نیست . او اکثر اوقات در
یک خانه بزرگ مربع شکل که نقشهای
روبه کهنه شدن نهاده بود و در یک گوشه
باغ موقعیت داشت . تنها می نشست و حتی
غزل هم نمی سرود . حکمروایی که از
تخت خسروی فرو افتاده بود دیگر بیاد
بروان مقوس و چشمان شیدا و زیبارویان
حتی یکبار هم آه نمیکشید : عشق و علاقه
به تاج و تخت ، با شیر مادر بخورن و اندرون
شده بود او درین روز هائیکه مندی این
عشق را عمیقتر و شدیدتر از هر وقت دیگر
احساس میکرد .

شور و فریاد جوانان و سپاهیان که
آواره از پی سلطان سرگردان ، نظم و ترتیب
خویش را ازدست داد و با کشتی گیری و
انواع دیگر تفریح ها خود را سرگرم می ساختند
از گوشه دیگر باغ بگوشی میرسید . حسین
بایقرا نفسهای عمیق میکشید و بایب صبری
ورود کسی را انتظار میرد . ایشیک آقاسی
داخل شد و تعظیم کثان گفت :

تشریف آوردند ، اجازه ورود می

دهد ؟

حسین بایقرا با اشاره سر تصدیق کرد .
همینکه نوایی وارد شده بر طبق معمول

تعظیم بجا آورد ، سلطان بایب صبری موقع
جلوس نشانداد و بدو ن مقدمه به سخن
آغاز کرد :

اندیشه ای در خاطر کسی بود .
خواستیم نخست از همه ، درین گوشه
خلوت ، بانظر شما آشنا شویم . یقین دارم
که این وقایع بر از درد سر شما را بیشتر به
کشوش افکنده است .

نوایی گفت :

ارطلف شما بنایت مومنین آمده ام تا از
حضور شما خبر مسرت بخشی بشنوم .
هرچند در آنجا کسی نبود ، با آنهم حسین
بایقرا با صدایی خیلی پست ، معلوم است
قابل تو چپ را که همه وزه از واقعه تکاران
خویش دریا فت میداشت ، بوی بارگرو
و عدم اسرار حا کمیت مرزا یادگرا
آورده بود . نوایی نیز آنچه را که در باره

وضع هرات شنیده بود ، یکایک بیان کرده
پرسید :

حالا به چه قرار ی رسیده اید ؟
مشکل اساسی هم در همین جاست
درین باره وقت فراوان بکار باید برد . بایقرا
پس از لحظه ای مکث ادامه داد هرگاه ما
سپاهیان موجود خویش بسوی دارا خلافت
حرکت کنیم و در یک فرصت کا ملا عمر
بقیه در صفحه ۵۷



گزارشی از نمایشگاه نقاشی



شهرانی در حال نقاشی پور تربت باغلی رئیس دولت و صدراعظم یوهاند دکتور نوین وزیر اطلاعات و کلتور از آثار شهرانی دیدن میکنند

از شهید «آشتی»

خصوصیات مکاتب دیگر نیز در آنها خوا مخوا زیدخل می باشد .

در نمایشگاه شهرانی که در کتابخانه پوهنتون کابل برگزار شده بود به تعداد ۸۵ تابلو به نمایش گذاشته شده که در حدود هشت الی نه آن پور تربت و هشت الی نه آن شکل - کوبیستی دارد.

تابلو های ، دیزاین ، منار و مسجد جنگ اسرائیل و عرب ، سگ باسپان همت ، حکمران قدیم ، نگاه تنگی تاشقرغان ، دوشیزه افغان ، بزکشی ، بازار قدیم کابل ، کنار جوی ، تکه ابریشم که بعضا ، پور تربت و بارنگ آبی و (روغنی) زغال و رنگ سیاه کار شده ، تابلو های اند که جدیدتر معرض نمایش قرار گرفته است .

از میان تابلوی های که مورد نمایش قرار داده شده ، تابلوی همت است که عنصر اساسی اش ، انسان هموطن ماست و بدین لحاظ بیشتر قابل ارزش است .

این تابلو به مفکوره ، مصرعه معروف :

نزد همت کوه آهن در شمار سوزن است نقش گردیده و انسان را در حالت کار و فعالیت نمایش میدهد و بسوی آفتاب یعنی بسوی آینده روشن خود و هموطنش در روشنائی های رژیم

او میتوان یافت .

او گفت از زمان طفولیت به رسمای بدون آنکه به مفهوم نقاشی و رسمای بدانم ، علاقه داشتم و با استفاده از ذغال و غیره بروی دیوار ها نقش میکشیدم در دوره ابتدایی در مضمون رسم در مکتب هم نمرات خوب میگرفتم . با ادامه تحصیل مهارتم در رسمای زیاد شد و در دوره بکلوریا ، توانستم تایک دیکشنری اطفال را تالیف و رسمای نمایم و بعدا در این رشته کارم خوبتر شد و در دوره پوهنتون بعضی از کتاب های تعلیمی وزارت معارف را رسمای کردم . شهرانی اکنون بچیت هنرمند مشهور و قابل قدر جامعه ما تبارز کرده است.

شهرانی با سبک های ریالیزم ، کوبیزم و اپسترتکت (نیمه مدرن) آشنایی دارد اما بیشتر با واتر کلو (رنگ آبی) سرو کار دارد در پورتريت مهارت زیاد دارد . او چهره های زیادی از رجال بزرگ را به شکل پور تربت رسم کرده است . پیرو سبک خاص نیست ولی بیشتر آثارش از او گرفته است .

او گفت بین سبک ها حد فاصلي موجود نیست چنانچه در آثارم که بیشتر به سبک کوبیزم است ،

به عقیده شهرانی: هنر بایست به موازات پیشرفت زمان گام نهد . او در آثارش با عظمت ترین آرمانهای زندگی را متجلی ساخته است .

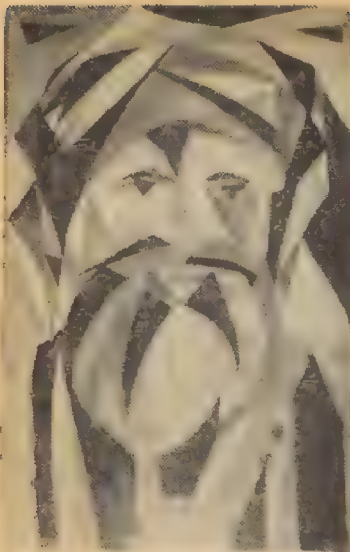
تابلوی « همت » با بهترین سجایای هنری از آینده روشن انسان هموطن ما باز گو میکند .

در آثارش ، اقتضات ملی گذشته ما و هم عناصر خاص ملی و واقعات بین المللی تصویر گردیده است .

یکتعد اد از محصلان پوهنتون کابل با صمیمیت زیاد و ابراز علاقمندی افسران شهرانی نقاش جوان و با استعداد حلقه زده بودند که نمایندگان ژوندون و رادیو از او خواست تا در مورد آثارش مصاحبه ای با آنها نمایند . او با رضایت خاصی حاضر شد پای صحبت نماینده ژوندون بنشیند و به معرفی آثارش بپردازد و گاهی هم به اطرافش نگاه میکرد تا شمار بینندگان آثارش را بداند ، بعد خنده ای کرد و خود را از حلقه جوانان پوهنتون بیرون کرد و به خواهش نماینده مجله و رادیو لبیک گفت .

براستی هریک از اعصار زندگی مسایل خاصی بوجود می آورد و مسایل جداگانه ای در مقابل انسان ها مطرح میکند و گاهی هم این مسایل و واقعیت ها به نحوی در دست آورد

نقاشی شهر انی



نوشته و چاپ کرده است .
لغات مستعمل در لجه دری
بدخشان کتابیست که در آن اشکال
بلفظ ، محل تلفظ با استفاده از علائم
فونتیک نوشته کرده است .
- ذاک های کهسار ، دوییتی های
محلی بدخشان در آن ثبت گردیده
است .

- امثال و حکم مناطق افغانستان
در سه جلد . جلد اول بزبان پښتو که
در این کتاب شهرانی از تماس با مردم ،
کتاب های مختلف پښتو و هم از آثار
های مرحوم گل محمد نوری و هم از آثار
محمد دین ژواک استفاده کرده است .
- جلد دوم ، امثال و حکم دری
(در حدود ۴۰۰ هزار امثال و حکم
این جلد از ده سال به اینطرف جمع
آوری گردیده است .

- جلد سوم امثال و حکم زبان
های محلی بلوچی ، پشه ای ، ازبکی
و نورستانی است .

کتاب دیگر داستان افسانوی یا
محلی «گور اوغلی» که در مجله فلکلور
هم نشر گردیده است .

دو کتاب دیگرش نیز بنا به شاعر
بدخشان ، پيو گرافي پيدل شناسان
و کتاب دیگری راجع به افضل خان
سرخوش معاصر ابو المعانی پیدل
نیز تحت کار و عنقریب آماده چاپ
میکرد .

شهرانی به رسامان وطن و آثار
شان علاقه زیادی دارد . طوریکه
در کتاب هنر در افغانستان از رسامان
کشور از زمان امیر شیر علی خان تا
بقیه در صفحه ۶۱



از تابلو های شهرانی که به سبک
های مخصوصی نقاشی شده است

دلخواه مردمش به پیش میرود . این
تابلو به هنر ایسترکت یا نیمه مدرن
رسم گردیده است .

او گاهی پای عناصر ملی را پیش
میکشد و با تابلو های بزرگشی ، شیر
فروش ، دوشیزه افغان عناصر خاص
ملی و عنعنات باستانی کشور ما
قصه میکند .

تابلوی مینار غزنه ، بازار قدیم
کابل بیانگر دوره های پر افتخار
کشور ماست ، ولی قلم مویش ، گاهی
از واقعیت های دیگری زندگی حرف
میزند ، در تابلوی لبلبو فروش و
حکمران قدیم ، خاطرات تلخ و واقعیت
های انسانی تری را پیش چشمان ما

مجسم میسازد .
گاهی متوجه پهلوی های دیگر بیرون
از سرحد کشور در آنسوی خط های
دور دست میشود ، و حماسه اعراب
را در گیر و دار اسرائیل روی تابلو

پیاده میکند ، تابلوی جنگ اسرائیل
و اعراب که رنگ هابجیت سمبول کار
شده ، توافق رنگ ها طور نیست که
هر رنگ خصوصیات این ممالک را

بیانگر است . ولی آنچه بایست گفت ،
اصول تدریس آرت تر بیوی نیز
کتابیست که شهرانی برای استفاده
معلمین و کسانی که به این رشته
علاقه داشته باشند تألیف کرده
است .

در ادبیات نیز کتابهای متعددی
از آثار با ارزش شهرانی



تابلوی «همت» یکی از آثار با ارزش شهرانی

تازه ترین فیلم در پرده سپید



صحنه ای از فیلم میانجی گری ازشهکارهای سینمای انگلستان

سطح نمایشات هنری سینماهای کشور، بلندرفته است. تازه ترین فیلم های کمپنی های بزرگ جهان، در سینما های کشور به نمایش گزارده می شود.



بر روی پرده آمدن فیلم های برادران کارا مازوف، بینوایان، آخرین مرد روی زمین، همسر کشیش، شرق جاوا، نگسیر و امثال آن، هر یک حادثه هنری سال بشمار می روند.

در جهان امروز سینما، بحیث یک پدیده خاص هنری مورد قبول همگان قرار گرفته و رونق شایانی یافته است.

همگام با سرعت زمان، در امور سینما داری و تهیه فیلم های هنری نیز تحولات و دگرگونی هایی وارد میشود، که سبب میگردد، سینما و فیلم بیک حالت ثابت باقی نماند و هر روز رنگ و رونق تازه یی بگیرد. با اعمار سینما های عصری و نمایش فیلم های جدید و خوب سینما در

افغانستان طرفدارانی پیدا کرده و هر روز بر تعداد این طرفداران می افزاید

در پهلوی ازدیاد علاقمندان آن اعمار سینما ها نیز روز افزون گردید، چنانکه امروز تنها در شهر کابل دوازده سینمای عصری، به نمایشات می پردازد...

اما آنچه درین میان قابل تذکر است، عدم توجه به سطح نمایشات این سینما ها بود، که در گذشته، عوض جنبه های آموزشی و تربیوی آن، سینما داران، به پول سازی و وسیله قرار دادن سینما، منحیث یک تجارت پر سود سعی میکردند.

یکسال پیش یعنی با آغاز رژیم جمهوری نخستین گامی که در راه اصلاح این موضوع بر داشته شد، انحصار توریید فیلم بود، که به موسسه افغان فلم تعلق گرفت...

درین گزارش مختصر نحوه بلند رفتن سطح نمایشات هنری سینماها و تلاش های که درین راه به عمل می آید، از نظر شما می گذرد:

یک منبع ریاست افغان فلم درین مورد میگوید:

- دربین گروه روشنفکر و مخصوصا جوانان تحولاتی که در نمایشات سینما های کشور روی داده است، انعکاس وسیعی داشته و مورد توجه قرار گرفته است...

روابطی که مدیریت توریید فلم ریاست افغان فلم با بیست کمپنی بین المللی سینمایی بر قرار ساخته، سبب شده تا مطابق خواسته های

عصر، فلم های هنری متنوع در سینما های کشور بر روی پرده آید. تلاش برای گشایش فستیوال های متعدد، از کشور های دوست ادامه یافته و تا حال به این سلسله توانسته ایم، از



رستم سهراب فلم بزرگ سینما شوروی

فیلم‌های جهان سینما های ما



نمایش فیلم های سینمای غرب هریک حادثه هنری سال بشمار میرود

دسته یی از مردم که به نمایشات بازاری-عادت کرده بودند تا حدی نا راضی بودند ، همچنان نمایش فیلم های محبوب سال که با قیمت های گزافی خریداری میشود ، نیز گاهی سبب ضرر مادی گردیده است ، اما از آن جایگاه افغان فلم مطابق پالیسی کلثوری دولت جمهوری آرزو دارد ، تا سینما در خدمت اکثریت مردم قرار گیرد ، فقط در تلاش آن است ، تا سینما برای بیداری و رشد فکری مردم ، بحیث یک سرگرمی مفید قرار گیرد .

میبخشد : - موجود بودن یکمزار ، نایکمزار و پنجصد فلم هندی در نزد بعضی سینما داران ، گاهی سبب می شود ، تا افغان فلم نتواند ، سطح نمایشات را ، در همه سینما ها بلند نگهدارد ، اما این موسسه بایک سلسله طرح ها و پروگرام های تازه امیدوار است . تا بتواند دگرگونی عمیقی که در زمینه نمایش سینما ها ، رونما شده ، روز بروز مطابق به پالیسی کلثوری دولت جمهوری بیشتر و بهتر سازد .



فلم های هنری ایران ، اتحادشوروی

بلغاریا و یک فستیوال بین المللی ، در کابل فستیوال های دایر سازیم . منبع می افزاید :

- همچنان نمایشات جدا گانه یی از فلم های چکوسلواکیا ، یوگوسلاویا ، امریکا ، ترکیه ، انلو نیز یا و کوریا ، در کابل داشته ایم .

همین منبع در برابر پرسشی ، از فلم های خوب سال که در سینماهای کشور ، به نمایش گزارده شده است اینطور یا دهانی میکند :

- روی پرده آمدن فلم های بزرگی چون : برادران کا را مازوف ، بینوایان ، آخرین مرد روی زمین ، همسر کشیش شرق جاوا ، تنگسیر ، بیتا ، آخرین یورش و دزد شفتالو ، هریک ، حادثه مهم هنری سال گذشته به شمار می آید ...

در تو رید فلم ها تنوع فلم از سینمای کشور های مختلف مد نظر بوده و برعکس گذشته نگذاشته ایم ، تا تنها فلم های بازاری محدودی ، سینما هارا انحصار کند .

چنانچه درین مدت فلم های بروی پرده آورده شد که قبل از نمایش در لندن ، به سینما های کابل نمایش داده شد .

خانم کارو لین ، مردیکه خود را شکار کرد وزن گنهکار ازین سلسله فلم ها به شمار میرود .

همچنان فلم های چاپانی در میان خاطره و یادگار و فلم شمشیر مرگ ، بعد از فستیوال کان مستقیما در کابل

فلسطینی‌ها بحیث یک قدرت

فلسطین چون سمیت جهان عرب را بهم وصل میکند و یامانند مواد

منفجره آنرا از هم میپاشد

یاسر عرفات

گذشته ازین سران عرب اعلام نمودند که موسسه آزادی بخش فلسطین باید ریاست وزعامت يك قدرت آزاد ملی را که در سر گیرد.

زمین فلسطین تشکیل میگردد بمسده بگیرد. فیصله کنفرانس سران عرب در ریاض معمای درد دهنده:

آنچه که قابل یاد آور ست اینست که زعمای عرب عمده‌ایا بصورت غیر عمدی پرابلم فلسطین را از یزیر گترین مواد منفجره سیاسی شرق میانه خواندند و این با گفته

هنری کیسنجر وزیر خارجه امریکا که اکثرا هنری کیسنجر در دهلی بود که اطلاع

معنی این را میداد که در موضوع سواحل غربی دریای اردن و یا در باره مساله فلسطین وقتی مذاکره صورت گرفته میتواند که مستقیما و پرو شود.



رئیس موسسه آزادی بخش فلسطین هنگامیکه حطانه خود را در نزد همین کنفرانس میزمنور سران امرای و زعمای عربی بمسده رباط پایتخت المغرب ایراد مینمود بوضاحت در برابر احساسات و جذبات دودنی خود مقابله میکرد.

یاسر عرفات درین کنفرانس گفت:

«ما کنفرانس سران عرب - مانند کنفرانس فلسطینی‌ها بوده

که در آن ملک



عرفات درمیز کار کنفرانس

گوشه ای از کمپ های مهاجرین در شمال عمان

شرق میانه را سر زمین مورد منفجر خوانده است شبها هت دارد. گذشته از اینکه ملک حسین از ادعای تاریخی حاکمیت ارضی اردن بر سواحل غربی دریای اردن صرف نظر نموده پذیرفته شده موسسه آزادی بخش فلسطین بحیث یگانه قدرت حاکمه فلسطین، اسرائیل را در يك معمای درد دهنده قرار داده است. اسرائیلی‌ها پیوسته اصرار می‌ورزیدند که در حل آینده موضوع فلسطین وسواحل غربی دریای اردن باید، اردن شامل باشد. آنها حتی این گفتوابعین صدراعظم اسرائیل را رد کردند که باید با

فیصل پادشاه عربستان سعودی، انور السادات رئیس جمهوریت عربی مصر، - هزای یو میدین و حافظ اسد روسای جمهور الجزایر و سوریه هم اشتراک داشتند بعد از چار روز مباحثات شدید او ضاع شرق میانه را بصورت اساسی و دراماتیکی تغییر داد. زعمای عرب بشمول ملک حسین برای اولین بار درین کنفرانس اتفاق آراء یاسر عرفات را بحیث یگانه نطق قانونی تمام فلسطینی‌ها بشمول ۶۴۰,۰۰۰ فلسطینی که در غرب ساحل دریای اردن تحت اشغال اسرائیل زندگی میکنند قبول نمودند.

در شرق میانه تبارزمی نمایند



ملك حسين حين صحبت با انور السادات
رئیس جمهور مصر

داد که کماندو ها تاکتیک دهشت افکن و ارتکاب کرده اند. فقط مدتی هنوز از ختم کنفرانس رباط سبزی نشده بود که سه نفر از فداییان فلسطینی در اثر تبادل آتش با عساکر اسرائیلی بقتل رسیدند. اسرائیلی ها به مقابل این عمل فداییان عکس العمل نشان داده و یک دسته از کشتی های خود را به سواحل مدیترانه فرستادند. کشتی های مذکور سه میل دورتر از یک کمپ پناهگزیان فلسطینی دورا شده واقع لبنان لنگر انداخته و آنرا مورد بمباران قرار داد و پنج نفر فلسطینی هارا مقتول و بیست نفر دیگر را مجروح ساختند

گرمی های خمی :

ترس و اندیشه اسرائیلی ها با اظهارات عرفات در کنفرانس رباط شدت یافته است وی در یکی از جلسات سران عرب در رباط گفت: (پیروزی نزدیک است این دشمن و این گروه نظامی (مقصد اسرائیل) بمشابه گران زخمی اند. آنها آماده جنگ پنجم هستند و ما باید بمقابل این جنگ آماده باشیم.

مردم سوریه که بگمان واشنگتن درصدد تخریب مذاکرات صلح کیسنجر می باشند کلمات جنگجویانه عرفات را انعکاس داده اند. آنها خاطر نشان نمودند که دمشق بگمان غالب شش ماه دیگر موجودیت قوای ملل متحد را برای جداساختن قوای سوریه و اسرائیل در ارتفاعات جولان را قبول کند.

یکی از دیپلمات های سور یایی اظهار

گردد: کیسنجر توا نیست که باشووری ها عوش اینکه در کنفرانس رسمی صلح شرق میانه در ژنیو مذاکره کند مذاکرات دو جانبه را با ایشان انجام دهد. یکی از نتایج فیصله کنفرانس رباط اینست که عربها میخواهند موسسه آزادی بخش فلسطین در هر نوع کنفرانس صلح شرکت نماید.

احتمال غالب اینست که اسرائیلی ها با موسسه آزادی بخش فلسطین در ژنیو دیدار نخواهند شد یکی از روزنامه های اسرائیل بنام (یدیوت اهار و نت) باری چنین اعلام کرد: جنگ در این منطقه يك خطر آیسند و نزدیک تلقی خواهد شد. کنفرانس ژنیو دیگر مرده است.

روزنامه (ها تز و قیه) مربوط حزب مذهبی ملی اسرائیل که هفته گذشته موافقه کرد تا در حکومت متزلزل صدراعظم رابین ایتلاف نماید در یکی از فیچر های خود چنین عنوان داده است: (عرب بها رخ بسوی دشمنی کرده اند)

مامورین حکومت اسرائیل کنفرانس سران عرب را (خوب نه) خوانده و مذاکرات را با اعراب غیر ممکن تلقی کردند. شواهد موجوده برای اسرائیلی ها نشان

مطرح نمود قرار شد تا اول قدم بقیسم مذاکرات بین اسرائیل و مصر و بعدا بین اسرائیل و اردن راجع به آینده سواحل غربی دریای اردن صورت گیرد. اکنون عملی شدن این پروگرام اگر غیر ممکن معلوم نشود غیر محتمل به نظر میرسد. کیسنجر تصمیم گرفت تبار دیگر به شرق میانه سفر نماید تا معلوم نماید که فیصله عربها در مورد پالیسی وی که عبارت از آغاز مذاکرات تدریجی بین اسرائیل و اعراب است بکجا خواهد کشید.

روابط غیر تشویق کننده :

بدون شک کیسنجر مخصوصا علاقمند است تا در پاید که فیصله سران عرب بطور میانه روترین زعم عرب یعنی رئیس جمهور سادات راجت تاثیر قرار میدهد.

در رباط انور السادات انکار ورزید که قبولی عرفات بحث یگانه نطق فلسطینی ها یلانهای وی را درباره اسرائیل متاثر سازد ممبد ا حقیقت اینست که رئیس جمهور مصر مورد انتقاد را دیگال های عرب نسبت به سبیا ستش که در صدد مذاکره با اسرائیل می باشد قرار گرفته است. از این لحاظ روابط وی با کیسنجر شاید قدری غیر تشویق کننده

باشد سادات البته به تدریج میتواند از جبهه متحدین شرق میانه خود دور باشد و هفته گذشته به کیسنجر تلگراف می ارسال و در آن پیشنهاد نمود تا ملاقات فوری بین شان صورت



تصاویر بالا مهاجرین فلسطین را در نزدیک کمپ های شان نشان میدهد

عربستان سعودی و سایر کشور های غنی دارنده نفت سالانه يك بلیون دالر به سوریه و مصر خواهند داد تا از آن در تقویه نظامی خود استفاده نمایند. همین قسم ملك حسین سالانه سه صد ملیون دالر برای تقویه قوای نظامی خود دریافت خواهد کرد موسسه آزادی بخش فلسطین سالانه پنجاه ملیون دالر بدست خواهد آورد این مبلغ البته بمراتب زیاده از بودجه ای است که اکثر موسسات انقلابی دوسا لهای اخیر داشته اند. یکی از مبصرین عربی در رباط گفت: اگر آمریکا سعی ورزد تا مساوی پادیکران قوای اسرائیل را قوی نگذارد در آنصورت بیلانس تادیات آن در کسر دایمی خواهد بود.

تلفا و رقی بژئید

پیش از اینکه کنفرانس سوان و باط آغاز یابد مبصرین توقع داشتند که زعمای عرب بمنظور تأمین وحدت بین خود جبهه‌مختلطی را برای مذاکره تشکیل خواهند داد. ملک حسین پادشاه اردن ممکن از طرف سوان راجع به سواحل غربی دریای اردن داخل مذاکره میشد ولی وی مجبور و مکلف میبود تا سواحل دریای غربی دریای اردن را تا زمانیکه رای گیری عمومی دوباره اشغال نکند.

وقتیکه سواحل غربی دریای اردن به کنترل وی دوباره در آورده میشد، حسین مجبور می‌بود تا از کنترل خود بر ساحه چندی منصرف میشد مشروط بر اینکه سواحل غربی طرف فدرال یک حکومت جدیدی بودند اما وقتیکه هفته گذشته در کنفرانس و باط رای گیری صورت گرفت حسین کنار کشیده شد وی هم آنرا قبول کرد. عرفات وعده داد که با ملک حسین ملاقات نموده و نقشه و پلان خط السیر یک عمل جدید را طرح نماید. اما اینکه تاچه اندازه آنها میتوانند در پی نمود باهم همکاری نمایند موضوعی نیست که به آینده تعلق دارد. بعضی از مبصرین احساس کرده اند که سه صد میلیون دالر در حقیقت پولی است که برای خاموش ساختن ملک حسین داده میشود. بعضی باین نظر اند که وی از طرف متحدین نزدیکش تشویق گردید تا از فرصت بوجه احسن کار گرفته یا دعاوی خود را بر سواحل غربی به فلسطین ها تسلیم دهد و یا اینکه خطر فراوانی و تجرید را از طرف کشور های مقتدر همسایه خود بپذیرد.

ملک حسین علناً مفلو بیت خود را بدست عرفات قبول کرد. سواحل غربی دریای اردن از ریاض ترین قسمت اردن می باشد گرچه ملک حسین اذعان نمود که خوش است دست خود را از مسوولیت فلسطینی های

ساحل غربی شسته است معیناً تعداد قابل ی گفته اوراقیول نموده اند در ساحل شرقی اردن که از نظر اقتصادی آنهاند ساحل غربی مستعد نیست ۹۰۰۰۰۰۰ فلسطینی سکونت دارند. نفوس اصلی این قسمت یک میلیون و هفتصد هزار نفر می باشد.

بعضی از رفقای نزدیک و مشاورین نهایت مورد اعتماد وی در عمان فلسطینی می باشند. اما بسیاری از فلسطینی ها از او نسبت اینکه فداییان را در ماه سپتامبر ۱۹۷۰ طی جنگهای خونین مجبور ساخت تا از اردن بیرون روند و طی این جنگها هزاران فدایی و افراد غیر نظامی فلسطینی بقتل رسیدند که می‌پسندند آنها نسبت اینکه ملک حسین در قضا و بصورت مستقیم وقتا فوقتا بازعمای اسرائیل ملاقات نموده و حاضر نشد تا عساکر خود را در چنگ ماه اکتوبر به تعداد زیاد برای مقابله با اسرائیل بفرستد از دی

بازاری باشند. معلوم میشود که شهرت عرفات بسرعت بالا می آید. عرفات بحیث رهبر موسسه آزادی بخش فلسطین ریاست کمیته اجراییه آنرا به عهده دارد. سیزده عضو این کمیته مشتمل بر نمایندگان پنج موسسه فدایی و نمایندگان ساحل غربی می باشند. در پر تو کنفرانس و باط بعضی از مبصرین توقع دارند که فلسطینی ها اکنون یک حکومت جلالی وطن را که عرفات غالباً رهبری آنرا بعهده داشته باشد تشکیل خواهند کرد.

هفته آینده عرفات افتخار استقبال - موسسه ملل متحد را خواهد دید. - مسافرت عرفات بعد از روز های نیکن - خروسیف و فیدل کاسترو یکی از مسافرت های مهم زعمای خارجی به نیویارک محسوب میگردد. قرار است عرفات ریاست هیات

۳۵ عضوی فلسطین را بعهده خواهند داشت. این هیات از طرف موسسه ملل متحد دعوت شده تا در بحث عمومی که راجع به موضوع فلسطین در مجمع عمومی ملل متحد صورت میگیرد شرکت در دزد ولی نه بحیث نماینده یک حکومت.

موسسات یهودی امریکایی در نظر دارند تا مانع تبارز عرفات در ملل متحد از طریق ابراه انداختن بزرگترین مظاهرات که تا حال در نیویارک سابقه نداشته شوند. بهر صورت اگر این مظاهرات صورت گیرد و یا تکیه بر اظهارات در نیویارک به موسسه آزادی بخش فلسطین اجازه خواهد داد تا موضوع فلسطین را مستقیماً به مردم آمریکا که از آن امداد نموده اند پیش نمایند.

تقاضای عرفات برای شناسایی دولت فلسطین برای تقریباً سه میلیون و دوصدهزار فلسطینی های که در اطراف و اکناف جهان از اسرائیل، اردن، و ساحل غربی گرفته تا لبنان

خلیج فارس، اروپا و آمریکا آواره و مشت می باشند حادثه بزرگی محسوب میشود. در حالیکه دیگر مردمان از جنگ دوم جهان بدینطرف خود را از جنگال استعمار با آزادی و استقلال رسانیده اند فلسطینی ها علیه این طرز العمل و فشار نموده اند و وطن و سرزمین آبایی خود تمیید شده اند، پناهگزیی کرده و بالاخره عده دیگری اتباع نمیرا شده اند، دو کشور فایز سایخ و مشاوی فلسطین حیات کویت در ملل متحد میگویند: ما مردم تماماً مصیبت زده ایم. و این دوست در وقتی صورت گرفته که هفتاد کشور دیگر از زیر یوغ استعمار امپریالیزم بیرون شده اند.

هر چه مردم فلسطین از داشتن وطن محروم بوده اند ولی اکثر شان تعلیم یافته و بعضی از نظر مادی غنی می باشند فلسطینی

ها پوست های مشورتی مهم را در حکومت عربستان سعودی، کویت، و شیخ نشینان خلیج اشغال نموده، وعده دیگر بحیث نمایندگان دو کشور، انجیران و آمران اداری در سراسر جهان عرب خدمت میکنند.

یکی از زورناست های فلسطینی باری اظهار داشت: ما کارگرا نسر سختیم هیچ یک فلسطینی را بخاطر فلسطینی بودنش استخدام نمیکند.

وی از این لحاظ استخدام میشود که وی یک کارگر پست است! فلسطینی ها در جهان عرب به علاقه که در تعلیم و تربیه فرزندان خود نشان داده اند شربت دارند. دو کشور شفیق حداد که یک طبیب فلسطینی در بیروت

می باشد گفت: (ما همه چیز را از دست داده ایم. کدام چیز است که نباید انجام دهیم.)

هنگامیکه غریبان از فلسطینیان نام میبرند مقصد شان معمولاً همان ۹۳، ۶۴۴ عربیست که در ۶۳ کتب پنا هگز ینان در اردن، لبنان، سوریه، و ساحل غربی و غزه اشغالی اسرائیل حیات بسر می برند. این آوارگان از طرف موسسه ملل متحد کمک و معاونت میشوند. بودجه امدادی او نروا سالانه ۸۸

ملیون دالر است کشور های نفت خیز عربی هفته گذشته داذن ۴ عشاریه ۴ بلیون دالر را برای فلسطینی های تصویب رسانیدند تا بمقابل اسرائیل بجنگند.

کشور های عربی معتقدند که چون کشورهای غربی اسرائیل را بوجود آورده اند و بسبب بروز پرابلم پنا هگز ینان نگردیده اند از این لحاظ باید قسمت اعظم بار مالی پناهگزیی ینان را به دوش کشند.

بسیاری از فلسطینی ها که قدرت زیستن را در جاهای دیگر هم دارند باز هم در کمپ های پنا هگز ینان باقی می ماند تا حسن وحدت

تساند و یگانگی را در بین مردم فلسطین زنده نگه دارند. آنها به کار های چیره بندی خود که از طرف او نروا داده میشود قناعت دارند چون آنها پاسپورت فلسطینی

را بدست ندارند کارت های چیره بندی یگانه شواهد فزینی ملیت شان می باشد.

مردان جوان در کمپ ها به پیروی و سینه اندوختن نسل جدید درین کمپ های جوانی و پختگی رسیده است. اما بهر صورت وحس فلسطینی بودن هنوز

مستحکم و قوی باقی مانده است یکی از پناهگزیی ینان در اردن گفت: (من هیچگاه کمپ را ترک نخواهم گفت مگر اینکه قرار شود به فلسطین بروم) دهنر البار در یکی از کمپ

های او نروا که در آن ۱۲۰۰ فلسطینی در شصت میلی شمال بیروت زندگی دارند ۸۷ ساله است که در اس یک فامیل صد نفری قرار دارد نواسه ها و کواسه



یکن از آزادیخواهان فلسطین حین عبور از گورده آتش

گوشه ای از جریان تهریفات مهاجرین



یکتعداد مهاجرین فلسطینی متصل کمپ‌های شان

های وی بغیر از حیات کمپ پناهگزینان کدام

حیات دیگر رانمی شناسند

ایو صالح ز مانی یک دهقان نسبتاً مسعود و کامرانی در نزدیکی (نذرت) بود که هنگام جنگ عرب و اسرائیل در سال ۱۹۴۸ و طن را ترک گفت وی زن و اولاد خود را جمع نموده یک فارم چهار صد ایکره بین خود را ترک داد و وی باری باتائر گفت : اکنون همه از دست رفته من همه چیز را گذاشته فرار نمودم و قتی که ما مامن خود را ترک گفتیم فکر کردیم که بزرودی بر میگردیم

وی در بیروت، در کمپ پناهگزینان فلسطینی دوپسر خود را که از فارغان پوهنتون آمریکایی بیردت بوده و اکنون معلمی باشند تعلیم و تربیه داد و فرزند سو می وی یکی از افراد کماند وی موسسه جبهه آزادی فلسطین می باشد

در طول قسمت زیاد تاریخ خود، فلسطین یک سرزمین پر از مصیبت و ماجرایی بوده است فلسطین در گذشته های دور از طرف عربی ها، آسوری ها، بابلی ها، فارس ها، یونانی ها، رومی ها، بایزنتین ها، عرب ها، مصری ها، ملوک و عثمانی ها اداره می شده است. بالاخره انگلیس ها این مردم ها را از فلسطین بیرون کشیدند.

انگلیس ها بعداً برای سی سال تحت مماندیت جامعه ملل فلسطین را اداره نمودند. انگلیس ها مسئول بعضی حوادث آینده این کشور بودند. در سال ۱۹۱۷ برای اینکه حمایت یهودی ها را در جنگ جلب نماید، انگلیس ها اعلامیه بالفور را که صهیونیزم حمایت و پشتیبانی می کرد اعلامه دادند. صهیونیزم تأسیس یک وطن یهودی را در فلسطین ادعا می کرد.

وقتی که نفوس و ساکنین فلسطین به هم مخلط شدند و ملکیت زمین به نفع مهاجرین یهود انتقال یافت عرب ها که میدانستند کنترل وطن خود را به مهاجرین جدید از دست میدهند علیه فعالیت های صهیونیست ها قیام نمودند. بالاخره در سال ۱۹۴۷ آنها دست بیک قیام عمومی علیه انگلیس ها زدند. یکی از نتایج این حوادث تشکیل موسسه (مجاهدین) بود که پیش از آنکه فدائیان امروزی می باشد.

در سال ۱۹۴۷ بعد از اینکه ملل متحد پیشنهاد انقسام فلسطین را رد و سکوت عربی و یهود نمود و جنگ های خونین بین طرفین بوجود پیوست ۷۵۰۰۰ عرب دیار و وطن خود را ترک گفتند. اسرائیلی ها به یک سلسله قتل و قتل عمومی دست زدند. موسسات مخفی یهود به دهشت افگنی و کشتار عربی های فلسطینی آغاز نمودند.

یک موج دیگر مردم فلسطین در سال ۱۹۶۷ بعد از جنگ شش روزه عرب و اسرائیل هنگامیکه قوای زره دار اسرائیل ساحل غربی دریای اردن را اشغال نمودند و منازل و اراضی خود را در ساحل غربی ترک گفتند و آورده شدند.

معمداً یک تعداد بزرگ فلسطینی ها همین اکنون یادرتنگای غزه و یادر ساحل غربی دریای اردن تحت حکمرانی اسرائیل بسر می برند. در جمله مردم فلسطین، آنها شبکه در زیر حکمرانی اسرائیل بسر می برند نسبت به سایر فلسطینی ها، متاثر تر و غمگین تر می باشند. حکومت اسرائیل هنوز به کنترل نظامی خود در قرائ عربی خاتمه نداده است امروز بصورت معمول عرب های مسکون، اراضی اشغالیه از طرف افراد نظامی اسرائیل تلاشی میگردند.

ساکنین ساحل غربی دریای اردن روابط نزدیک اقتصادی با اسرائیل دارند. همچنین روابط قوی خانوادگی بین ساکنین ساحل غربی و ۹۰۰۰۰ فلسطینی که در ساحل شرقی دریای اردن زندگی دارند موجود است. در حقیقت ساحل غربی دریای اردن یک معبر بزرگ بجهان عرب می باشد.

موسسه آزادی بخش فلسطین مورد ستایش و تقدیر فلسطینی ها قرار دارد در حین حال از آن خوف و هراس دارند. بسیاری از مردم فلسطین آرزو دارند تا یک دولت جدید فلسطین تأسیس گردد.

موسسه آزادی بخش فلسطین در سال

۱۹۶۴ از طرف احمد شقیری یکی از ملیون فلسطینی که زمانی بحیث نماینده عربستان در ملل متحد خدمت میکرد تأسیس گردید. شقیری طراح شعار مشهور فلسطینی ها (یهودی ها را تا بحر دنبال کنید) می باشد. موسسه آزادی بخش فلسطینی مسئول ترحیل فعالیت های پالیسی های شش گروه بزرگ فدائیان فلسطینی است که در اهداف و ایدئالوژی راه های معایری را تعقیب میکنند. عضویت شش گروه کماندوی فلسطینی غالباً به ۱۳۷۰۰ نفر تخمین می شود که از آن جمله ۳۶۵۰ نفر آن گویا های سوسخت می باشند که از کمپ پناهگزینان استفاده می کنند.

موسسه آزادی بخش فلسطین خود دارای یک اداره نظامی بنام اردوی آزادی بخش فلسطین می باشد. تعداد افراد این اردو غده هزار نفر است که در مصر، سوریه و عراق مشغول می باشند.

شش گروه فدائیان فلسطینی عبارت اند از :

۱- الفتح : موسسه فدائیان الفتح از بزرگترین گروه فدایی می باشد که تعداد اعضای آن ۶۷۰۰ نفر می باشد. از جمله این تعداد دوهزار نفر شان جنگجویان فعال هستند. الفتح در سال ۱۹۵۶ توسط یک نمته از فلسطینی های جوان در غزه تأسیس گردید.

عرفات از جمله متعلمینی بود که در سن موسسه عضویت داشتند.

وی از سال ۱۹۶۸ بدین طرف ریاست این گروه را بعهده داشته است. موسسه الفتح از طرف طبقه متوسط وسیعاً حمایت و پشتیبانی می شود و ایدئالوژی جز آزادی فلسطین چیز دیگری ندارد. اولین حمله موسسه الفتح در شام سال نو ۱۹۶۵ بر اسرائیل صورت گرفت. از آن تاریخ به بعد این دسته ماموریت های گریلایی خود را با لوتر تیب انجام میدهد.

از جمله شعبی که از الفتح منشعب گردیده یکی سپتمبر سیاه می باشد که در ۱۹۷۲ بر ورزشکاران اسرائیل در میونخ حمله برده و یازده نفر شان را بقتل رسانید. این گروه همچنین یک دیپلومات بلژیکی و دو دیپلومات امریکایی را در خرطوم در ماه مارچ ۱۹۷۳ هلاک نمود.

۲- جبهه عوامی آزادی بخش فلسطینی، که از نظر بزرگی دومین گروه فدائیان می باشد در سال ۱۹۶۷ از طرف ژورژ حبش تأسیس گردید. عضویت این گروه به ۳۵۰۰ نفر میرسد.

این گروه فعالیت های خود را بر طیارات خطوط هوایی امریکا، انگلستان و سوئیس متوجه ساخته و در سال ۱۹۷۰ طیارات خطوط هوایی مذکور را در صحرای اردن پائین آورد.

باقی دارد

کوت. دلچسپ خواندنی

زمین سنگینتر میشود



چندی قبل دانشمندان استیتوی شیمی زمین شناسی و شیمی نیلیک و زناده سکی واقع در اتحاد شوروی نظریه داده اند که هر ساله یک تا دو میلیون تن گرد و غبار کیهانی بر روی کره زمین رسوب می کند، آنها ضمن تحقیقاتی درین موضوع اضافه کرده اند که شدت رسوب عناصر کیهانی در سطح کره زمین ظرف پنجاه میلیون سال اخیر تغییری نیافته است. در طی این مدت کره زمین معادل بیش از یک میلیون تن سنگینتر شده است. لیکن این مقدار در مقایسه با وزن پوسته زمین بسیار ناچیز است.



یک کشف جدید در ساحه زراعت

دستگاهی را که متخصصان صوت در اتحاد شوروی ساخته اند. حرکت تقریباً بی صدای حشرات را که به محصول غلات آسیب می رساند، هفت هزار بار تقویت می کند. دستگاه جدید که «سپکتروگرامهای صوتی» نام دارد، قادر است که در ظرف چند ثانیه آفات مختلفه را کشف و انواع آنها را تشخیص دهد. تا بزودی اقدامات مفیدی برای از بین بردن آنها اتخاذ گردد. در گذشته انجام این کارها وقت زیادی می گرفت و مستلزم کاروانفرسای میکروسکوپی بود. دستگاه جدید صوتی با موفقیت از عمده آزمایش برآمده و اکنون در اختیار مراکز بزرگ تحول غلات و سیلوها گذاشته شده اند.



اوصاف یک زن

یک مرد فرانسوی که بغرض بازدید کوتاهی به لندن رفته بود، یک شب که از تنهایی حوصله اش تنگ شده بود وارد باری شد و به پیشخدمت گفت:

— یک بوتل و اسکی بیاور!

پیشخدمت مؤدبانه پرسید: چه نوع و اسکی باشد؟

— اصلاً برایم فرق نمی کند، ولی مهم اینست که: گنده باشد، سرد باشد و پر از و سکی باشد.

— پیشخدمت رفت و یکی از مشریان بار که این مکالمه را شنیده بود از جای خاست و تلوتلو خورده خود را بمرد فرانسوی رساند و در حالیکه حالش خراب بود گفت: بشما تبریک میگویم.

مرد فرانسوی گفت: چه تبریک میگوئید. آنمرد گفت: برای اینکه شما توانستید در چند کلمه زن مرا با تمام خصوصیات تو صیاف کنید.

پرواز رنگ

پریو بیکه از تار نگه که ردم حجابش را
زمان اکنون بیکسو افکند از رخ نقابش را
خموشی می‌رود از نا له امشب سخت حیرانم
که داد از روز تارم سرمه چشم نیمخواش را
مگر امشب بزخم دل نمک پاشیدنی دارد
که دیدم با تبسم آشنا لعل خوشباش را
دل بیتاب چون بوی گل از بادخزان دارد
که هر پرواز رنگم ترجمانشند اضطرابش را
بود تعبیر هستی آرمیان بشنو زمن غافل
که از عمریست میدانم رموز پیچ و تابش را
تو ای فارغ ز درد حال دل سوزان چه می‌رسی
شنید اذدود آه من توان بوی کبابش را
گرو کردی بیک پیمانه دلق و سبزه را (جلوه)
گلی دادی به آب اکنون که میگوید جواش را

«نزیهی جلوه»



عطر مهتاب

به آتش نگاهی مقابل شدم
که نقش سیه دیده از یاد برد
میان چمن زار چشمان او
نگاهش مرا مست و آزاد برد
لباش بگری تنود بلود
تنش آتشن بیگر مومین
شب چاه اش عطر مهتاب داشت
که بویش گرفته سراپا زمین
به آتش نگاهی مقابل شدم
که مویش برویش طلایخته
میان چمن زار چشمان او
هزاران گل لاله آویخته
دل بی شماری زلیخند او
جو کودی چشمش بنفش و کیود
مروغان نازش جهان در جهان
مسلمان، هندو و غیر و یهود
(اقبال رهبر)

شیشه های راز

دل جنون زده ام بی توشد جنون زده تر
به دلخوازم ای یار دلنواز ، بیا
شراب شوق تو پرزور و من بجای مست
بیا که می سکند شیشه های راز، بیا
نمانده در دل زار (بشیر) طاقت ناز
بس است ، عزیزم ، بس است ناز، بیا

استاد بسمل

اشک روان

عمر در گریه گشتت و سزد ای شمع اشبی
آب بر آتش دل، اشک روان من و تو
به که از ناله شکیم، کنون ای بلبل
نهند گوش، گلی سوی فغان من و تو
چمشدای شوخ که پیدا د و نظم هم رفت
بدر از دایره تاب و توان من و تو
«بسمل» آن یار ندا و سرو کادی باغیر
و هم محض است درین بهره ، همان من و تو

سربسر بزم، دو رنگیست میان من و تو
مگر بسازیم بهم، نیست زبان من و تو
نگه گرم تو و حیرت من صحبت ما
بس بود، حرف نکتجه به میان من و تو
با تفاعل خم ابروی تو گوید سببست
مگر به تسلیم کشد کار کمال من و تو
وارسین به اداهای محبت نتوان
ترجمان تابود این دل، ز زبان من و تو

از: شاه امیر (فروغ)

نقش تو

از میان شاخه ها فانوس ماه
نور می باشد بروی بستر
شاد می ریزد شبستان چمن
با ده مستی درون ساغر
از کناری بانوای پر ز کیف
عا شقانه می سراید جو ییار
وز میان صخره در قلب کوه
نا شکبیا می خر و شد آبشار
در میان سبز شالی ها گهی
نغمه ها می جو شد از غوغای باد
کا هگا می گوش من پرمی شود
ار صدای مرغکان مست و شاد
نا گهان با صد نیاز و آرزو
از بیت پر می کشد رویای من
گرچه با من نیستی اما بدان
شور عشقت خفته در غوغای من
از میان شاخه ها فانوس ماه
نور می باشد بروی بستر
چون ز هم و می کنم چشمان دل
نقش تو بینم به هر چه بنگرم
« دره علیشنگ » میزان ۵۳

د شهید کاسی ارمان

د پښتون کور جوړول زما ارمان دی
دامی پت، دامی غیرت، دامی ایماندی
له بولانه ترچتر له زلمو وینښمۍ ا
خو نېها زما دسر پښتونستان دی



اوسنی ادب :

ماهیر که

ماوی نجلۍ لیره ستنه شه ، څکبه
خدا زد چه بیا سره پیدا کو د لی
د گلو څا نگه را کښه شو په ماس
په سوی سایی ویل «ولی ، ولی ؟»
ما ویل باز یسه د لو پ وغرونو
اخر به الوژ مه ، پوه شوی گلی !
زه یم د غرو د دریو نونه یم
بی څا یه مه کوه د اهلۍ غلی
د غم وریخی یسی اخوری وری شوی
لکه ما شوم یی را ته وژ پ لی
«ته خو به والو زی ، د غرو نوبه شی ،
چا ته پرېږدی د غه ما غم څپلی ؟»
ما ویل هو د ژوند تقدیر دی د غه
غم دمر دا نو ، مرد د غم دی نجلۍ
زه یم د غرو د سمنډر به نشم
څه وکم بیلۍ دی د بر خو تلی
را نه چا پیر دی د وطن خو بو نه
د غرونو مینه می ور کابی ولی
زه هم وطن ارمه ، او لس لرمه
مانه په لاردی پیری ستر می هلی
وژ رمی سو ځی د پسر وا زپه هوس
مگر زینده نه شم اور می اخلی تلی
هیر که ماهیر که لکه هیر خو بو نه
خدا زده چی بیا سره پیدا کو د لی

لرغونی ادب:

کله کاه

باخه دلربا دناز له خوابه کله کله
خلاص کړه مېچوران د غم له تابه کله کله
درومی مخ په وړاندی په شتاب بیرته غوړی
راشه څه خو روښه لښتابه کله کله
راشه مرجونا «شه» د دویاب و منځ ته پرېوژه
اشرف خلیل

گړنی ادب :

سرو کی

توره لالیه باران اورپزی = په ما اورپزی ستاد وینو بارا نونه
توره لونگی دی غوړپوه چی پری ویده شم
اور ، که چی توده شم
توره لونگی چی دی په سر کړه پلو داره = زما د مینې یاره

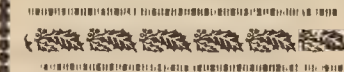
ادبی توره :

زړی جامی

داختر ورځ وه ،
د کلی مالت لولو ماشو مانو نوی جامی
اغوستی وی .
د خیالی اکا بال بچ هم د چم کاوند له ماشومانو
سره گرځیدل .
خوددوی جامی نوی نه وی ، بلکه همایخوانی
پریولی جامی یی په ځانه وی .
دوی د کلی نورو ما شو مانو په منځ
کی شان ډیر .. احساسولو ، او اویان
اویان به یی دیوه اوبل ماشوم چاموته
کتل .
ماچی ددوی داحال ولید ، په زړه کی می پری
خبری وگرځیدی .
د کلی مخی کی می لویسی کتی ته تکیه
کړی وه ، او د کلی ماشومانو د لوبو
نڅاوو ، او خوشحالی ننداره می کوله .
پدی کی می د خیالی اکا پوه شپږ کلنه
ماشومه لور ترڅنگه تیره شوه ، نوم پرېغ کی
جلی راغله ، سلام یی وچاوه او په ډیره
خوږه او مانه ژبه یی واته کړل :
کاکا ! اختردی مبارک شه :
ماورته کړل :
ستادی مبارک شی .
ماخپلی خبری اوږدی کړی او دی نجلۍ ته
می کړل :
کاکایی کوری ! ولی تاسوته مو پلار په
اختر کی کالی نه وو کړی ؟
دی واته کړل :
په کاکا ! سپر کال می پلار ناروغ وه ، اودا
دوی میاشتی کیږی ، چی ځای پرځای پسرورت
دی ، غره نه لرگی نه شی راوړی ، پیسی نه شی
کتلی نو کالی په څه شی واخلو !
ادی خان بابا کړه مزدوری کوی ، موږ نه
د مغزی دکاله پاتی شونی راوړی ، او موږ پری
مړی ، او لالامی چی له مکتبه راشی ، نو د ملک
کاکا تا میرته خبثی آچوی ، او په پیسو یی
د دادا دارو کوی .
نو کالی له کومه کړی ،
دایی واته وویل ، او په منډه راڅخه
د ماشومانو لوبښی ته روانه شوه .

اوسنی ادب :

ښه په فیشن لاری



شولی بلبل دسر درو په هر گلشن
لاری
ښه په فیشن لاری ، الله دی
مل شه
ته یی بلبله خرا ما نه شوی =
په سیل روانه شوی
چی سیل دی وکړو په خوښی منځ په
چمن لاری
ښه په فیشن لاری ، الله دی
مل شه
د ښا پیرو په شانی رنگ لری
- په گل کلنگ لری
کلاب دی بوی کړو بیا په لوری دی
سوسن لاری
ښه په فیشن لاری ، الله دی
مل شه
ته په خوبا نوکی حسینیه یی =
په خوی سنگینه یی
زه وم ولاړ چی ته خیا لی منځ په
کمند لاری
ښه په فیشن لاری ، الله دی
مل شه
د بېو جانی په فرقت کی =
رنځ وضیقت کی
ای سید کما له په ار مان مغ په
کفن لاری
ښه په فیشن لاری ، الله دی
مل شه
د شگی سید کمال



ارتباط چشم بادندان

اگر روزی متوجه شدید که چشم‌های تان درد می‌کند، چه می‌کنید؟ حتماً به سراغ دکتور چشم خواهید رفت.

ولی فراموش نکنید که دندان‌ها و چشم‌ها با هم ارتباط عمیق دارند به هر حال رفتن نزد دکتور چشم تنها کافی نیست، باید به دکتور دندان نیز مراجعه کرده و از تکلیف چشم‌ها بابتان آگاه شوید. در اکثر نا راحتی‌های چشم با دید علت را در دندان جستجو کرد. زیرا ریشه دندان کاملاً نزدیک چشم قرار گرفته و کافی است که یک چرک دندان و کرم خوردگی باعث نا راحتی چشم و کم شدن قوه دید گردد.

یک دندان خراب و یک کیسه چرکی در ریشه دندان نه تنها باعث ناراحتی میگردد بلکه به اعصاب چشم نیز صدمه میزند و نمیکند خون به اندازه کافی به چشم‌ها برسد. و حتی یک کرم خوردگی دندان و یا ریشه دندان خراب و چرکی باعث بوجود آمدن آلرژی و حساسیت چشم نیز می‌گردد.

اغلب کسانی که چشمان ضعیف شده با کشیدن یک یا چند دندان



و سلامت دندان‌های تان علاوه از پاک نزد دکتور دندان رفته و بعد از معاینه کاری ذریعه مسواک و برس گاه‌گاهی خویش را خاطر جمع بسازید.

ناگهان بینائی خود را بدست آورده‌اند. پس شما هم برای حفظ

فرار توریست‌ها از نیویارک

از سال ۱۹۷۰ به اینطرف اوضاع ای‌تو ریسست‌های که از نیویارک دیدن میکنند، کاسته شده است. علت این امر طبق آمارهای که آمریکا آنها انتشار کرده اند، حملات افراد ناشناس است که شبها در جاهای خلوت به توریست‌ها حمله می‌کنند.

در میان کسانی که قربانی حملات افراد ناشناس گردیده اند می‌توان از یک وزیر آلمانی، یک محصل فرانسوی و یک تاجر ایتالیایی نام برد و گفته می‌شود که اگر وضع به همین منوال ادامه بیابد، ممکن است تا چند سال دیگر هیچ توریستی جرأت نکند که از آمریکا باز دید بعمل آورد.



وحیده رحمان از دواج کرد

ترجمه از: دعاگوی



مدتها روی زبانها زمزمه میشد که وحیده در برابر آن همه شایعات عکس العملی از خود نشان نمیداد و این خود نشانه قوی ولایت عینی برای واقعیت امر محسوب میشد. اما وقتی که دلپ کمار با سایره بانو ازدواج کرد روزنه امید و حیده بکلی کور شد و دیگر دلش در برابر هیچ پیشنهادی نلرزید اگرچه پیرامون ارتباط او با سنجیو کمار هم یک سلسله افواهای بلند شد و لی این موضوع از طرف جانبین از روی صدق و صفا یکسره تردید شد و از همین تاریخ به بعد وحیده شامل گروپ خواهران مجرد شناخته شد چندین

منظره از انجام مراسم عقد نکاح

این از دواج دو نیم ماه قبل صوت گرفت که برای همه دوستان او غیر مترقبه بود، شوهر و حیده تغییر مذهب داده و نام خود را عوض کرده گفته شد بالاخره از جمله سه ستاره خانه مانده یکی آن بخانه شوهر رفت.

خواند، تا آنکه «گرودت» باو صف اینکه خانمی چون «گیتارت» آوازخوان مشهور وقت هم داشت سخت بعشق این ستاره افتاد و وقتی خود را در برابر آرزو و عشقش ور شکست احساس کرد خود کشتی کرد و وحیده را با راده خودش سپرد. وحیده باوصف اینکه یکی از ستاره های آوام و بی سرو صدا یی بود باز هم داستان عشقی او با دلپ کمار

«وحیده رحمان» ستاره مشهور سینمای هند که سال گذشته با فرید احمد صدیقی یک تاجر مشهور غیر مستقیم در هند نامزد شده بود و بعد از اینکه بیشتر از دو ماه از نامزدی او شان سپری نشده بود که ناگهانی وحیده تغییر عقیده داد و نامزدی خود را بهم زد که علت این بهم خوردگی تاکنون افشا نشده و آنچه در فحواه مردم راه یافته است حرف ها و سخنانیست که بعد از دایره پزیرش میباشند و واقعیت آنرا که خیلی تلخ است نمیتوان قبول کرد.

وحیده رحمان مدتی در برابر شایعات و افوا هات خاموش بود ولی چون مقاومتش را از دست داد علت العلل بهمزدن نامزدی خود را با فرید احمد صدیقی متکی بعد م اعتقاد خوانده افزود که او مرد عاشق پیشه و هوسران بوده و تاکنون چندین بار ازدواج نموده که هر یک از زنان او به سرنوشت شوم و ناگواری مبتلا گردیده است و برای اینکه او هم به سرنوشت زنان دیگر او گرفتار نشده باشد پیش از وقوع حادثه خود ش رانجات داد و چاره واقعه را نمود.

وحیده رحمان بایک نگاه اجمالی:

یکهده از مردم سینما دوست هند این ستاره را مهتاب شب چهارده لقب داد اند و این از جهت است که او در فلمی که چندین سال قبل بهمین نام تهیه شده بود به پیماندرخشید که انتخاب چنین یک لقب برای او بی مسما نمی نمود.

وحیده رحمان در سال ۱۹۵۳ در حالیکه شانزده سال داشت تو سسط «گرودت» فلمساز و دایر کتر جوان آنوقت وارد سینما شد.

او در آغاز مرحله همواره باگرودت یکجا در فلم ها ظاهر میشد که فلم های «خانم آقای ۵۵، پیاسا، چود هوین کاجاند، دلن یک رات کی» را می توان از فلم های مشهور او





وحیده رحمان بعد از نا مژدی

برگشت و بعد از دختر سعیده خواهر
بزرگ وحیده را بحیث سکرتر
استخدام نمود که این موضوع بای
او را بخانه وحیده رحمان باز کرد.
در یکی از شب ها که «کمل جیت»
بمنزل سعیده دعوت بود او بروی
احساس همدردی به وحیده گفت :-
چرا از دواج نمیکنی که وحیده بعد
از یک تبسم کوتاه جواب داد در
صورتیکه مرد خوبی حاضر باز دواج
شود تا خیر نخواهد کرد .
کمل جیت فوراً و یا شاید هم غیر
ارادی گفت :- اگر در نظر او مردی
خوبی باشم ، پیشنهاد میکنم که باهم
عروسی کرده و بکا نا دا رفته متبای
زندگی را براح و آرامی سپری
کنیم .
چون وحیده بجز از اختلاف
مذهبی چیزی دیگری که مانع از دواج
شود در بین نمی بیند موافقه میکند
با همدیگر از دواج کنند و هر یک
بقیه در صفحه ۵۸



وقتی که کمل جیت گردن بند را بعنوان تحفه نامزدی بگودن
وحیده می آویزد صفحه ۳۷

که برای هچکس قابل قبول جلوه
نمیکرد و برای عموم دوستانش غیر
مترقبه بود . وحیده رحمان بیست
ویک سال است که در سینمای هند
هنر نمایی میکند و چندین بار جایزه
های سینمایی را بدست آورده و در
بیشتر از پنجاه و هشت فیلم هنر نمایی
کرده که از فیلم های مشهور و ی
«گائید ، آدمی ، رام اورشیا م ، دل
دیا دردیا ، پهاگن ، رامی توان نام
برد .

شوهر وحیده کیست ؟

عده زیادی را عقیده پاین بود که
وحیده دیگر از ازدواج نا مید شسته
و شاید تا آخر عمر باین موضوع فکر
نکند ولی همه بی اطلاع بودند از اینکه
تمام ماجرای مقداتی خیلی خصوصی
و خا مو شانه پیا یان رسیده بود و
ناگهان این خبر در میان حلقه دوستان
و همکاران او منتشر شد که وحیده با
«کمل جیت» توافق های حاصل کرده
که باساس آن قرار گذاشته اند که
با هم عروسی نمایند .

«کمل جیت» یکی از هنر پیشه های
گمنام و غیر مشهور در سینمای هند
بود که سالها قبل در فیلم «شگون»
مقابل وحیده رحمان در فیلم «سن آف
اندیا» مقابل کم کم در فلم «قوالی کی
رات» مقابل جبین هنر نمایی کرده بود
ولی چون چنگی بدلهای نمیزد خودش
متقاعد شد و بطرف کانا دا بمنظور
کار و باز روی برد .
چندین سال بعد او دوباره بهند



وحیده رحمان و شوهرش

سال بهمین تیره کی زندگی را عقب
گذاشت و جز با امور مربوط به مشاغل
روزانه خود بدیگر چیز ها مخصوصا
به ازدواج فکر نمیکرد تا آنکه بیک
بارگی موضوع نا مژدی او با فرید
احمد صدیقی بلند شد تبصره های
بلند بالا در نشرات هند منعکس شد
ولی همه آن بی ثمر بود برای اینکه
نامزدی او یک جریان با آغازی بود که
پایان و سر انجام مثبت برای وحیده
نداشت و رو بهمرفته از حلقه دوستان
تا جریده نگاران موضوع بهم خورد کی
نامزدی و حیده را یک صدمه بزرگ
روحی برای وحیده تلقی و یادداشت
کرده ابراز نظر نموده بودند که شاید
دیگر وحیده بحلقه ازدواج گیر نشود
اما علی الرغم همه حدس ها و پیشگوئی
ها پای او دریک از دواجی بند شد



وحیده و شوهرش که قرا و است بسوی کانادا سفر نمایند
شماره ۳۵

تلاشی برای دست یافتن به

ترجمه: کاو شگر

ذخایر عظیم مواد خام در زیر آب های خروشان پوشیده است

بشر سعی می کند تا بحر را بحیث یک منبع بزرگ مواد غذایی تبدیل کند



بعد از صید ماهی آن هزارچنین دسته بندی می کنند .

دا نشی و تکنولوژی کام نوری را - آن بخش ها می باشد .
دارد دانش بشر شنا یی کمبود جهانی مواد خام زمین
برداشت که تلاش شان فقط آگاهی اینگونه کشف ها را از ثروت
به شگفتی های عمیق ابحار نیست بحر بیشتر آماده نموده است . نه
بلکه هدف اساسی را دست یافتن تنها منابع برای نفت و سنگ
به منابع عظیم اقتصادی به خاطر انسان ، می سازد .

نفت سنگ آهن و غذا :

از مدت ها پیش انسان توانست تا از هفت بحر بزرگ ، بحیث
وسیله ارتباط و پیوند از یک طرف و بهره برداری از ماهی از جانب
دیگر کار بگیرد . امروز می دانیم

که در بستر بحر ها ملیونها تن طلا ، منگنز ، نیکل آهن و کوبالت
که می توان سازه جدیدی را از لحاظ منابع مواد خام بحساب آورد ،
وجود دارد . در بحیره شمال خلیج
مکسیکو ، سواحل آفریقا و اندونزی
هم اکنون سازه های برای بهره برداری نفت کشف شده
و برمه های چاه کنی مشغول حفر

از مدتها پیش انسان توانست تا از هفت بحر بزرگ ، بحیث

وسیله ارتباط و پیوند از یک طرف و بهره برداری از ماهی از جانب

دیگر کار بگیرد . امروز می دانیم

که در بستر بحر ها ملیونها تن طلا ، منگنز ، نیکل آهن و کوبالت

که می توان سازه جدیدی را از لحاظ منابع مواد خام بحساب آورد ،

وجود دارد . در بحیره شمال خلیج

مکسیکو ، سواحل آفریقا و اندونزی

هم اکنون سازه های برای بهره برداری نفت کشف شده

و برمه های چاه کنی مشغول حفر

از مدتها پیش انسان توانست تا از هفت بحر بزرگ ، بحیث

وسیله ارتباط و پیوند از یک طرف و بهره برداری از ماهی از جانب

دیگر کار بگیرد . امروز می دانیم

که در بستر بحر ها ملیونها تن طلا ، منگنز ، نیکل آهن و کوبالت

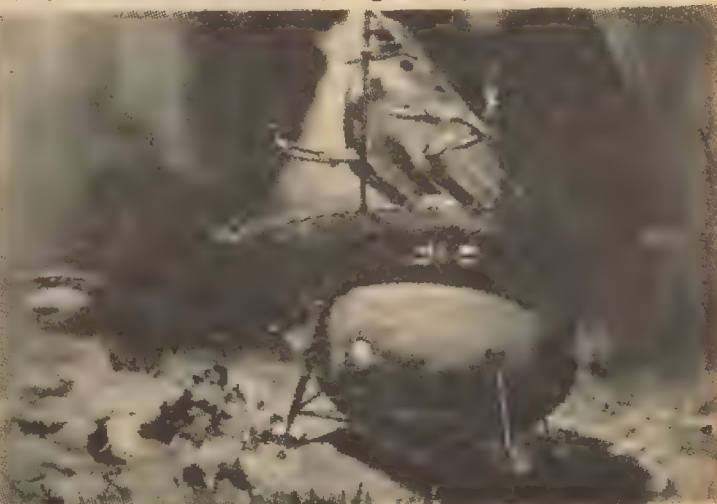
که می توان سازه جدیدی را از لحاظ منابع مواد خام بحساب آورد ،

وجود دارد . در بحیره شمال خلیج

مکسیکو ، سواحل آفریقا و اندونزی

هم اکنون سازه های برای بهره برداری نفت کشف شده

کارها و تلاشهای پیشگامی بشر اش راه یافت ، مردمان این سفر
در بستر ابحار هنوز مانند پایش را زیاد تر یک سفری به منظور
شدن و کام گذاران بشر بروی سطح کشفی می دانستند ، تا یک سفر
ماه ، روی پرده تلویزیون نیامده سود آور . فقط یک دهه بعدتر کشتی
است . تازمانی این حادثه از توچه تحقیقاتی آلمان بنام «والدو» با
عامه بدور بوده و آنرا جز حواشی خود در حدود ۳۰ تن نمونه های
دست نایاب بشر می دانستند مگر قابل استفاده از عمق بحیره سرخ
دا نشمندان و انجیران در تلاش به همراه آورد . طی سفری به بحیره
این اند تا رد پای منابع عظیم که جنوب با کشتی تحقیقاتی والدو یا
هزاران فتن پایش تر از سطح آب دا نشمندان آلمان موافق شد
یافت می گردد بیابند . وقتیکه در که توسط دستگاه تلویزیونی از
سال ۱۹۶۰ پرو فیسور پیکارو با فاصله دور محل ذخایر بزرگ
حیات بحر شناسی اش در عمق سنگ آهن را در عمق ۲۰۰۰ -
۳۵۸۰۰ فتنی با آلهی بحر یا بسی فتنی بحر کشف کنند . به این ترتیب



زیر دریایی که میتواند تا ۲۹۰۰ فتنی بحر را باید گرچه
این امر هنوز رویاست ولی بزودی به تحقق خواهد پیوست .

منابع طبیعی بحر

راه به حساب آورد ، کار کنند . این سو مین کنفرانس روی حقوق ابحار است ولی مشکل پیچیده تر از آنست که بتوان آن را در همین کنفرانس حل نموده تمام شرکست کنندگان ابراز داشتند که باید در این راه همه ساله کنفرانسی دایر گردد ، هیچکس نمی تواند بر کمبود مواد غذایی و خام چسب چشم پوی شده ، کورت و آلدها هم سر منشی ملل متحد ، کنفرانسی کاراکاس را یکی از عمده ترین کنفرانس های ملل متحد خوانده است .

راه حل های محدود

مسئله اساسی قانون بحری را میتوان در يك جمله خلاصه کرد: «سنت های کهن و چندین سده آزادی ابحار باید با ادعای ملی در مورد منابع طبیعی هماهنگی یابد» در برخی ساحه ها این سوال راه حل یافته است. چنانچه یکسلسله موافقه نامه ها بمیان آمده است که مسأله ماهی گیری ساحه بحر، منابع بستر ابحار و غیره را در بحر شمال راه حل یافته است. بستر بحیری شمال که بخش شمال غرب اروپا را در بر می گیرد توسط چندین موافقت نامه ها بین ناروی ، دانمارک ، انگلستان ، هلند و آلمان غرب تقسیم بندی شده است . ولی قوانین همه جانبه و کاملی که بتواند ادعای ملی بین المللی را در بر بگیرد ، هنوز بمیان نیا آمده است .

سوال که يك کشور تا چه اندازه میتواند ساحه سرحد آبی خود را وسعت دهد تا اکنون حل نشده است با وجودیکه از عمر آن ۲۰۰ سال می گذرد . در آن سال ها ساحه آب های ملی فقط سه میل بحری طول داشت که این ساحه به اندازه تیررس يك توپ بود . این سه میل بحری هم اکنون هم در بین بعضی کشورها چون آلمان غرب ، امریکا ، جاپان ، استرالیا ، بلجیم و هلند وجود دارد . برخ دیگر از کشورها این ساحه را توسعه داده اند مانند برخی از کشور های امریکای جنوبی که آن را به دو صد میل بحری گسترش داده اند . در این ساحه وسیع آنان حق ماهیگیری ، حق منابع طبیعی و آلودگی را به خود اختصاص داده اند .



کشتی ماهیگیری

خوبی اینگونه تلاش ها به حساب کشور گردد هم آمدند تساروی می آید . پنج هزار اقتصادان ، «قانون اساسی» برای ابحار که می سیاستمدار و دانشمندان از ۱۵۰ توان آنرا را گام بزرگی در این

نمود تا ساحه شکار ماهی اش را تا پنجاه میل توسعه داده به این وسیله جلو شکار ماهی کشورهای آلمان غرب و انگلستان را که به صورت سنتی در این ساحه بر می خورد ، گرفت . محکمی بین المللی هاگ به ماهیگران آلمانی و انگلیسی اجازه داد تا به شکار مقدار محدود ماهی در این ساحه بپردازد . و به این ترتیب يك فیصله عاجل از طرف قضات صورت گرفت . اقدام آپسلند يك هو شداری بین المللی برای استفاده از ابحار بود . و به دنبال آن بسیاری کشور های دارای ساحل تلاش ورزیدند تا قوانین اساسی بین المللی را برای بهره برداری از بحر ، تنظیم کنند . پایتخت وینزویلا ، کاراکاس محل



«په جاپان کې د ځوانانو فېستيوال»

پدې کي شک نشته چه ديوه ملک اووځن لوږتيا اووځاندي تک په عمومي صورت دهمانه وطن په ټولو اوسيدونکو پوري اوپه خاصه توگه دهماني جامعي په ځواني طيفي پوري چه دملک دآبادي لويه او مشره قوه گڼل کيږي ارتباط لري. ځوانان دي چه دنه ستري کيدونکو فعاليت او ځوار يو په نتيجه کي ځيل ملک ابادوي او خپله ټولنه دمنزل براهه وروي، ځوانان دي چه دخپلي ټولني نيمگړتياوي حس کوي او ددي نيمگړتيا وودله منځه وړلو دپاره زيار باسي او ځوانان دي چه دراتلونکي نسل دپاره په مشکلاتو دري مېندلو لاري پرازي پورتنی مطلب دښاغلي محمد داؤده امر» دپولي تخنيک دپوهنځي د پنځم ټولگي محصول اود بالندوي ټولني لېبردرمي په ترڅ کي څرگند کي.

يوافغاني هيات چه څو موده پخواني په جاپان ته دځوانانو په فېستيوال کي دگډون دپاره سفر کړي ؤ او ماوونېشل چي دفېستيوال په باره کي د معلوماتو لپاره مرکه ورسره وکړم نومي لاندې مرکه له دوي سره وکړه:

کله چه مي دهيات غږو نه پوښتنه وکړه چه جاپان ته ستا سودسفر مطلب اوهدف څه ؤ ؟ ولي ويل : دجاپان هيواد چه زموږ د هيواد سره نېه او دوستانه روابط لري او دهمدي ليکو روابطو په اساسي موږ دوه تنه افغاني ځوانان دهغه هيواد دځوانانو دعرستي په غوښتنه او دافغانستان دځوان جمهوري دولت په موافقه په هغه هيواد کي دځوانانو په فېستيوال کي گډون وکړ.

البته زموږ دگډون مطلب اوهدف په کوم

خاص تيکي پوري مربوط نه ؤ اوپه عمومي توگه يو لوي هدف يکي موجود ؤ او هغه داچه دنوري دنياځوانان زموږ په عنعناتو، رسومو او موږ دهغوي په طرز تفکر باندې وپوهيږو.

علاوه لدې دجاپان دځوانانو موسسه چه هرکال دآسياتي هيوادو ځوانان هلته پولي غرض لي ددي چه خپل انکشافات او پرمختگونه دخپلو دوستو هيوادو ځوانان ته وښائي اوهمدارنگه

نيوونکي دښاغلي محمد اسماعيل (څراغي) واودا چه موږ ته په څه ډول ددي سفر موقع راکړه شوه البته په افغانستان دځوانانو داجتماع يوازي موسسه چه هلته ځوانان دخلکو دخدمت دپاره سره را ټوليزي دڅارندوي موسسه ده چه موږ دواړه دهمدي موسسي له ځواندي سترگه وپسا گل شو .

دښاغلي امر نه مي بله پوښتنه وکړه چه آيا ويلاي شي چه په نوموړي فېستيوال کي دکومو هيواد و ځوانانو پورخه اخستي وه؟

ويي ويل : بلي دجاپان په گډون پدې



عده اي از جوانان ما، در فېستيوال جوانان منعقد ديدنه ميشوند

فېستيوال کي ديسو ولسو آسياتي هيواد و نو ځوانان سر څه درلوده (افغانستان، هند، ايران، بنگله ديش، مصر، نيپال، کويت، ترکيه، کور يا، سړيلانکا او خپله جاپان) له هيات نومي وپوښتل : ستاسو سفر څومره موده په برکي ونيوه او مصرف مودچاله خوا بقيه درصفا ٦١

ددوستو هيوادو ځوانان پدې وپوهوي چه ځوانان څه ډول بايد په اجتماعي چارو کي برخه واخلي .

دهيات غږو وويل: پدې سفر کي ستاسو بل افغاني ځوان ملگري څوک اوڅه ډول تاسو ته دتللو موقع درکړه شوه؟

بل ملگري مي دنادريي دلېسي دڅارندوي

جوانان و موسيقي

مسولين امور موسيقي در بر لن بيشتر متوجه آن اند که تا عالي ترين نوع موسيقي را به جوانان عرضه کنند . و برای ايشان تقديم نمايند که از جديد ترين شيوه های موسيقي استفاده نمايند .

استادان موسيقي ميگويند که جوانان بايد از آوان طفلي بايد پا دلايره عمومي موسيقي معرفت داشته باشند .

موسسات متعدد ديکرو پرو گرامهاي تجربوي پيشمباري را روي دست دارند تا اطفال به سنين ۸-۱۰ سال را تحت آن قرار دهند اين پرو گرام مشتمل بر سه قسمت ميباشد .

۱- اصلا حات تجربوي ، بازديد هاي اعضاي ارور کستراز مکاتب، کور کستننها و اجراي پارچه ها توسط آلات جمعي يي رشنوا ليلدن موسيقي

صفحه ۴۰



معلم موسيقي جديد ترين ميتود موسيقي را به شاگردان ياد ميدهد . ژوندون

جوانان و روابط خانوادگی

هیچ تعجب نکنید روزیکه شما هم مانند من حلقه از دواج یا حلقه ای به انگشت نمودید روز کار تان ازین بهتر نخواهد بود .

و آن روز دیر نخواهد بود که شما هم به مانند من جازوپ بدست بگیرید و یا اگر کمی ترقی کرده باشید وظیفه دار شستن ظروف و چرب آشین خانه تان گردید .

- بلی تمدن امروزی برای زن و مرد حقوق مساوی قایل شده است هیچ جای تعجب ندارد که ما از این کار ها نماییم و چنانچه عده از خانم ها میگویند که شستن و جازوپ کردن و غیره کارهای منزل تنها وظیفه زن نبوده بلکه مردان نیز باید درین قسمت بازنه همکاری نمایند .

خوب حال که ما و وظیفه دار شدیم یا بهتر بگویم وظیفه دار ساختند پس



در اینجا میخواهم در مورد سینما و تقلید جوانان از آن چیزی بنویسم، سینما یکی از وسایل تفریحی کشور ما بوده که اکثرا تماشاچیان آنرا جوانان تشکیل میدهند . ولی بیشتر جوانیکه عادت رفتن به سینما دارند تحت تاثیر حرکات ، گفتار و کردار ستارگان فلم قرار گرفته . از حرکات و تمثیل بیمورد هنر مندان سینما که (در آن صحنه صرف جنبه تفریحی دارد) تقلید می نمایند . هر فلمیکه به روی پرده سینما میاید از دو حالت خالی نیست ، یا فلمهای تفریحی است و یا اخلاقی و آموزشی . بر ما است که از جنبه های مثبت فلم استفاده نموده از آن تقلید نماییم ولی متأسفانه همشوند عده جوانانیکه به تقلید از ستارگان فلم خود رایکی از جمله هنر مندان سینما تصور نموده به تقلید از ایشان بپوشیدن لباس های عجیب و غریب (سرخ و زرد و ...) و گذاشتن مو تا به شانه و غیره تقلیدات بیمورد شان که زب جوانان افغان نیست ، عمل مینمایند . بچوانان ما لازم است که از کار های خوب و پسندیده دیگران که اجتماع ما به آن احتیاج مبرم دارد ، تقلید نمایند یعنی تقلید از کار و خدمت و فرا گرفتن علم و معرفت نه یله گردی و هیمی شدن کوشش از جوانان ما است که بتوانند مانند دیگران که به نیروی همین جوانان خویش ماه را تسخیر و دست تسلط با قمار سماوی دیگر دراز نموده اند و خود را بشا همراه تمدن نزدیک و نزدیکتر سازند . تا باشند که دست احتیاج ما از دامن دیگران کوتاه گردد .

جوانان نیروی پر قدرت هر جامعه را تشکیل میدهند و جامعه به نیروی جوانان و پر کار خویش احتیاج مبرم احساس می نماید و ملتی به موفقیت های شایان قایل میگردد که داوای جوانان وطن پرست ، و پر کار و فعال باشد چه نیروی همین جوانان است که ملک آباد و مردم آن خوشبخت میگردند .

ای جوانان حالا که در کشور ما افتاب جمهوریت سراز افق بیکران طبیعت طلوع نموده و وقت کار و فعالیت میسر گردیده لازم است تا حد توان و قدرت از هیچکو نه فدا بقیه در صفحه ۶۱

در جستجوی دوستان قلم

مایلم با برادر انیکه در قسمت موسیقی علاقمند اند مکاتبه نمایم .

آدرس : لیسه حبیبیه - محمد فاروق متعلم صنف نهم دال .

اینجانب سید داؤد میخواهم درباره آثار تاریخی افغانستان معلوما ت حاصل نمایم .

کسانیکه میتوانند درین قسمت رهنمائی کنند لطفاً به ایسن آدرس مکاتبه نمایند .

هرات ، لیسه چا می ، سید داؤد متعلم صنف یازدهم .

میں اڑ علاقمنندان آواز احمد ظاهر و ظاهر هویدا هستم کسانیکه با من هم عقیده و از علاقمندان موسیقی اند لطفاً به این آدرس : مکاتبه کنند .

لیسه نادریه - چان آقا - متعلم صنف نهم .

معاشر کشور معلومات تازه جمع آوری کنم .

کسانیکه میتوانند درین باره کمک کنند لطفاً به آدرس ذیل مکاتبه نمایند .

کنند - محمد نبی - متعلم صنف دهم شیرخان .

آرزو دارم که درباره آثار نقاشی کو بیسم بیشتر معلومات جمع آوری کنم .

لطفاً به این آدرس : مکاتبه کنید .

لیسه استقلال - محمد نادر متعلم صنف نهم .

به جمع آوری تکت پستی علاقه دارم کسانیکه درین قسمت علاقمند اند لطفاً - به آدرس ذیل مکاتبه نمایند .

آدرس : لیسه محمود طرزی - عبدالعلی متعلم صنف نهم .

آرزو دارم که درباره آثار نقاشی کو بیسم بیشتر معلومات جمع آوری کنم .

لطفاً به این آدرس : مکاتبه کنید .

لیسه استقلال - محمد نادر متعلم صنف نهم .

به جمع آوری تکت پستی علاقه دارم کسانیکه درین قسمت علاقمند اند لطفاً - به آدرس ذیل مکاتبه نمایند .

آدرس : لیسه محمود طرزی - عبدالعلی متعلم صنف نهم .



باشوهرم چکنم؟

متصدی صفحه جهت نشر حاضر نموده و ما آنرا برای شما تقدیم می کنیم:

س- شوهرم در بدپوشی شهرت دارد و هیچگاه پسر و پر خورده نمی رسد با او چکنم؟

ج- خوبست که اقلا در یک چیز که شهرت دارد شما هم لبا سهای بد برایش تهیه کنید.

س- شوهرم همیشه تنها به سینما می رود و من که خیلی به دیدن فلم علاقه دارم مرا با خود نمی برد.

ج- از کجا می دانید که تنها به سینما می رود شاید تنها نرود.

س- شوهرم با وجود یک سرفه زیاد می کند هر قدر برایش میگویم که سگرت را ترک کند ولی قبول نمی کند با او چکنم؟

ج- گوش کنید که سرفه را ترک کند.

س- شوهرم خیلی شکم خود را دوست دارد، هر چه پیشش نیاید از خوردن آن دریغ نمی کند چکنم؟

ج- در بنصورت بگو شاید که خود شما پیشش نرود.

درین هفته یکتعداد نامه ها از خوانندگان محترم این صفحه دریافت نموده ایم که در هر کدام از آن از رویه شوهرشان شکایت نموده و از ما خواسته اند تا درین مورد با ایشان مشوره بدیم.

مانامه های رسیده را به متصدی صفحه زن سپردیم تا جوابی برای هر یک از نامه ها تهیه نماید. اما بعداً اطلاع یافتیم که متصدی محترم چون از عهده جواب همه نامه ها نسبت ضیقی وقت بر آمده نمیتوانست از همکار دیگر خود این خواهش را نموده بود تا جواب نامه ها را تهیه و آماده نشر نماید. اینست جواب هائی که همکار

با تمات با دنجان رومی و مقداری روغن با مرچ و نمک در بین دو کیلاس آب گوشت انداخته بجوشانید تا خوب نرم شود یک مقدار پیاز و لبلبو را در بین روغن سرخ کنید و سپس کچالو، برگ کرم و مرچ تازه را در یک مقدار دیگر آب گوشت بجوشانید. بعد تمام مواد پخته شده را در باقی مانده آب گوشت انداخته دو باره در آتش ملایم بجوشانید بعد از آن نژده دقیقه شور پای مزه دار بدست خواهد آمد.

از شوهرم شکایت دارم زیرا

به خانه و اطفا لثی علاقه ندارد و روزها می گذرد یک طفل را نوازش نمی دهد.

تمام امور خانه را متعلق بمن میدانند جزئی ترین همکاری حتی در آوردن سود از بازار با من ندارند.

هیچگاه احساسات زنانه مرا درک نمی کنند.

وقتی بخانه می آید در گوشه می نشیند و مصروف مطالعه می بقیه در صفحه ۵۸

در هر کارم بدون موجب مداخله می کند.

بعد از مدت ها که خوشایند واقاریم بدیدنم می آیند با پیشنهادی باز از آنها استقبال نمی کنند.

در حضور اطفا لم مرا تهدید میکند و هرچه بد هوش پیایند نثارم می کنند.

بین فرزندم یکی را نسبت بدیگری ترجیح می دهد.

(میرمن س از شاه شهید)

یک سوپ خوشمزه

مواد لازم:

لبلبوی پیازی یکدان
گوشت گاو پنجصد گرم



زن عمیق تر می بیند و مرد دورتر، عالم برای مرد قلبی است و قلبی برای زن عالمی .

(کتابه)

نسخه ریک کشور بزرگ از تسخیر قلب کوچک زن آسانتر است .

(فایلیون)

وظیفه زنان تهذیب اخلاق مردان است .

(ولتر)

زن مخلوقی است که در او لطیف ترین و صمیمی ترین فضایل را می توان پیدا کرد .

(جو ستون)

درجات ترقی یک ملت در حیثیات اجتماعی منوط با احترام زن است .

(مگروار)

زن بزرگترین آژانس خبررسانی است ، زیرا همیشه دستگاه های اخذه (گوش) و فرستنده (زبانش) کار میکند .

(ولتر)

نامه شمار سید

محترمه میرمن ش !

ما هم باشما هم عقیده استیم و امید است بزودی آرزوی تان بر آورده گردد .

• • •

پیغله مازی از شاه شهید ! خدا اصلاح شان بسازد ، شما کوشش کنید تحت تأثیر سخن های شان ترویج که در آینده پشیمانی سودی ندارد .

• • •

محترمه فایزه از جمال مینه ! نامه تان را نسبت بعضی معاذیر چاپ کرده نتوانستیم . امید است نامه های آینده تان را در همین صفحه بچاپ برسانیم .

• • •

پیغله ثریا و جمیله ازلیسه جمهوریت ! نامه تانرا در شماره آینده چاپ می کنیم تا شماره آینده منتظر باشید .

• • •

پیغله ص. ف ! توصیه ما اینست که هنوز برای اینکار وقت زیادی دارید بکوشید تحصیلات تانرا تکمیل کنید و هم شخص مورد نظر را خوب مطالعه نمایند آنگاه در مورد خواهش او تجویز بگیرید .

• • •

محترمه م. س از جاده میوند ! از مطالعه نامه تان درک می شود که جانب مقابل شما باشتباه خویش بی برده است و لذا بهتر است راه مصالحه را با وی درپیش بگیرید .

صفحه ۴۳

سر گذشت اسفناکم را که عالم آن يك اشتباه بود بشما قصه میکنم اگر توانستید آنرا در یکی از صفحات مجله نشر کنید تاباعت عبرت دیگران شود .

يكسال چند ماه پیش که صنف یازدهم را نزدیک بود به آخر برسانم روزی از مکتب سری خانه روان بودم که جوانی ظاهر اخیلی آراسته و مودب مقابلم ایستاد و بعد از ينگه نامم راخودش بزبان آورد مکتوبی را که از جانب برادرم از یکی از کشور های خارجی نزدش بود بمن داد و گفت دوستم از خارج آمده و این مکتوب را از برادر تان با خود آورده است من در حالیکه از تشکر نمودم مکتوب را از نزدش گرفته روان شدم و لی جوان که بهترین بهانه اش مکتوب بود با من یکجا براه افتاد و از هر طرف صحبت های خیلی دلچسپ با من می نمود . بالاخره بمن اینطور وانمود ساخت که پدرش با فامیل خود از مدت هاست بخارج زندگی دارند و او چون در صنف اخیر بوهنخی است تا حال همه ساله رخصتی اش را در آنجا سپری میکند و تصمیم دارد بعد از بیایان رسانیدن دوره تحصیل بخارج نزد والدین خود رفته و تحصیلات عالی خود را در آنجا به پایان برساند .

جوان برای اینکه توجه مرا بخود بیشتر جلب کرده باشد گاهی از موثر شخصی خود و گاهی از زندگی تنهای خود و گاهی از پول و دارائی خود بامن صحبت میکرد . هنوز صحبتش بیایان نرسیده بود که من بخانه رسیدم و قتی می خواستم ازو خدا حافظی نمایم خیلی مو دبانه تذکر داد که همان دوستم که از فامیل خود ماست هفته آینده دو باره بخارج می رود و اگر مکتوبی به برادر تان می نویسید من برایش می سپارم تا آنرا برایش برساند باز هم ازو تشکر نمودم و او از نظرم دور شد .

روز دیگر باز هم وقتی بسوی خانه روان بودم باز هم او را دهن مکتب دیدم و باز هم با چشم سفیدی خاص با من بنای صحبت را گذاشت و با همان سخنان چرب و شیرین مرا نا خانه همراهی نمود . همین طور چندین روز متواتر وقتی از مکتب رخصت می شدیم او با انتظار می بود و مرا بخانه می رساند و هر روز

ما انجام شد . بعد از ازدواج مکتب را هم ترك گفتم و با مید اینکه امروز با فردا بخارج می رویم بخانه خود جاء دادیم و او شوهرم شد . مدتی ازین زندگی مشترك سپری گردید و جوان هر روز بهانه های جدید دیگری می تراشید تا بالاخره بعد از سپری یکی دو ماه دیگر همه چیز ها روشن شد این جوان نه مادری در خارج داشت و نه پدری نه خانه داشت و نه جای دای بلکه از سالیانی بود که آواره و در بدر گاهی در کابل و زمانی در ولایات کشور زندگی میکرد و با هزاران وسیله لقمه نانی پیدا میکرد . اکنون چند ماهی شده که در جنگ این جوان بی مروت افتاده ام . و راه چاره از نزدم گم شده . نمیدانم چه کنم .





مساله اسب

راه حل معمای مشكلتر

ه	ا	ن	ز	ل	ن	ل	ن
ا	ر	د	ر	ا	ن	ب	ت
ب	ا	ر	خ	ن	ی	ا	ی
ه	ه	ک	ر	ا	پ	ک	ب
ر	ل	و	ا	ف	ا	ب	گ
ه	ا	ه	ت	ر	ا	ن	پ
ع	س	م	ر	ن	ر	د	ن
ر	ل	ا	ز	ل	ی	ن	ی

طرح كنده: هونسه بشير

ها را پیدا میکنید کوشش نمایید که که راههای دیگری برای حل مساله اسب پیدا کنید .

در شماره ۳۲، موضوعی بعنوان مساله اسب طرح شده بود که از خوانندگان را ههای دیگری برای اینکه اسب در صفحه شطرنج بتواند همه خانه ها را عبور کند بدون اینکه از يك خانه دوبار بگذرد، پرسیده شده بود، اينك يكي از راههای حل اين مساله تقديم ميشود، اما برای آنکه شما بیشتر فکر کنید، اسم ۱۳ ولایت را که در ابتدای هر ردیف در آخر بفلان آمده است، در این صفحه شطرنج جای داده ایم و ضمناً خانه شروع را هم با علامت پیکان نشانی کرده ایم . شما در ضمن اینکه نام این ولایت

تقسیم برا

آیا می توانید اعداد از يك تانه را طوری در کنار یکدیگر قرار دهید که عدد نه رقمی حاصله قابل تقسیم بر عدد ۱۱ باشد ؟
جواب در شماره آینده تقديم ميشود .

مساله شطرنج | حل مساله شطرنج

شماره گذشته

- ۱- وزیر سفید به خانه (ب-۳) برود اگر اسب سیاه از خانه (ج-۴) به خانه (الف-۵) یا (ه-۳) برود .
- ۲- وزیر فیل سیاه خانه (ه-۶) را میزند کس و مات .
- ۳- اگر اسب سیاه بخانه (د-۶) برود رخ سفید از خانه (الف-۷) به خانه (ج-۷) میرود، کس و مات .
- ۴- اگر فیل سیاه (ه-۶) اسب سفید خانه (د-۷) را بزند .
- ۵- وزیر، اسب سیاه (ج-۴) را میزند کس و مات .
- ۶- اگر سیاه حرکت دیگر کند .
- ۷- وزیر به خانه (ب-۳) میرود کس و مات .



سفید بازی را شروع میکند و در دو حرکت سیاه را مات میکند .

يك مساله حسابی تحت عنوان (ولی این معما مشكلتر است) در شماره گذشته چاپ شده بود که جواب مساله در کليشه زیر نشان داده شده است، اما راه یافتن آن چنین است:

اگر اندکی دقت کنیم می بینیم که از ضرب عدد ۸ یعنی تنها عددی که در تقسیم مذکور معلوم است (در مقسوم علیه يك عدد دورقمی بدست آمده است، بنا بر آن معلوم است که مقسوم علیه از عدد ۱۲ بزرگتر نیست، از طرف دیگر می بینیم که در بعضی موارد از ضرب رقم خارج قسمت در مقسوم علیه، عدد سه رقمی بدست آمده است و چون تنها از ضرب عدد ۱۲ در عدد سه رقمی بدست می آید

پس مقسوم علیه از ۱۲ کوچکتر هم نباید باشد بنابراین مقسوم علیه مساوی ۱۲ است .

اگر از آخرین رقم خارج قسمت به عملیه ضرب (که مقابل تقسیم است) شروع کنیم می توانیم بقیه رقمهای نامعلوم را به تدریج پیدا کنیم .

جواب معمای حسابی شماره ۳۳-۳۴ حاصل ضرب ۷ در ۱۱ در ۱۳، عدد ۱۰۰۱ می باشد، هر عددی که عین ارقام آنرا بطوری در زیر آن بنویسیم و با آن جمع کنیم که عدد بزرگ سمت چپ در زیر عدد چهارم نوشته شود، حاصل جمع آن مضربی از عدد ۱۰۱ خواهد بود و معمای مذکور با استفاده از همین خاصیت ساخته شده است.

جواب معمای منظوم شماره ۳۳-۳۴ در اصطلاح صرف، ناقص، کلمه ایست که حرف آخر آن صحیح نباشد و اجوف کلمه ایست که حرف وسط آن صحیح نباشد بنا بر این نی ناقص حرن نو و جام اجوف دو حرف جیم و میم است که روی هم رفته کلمه نجم از آن حاصل میشود .



جواب مساله هندسی شماره ۳۲ کاغذ را باید قات کرد بطوریکه دایره بریده شده و وسط آن به شکل شکاف مستقیم درآید، از این شکاف سکه پنج افغانی عبور خواهد کرد، به شکل زیر توجه فرمایید :

جدول اطلاعات عمومی

افقی :

- ۱- نویسنده سه تفنگ دار - این کتاب تالیف شمس الدین رازی است .
- ۲- يك سياستمدار معروف - شبه جزيره مربوط آنازونی است .
- ۳- نویسنده اسپانوی و صاحب دو مان ادمون - کوهی در کشور ترکیه .
- ۴- کاشف مرض طاعون - مرکزیک کشور افریقائی .
- ۵- صاحب کتاب جاسوس دوطرفه - يك کشور کوچک اروپائی

۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱

مرتب غلام یحیی احمدپو سنگی

- ۶- از ستارگان سینمای غرب - مولف زیج خاقانی که فرمانروا هم بود.
- ۷- نویسنده از فرانسوی و صاحب رومان سافوریا ضی دان گرانما به خود ما .
- ۸- خلیجی در جنوب ترکیه - يك ماده حیاتی .
- ۹- فلا سفه کلاسیک انگریز ی است - از فضا نور دان مشهور .
- ۱۰- از منتقدین قدیم روم و دارنده کتاب (شب ابتکار و)

حل کنندگان

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱

مسعوده غریب ، شفیقه رقیم ،
احمد حسن زاده ، سلطان احمد ،
پروین جهانگیری ، ثریا خالقی ،
میرزا محمد گلکار ، محمد شریف
سعید زاده و غلام سخی کارگر مطبعه
دولتی .

سلطان ابوی ، غلام یحیی احمد

وشنگی .

حل جدول جغرافیایی شماره قبل

جواب معمای منظوم شماره ۳۲

حرف اول (بها) ب و قیمت آن ۲می باشد که چون یکی بر آن بیفزایم سه میشود که در حساب جمل معادل حرف جیم و چ میشود در آن صورت بها به چهار مبدل میگردد .

جواب چیستان منظوم شماره ۳۲

شمشیر است .

شاعر نامی شماره ۳۲

عبدالواسع جیلی غر جستانی است .

شماره ۳۵

اینجا کجاست؟

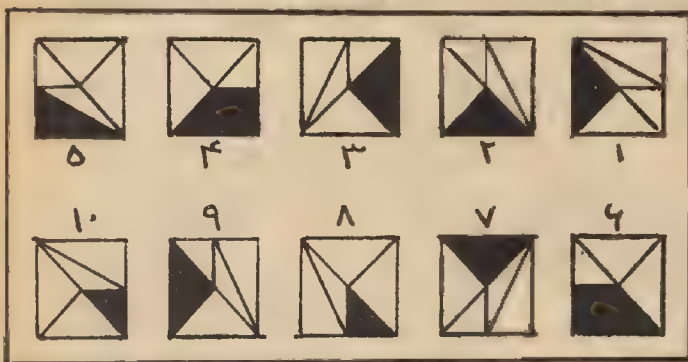


این تصویر ، متعلق به قدیمترین پوهنتون دنیاست که در مرکز یکی از بزرگترین کشور های عربی ساخته شده است .

برای اینکه بهتر از عهده شناختن آن بر آید ، یاد آوری میشود که ساختمان این پوهنتون در زمان فاطمیان صورت گرفته و اکنون نیز معروفترین پوهنتون اسلامی بشمار میرود .

اسم آن چیست؟ و در کجا واقع است ؟

آزمون نظر



بادقت این اشکال را ملا حظہ نمایند ، آیا میتوانید از بین آنها دو شکلی را پیدا کنید که کاملاً به هم مشابه اند ؟

ستاره شناسی

به چهره این زن نگاه کنید آیا او را میشناسید ؟



وی در سال ۱۹۴۲ در برو کلیس نیویارک متولد شده و در سال ۱۹۶۸ بخاطر بازی در فلم دختر مسخره موفق بدربافت جایزه اسکار گردیده ، این فلم در کابل نیز بنمایش گذاشته شد .



مترجم ژرف بین

پسران فوق العاده

خانم گفت:

در کوچه ما اطفال تمام کوچکی هانک خصوصیت خارق العاده ای دارد تنها طفل مایک طفل معمولی است و پس رفته ترین طفلهاست .

وبعدا ادامه داد .

در رهرو، در میدان ودر ... سخنم راقطع کرد وگفت:

بگذار بگویم! تربیه نمی توانی. بین پسر نینا، بتروفنا که هنوز از هشت سال بیشتر نداشت زبان فرانسوی را بدون استفاده از فر- هنگک لغات میداند. در اپار تمان پانزده، تانیا که چهار ساله است کتاب کانت را میخواند .

اپار تمان بیست و چهارم چگونه است؟

اطفال لیونیدو فنا را میگوینی؟ آنها همه به همین ترتیب، پسر شان یک نابغه به تمام معنی است. سمفونی را بیابان میرساند و تصورش را هم نمی توانی بکنی درسفونی هفتم را به مهارت میتوانی. دختر شان در- سال ۱۹۷۱ یک داستان دنباله داری را خودش نوشت.

به سخنان او علاقه گرفتم وپر - سیدم :

راستی زیاد نداری که یکی از همین اطفال کوچه خودش یک در یونانی

(ساختمانی که بداخل آن چند انجن جابجا میشود واز گاز مملو گردیده فاصله بسیار کمی را پرواز می کند وبعدا می نشیند) ساخت .

چطور یادمانده؟ همه را بخاطر دارم. سموچکا از دهلیز نوم همین بلاکما، بیچاره تا بحال گپ زدن را هم یاد نگرفته ولی توانست دریز- ابل بسازد .

وکی...

دختر شمشورنی. لاکن تا هنوز این موضوع مجرم نگهداری شده است. ولی طفل ما؟ طفل ماما بحال چه کرده ؟ اینجا بیابچه بیکاره ونا کاره .

تو مصروف چی هستی ؟ طفلک جواب داد !

دروسم را آماده می کنم. کتاب تو خوب بین، کتاب الفبا می الفبایم را میخوانم .

خواند. هفت سال دارد و هنوز در صف اول است! هرروز در فکر اینست که نمره چهار بگیرد وبعدا به نمره پنج ارتقا کند. در حالیکه بچه های هم سن و سالش کنفرانسها دایر میکنند ومقالات شاخ ودمدارمی نویسند. آخرین بار میسر سمست، بالاخره تویک پسر خارق العاده می شوی ویا خیر؟!

پسرک نق نق کنان گفت ، نمیتوانم، نمیدانم چه کنم . شروع به سخن زدن نمودند . خانمی ازبلاک پانزده گفت: پسر من میدانم! بگذار میشا برود و بخوابد وفردا صبح همین که از خواب برخاست حتما یک پسر غیر عادی ومعمولی خواهد بود . خانم دیگرگفت، وپسر من دیشب خانم با علاقه مفرطی پرسید ، زبان فنلندی را فرا گرفت وباز هم آیا این را و غده جدی میدهی؟ باید یاد دهانی کنم که بدون استفاده بدون اینکه درمورد جواب وی فکری کنم گفتم ، طبعاً فردای همان روز تمام والدین اطفال درباغچه روبروی بلاکهای ما جمع شدند وروی دراز چوکی ها نشسته پرگوئی های همیشگی شانرا آغاز کرده در اطراف مسایل مختلف وپسر شما؟ پسر شما چه کرد؟



اخلاق صفر

دوجوان دربارکی مشغول قدم زدن بودند که دختر جوان و قشنگی را دیدند، یکی از این دو جوان به دیگری گفت قلم و کاغذ را بگیر تا من اعضای بدن این دختر را نمره بدهم. جوان دومی قلم و کاغذ گرفته منتظر نمره دادن رفیقش شد.

جوان اولی گفت: بنویس چشم ده، دومی: نوشتم، اولی: بنویس ابرو، ده، دومی: نوشتم، اولی: لب ده دومی: نوشتم، جوان به همین طریق به نمره دادن اعضای بدن دختر مشغول بود که ناگهان کاسه صبر دختر لبریز شده با عصبانیت گفت: جوان احمق خجالت بکش جوان بانو نسر دی رفیقش را مخاطب ساخته گفت - بنویس اخلاق صفر

فرستنده، ف، ف

اولی- چپ که می کشمت!
دومی- کی، والله همین ... زور

بیانی این گز وای میدان



گفتی- حق الزحمه ترمیم موتر این آقا چند میشود؟
- من موتری ندارم، آمدن تیرم را بدارم.



اولی- تو بکدام جرات پستی را که من برای خود نگه داشته بودم از من آه ام زدیدی؟
دومی- برو کدام دزد گیر کوه پست تره ندیدیم.



خودم این پست را از حیوانی که شمار کرده بودم دریده ام.
ایره سیکو او، فهمیدی کله ره سیکو



اولی- تو بکدام جرات در برابر من اینطور حرف می زنی، دزد بی غیرت!

دومی- مه دز هستم؟؟



«او باروت را اختراع کرد، کاغذ را نیز اختراع نمود» تمام پسران خارق العاده اندو پسر مانیز خانم در حالیکه فوق العاده راضی بود گفت:
تشکر عزیزم.

دومی - نه پدرم دزد بوده و نه خودم از تو کرده هم غیرت من زیاتر است. مفتخور!

فکری به کله ام گنشت! «خدایا شکر» رفتم و کلکین هارا بستم. امشب اولین شبی بود که پسر م توانست بدون مزاحمت دیگران به راحتی کتاب الفبایش را بخواند.

به آهستگی پرسیدیم.
ببخشید! پسر شما توسط چی آمد
چطور توسط چی، توسط با-
یسکل.
این جواب رانا، میرزه بدون اینکه فکر کند داد.

ومن هم با غرور کامل گفتم همان بایسکل که پسر شما توسط آن آمد. پسر من اختراع کرده علاوه بر آن کاغذ را نیز پسر من اختراع نموده کا، کا، کا، کاغذ را؟ نفس همه آنها بند آمد.

جواب دادم بلی همه چیز را پسر من اختراع کرده است. شب راجع به باروت فکر میکرد تا چندی بعد آنرا اختراع کند.
مادران تعجب کردند و گفتند، باروت را که چینی ها اختراع کرده اند!

نخیر! پسر من، میشا آنرا اختراع می کند. و چالب اینجا ست که درین راه از بزرگان قطعا کمک نمی خواهد. مادران انگشت زیر دندان گرفتند و حتی بعضی از آنها سخن زدن را فراموش کرده برخی بصورت پرا-کنده و غیر منظم حرف می زدند و برای اینکه پسر من را از یاد نبوده باشند پرسیدند.

و چطور، پسر تان چطور است؟ بدون آنکه انتظار بمانم گفتم، پسر من، پسر من، یک نابغه است. نابغه، آواز این کلمه به اشکال مختلف به هوا متصاعد شد.
مشاهده کردم که تیر درست به هدف خورده.
نابغه یا غیر نابغه، ولی باید بگویم که پسر من بی نهایت با استعداد است.

مادران در حالیکه دستکول ها و بیک های شان را از زمین پر داشتند و چند نفس عمیق کشیده میخواست - سستند پروند، اطفال شان را نیز بطرف خانه روان نمودند.

دومی- مه دزد هستم؟؟

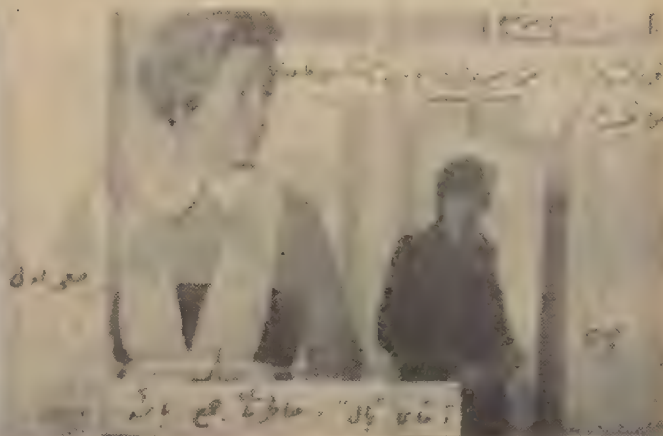
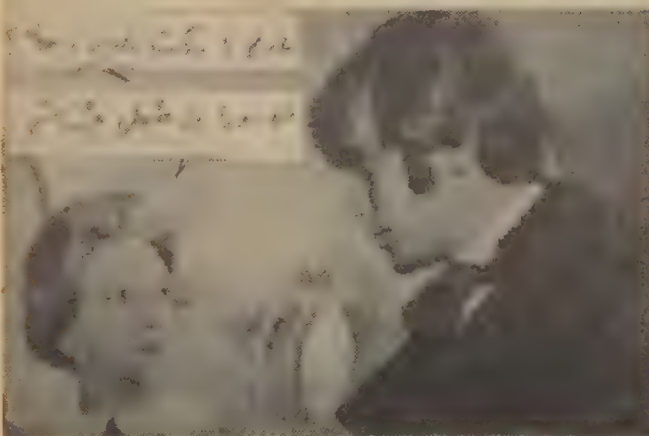
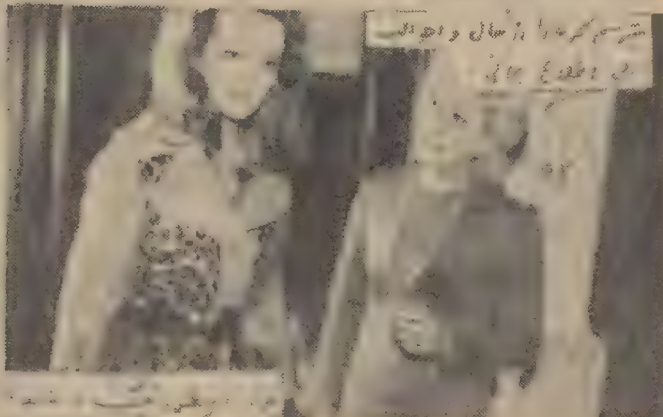
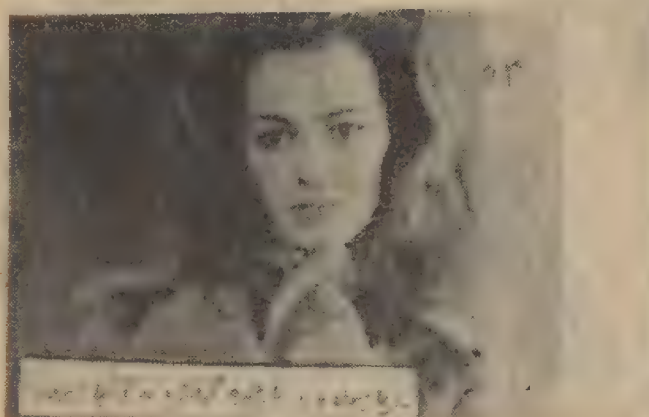
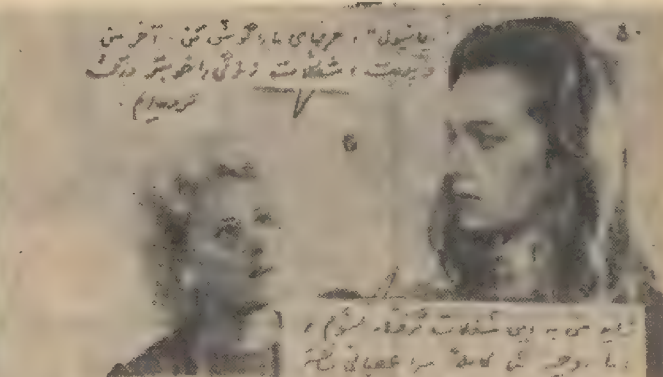
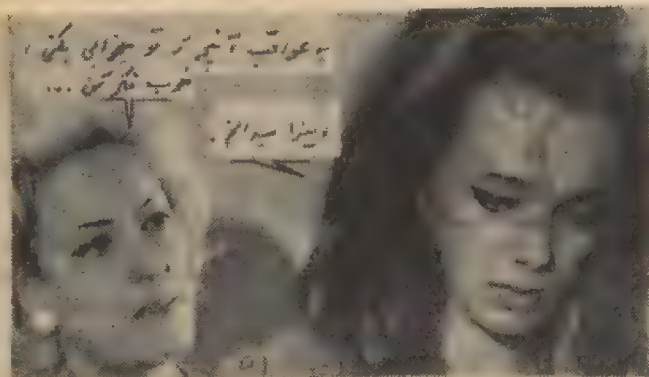
تیوری نسبت انشتاین را نیز ختم کرده و علوم لوبا جیفسکی را نیز می داند!

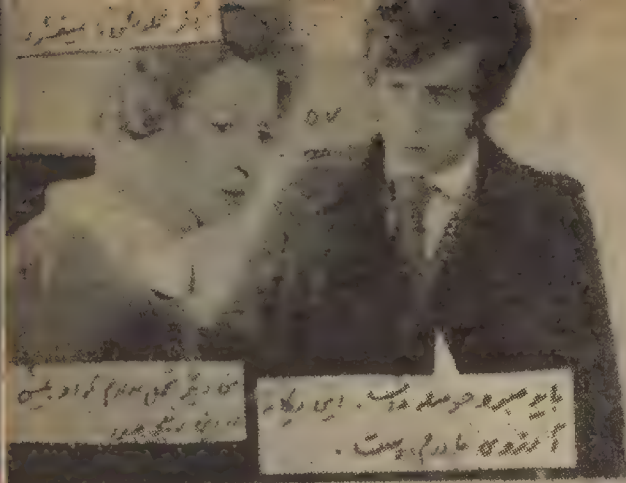
بعدا به ملایت از جایم برخاستم و بطرف منزل روان شدم.
خانم تعجب کرده پرسید.
تمام شد؟
سخنش را تصدیق کردم بلی و بشنو.

از چندی به اینسو، مادر «پال» مریض است و داکتر وضع صحتی او را خیالی خطرناک خوانده است البته علت عمده مریضی او بخاطر است که همسرش وی را ترك گفته و بازن دیگری زندگی میکند: «پال» درصدد آنست که برود، پدرش را مجبور سازد تا دو باره بخانه اش برگردد. و اینك بقیه داستان:

آخرین نوازش

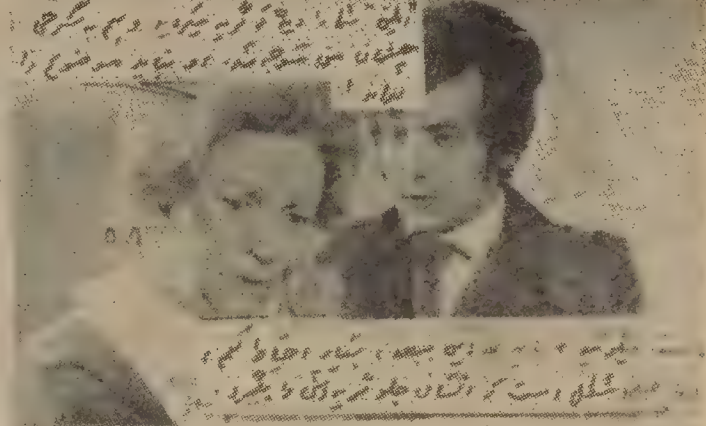
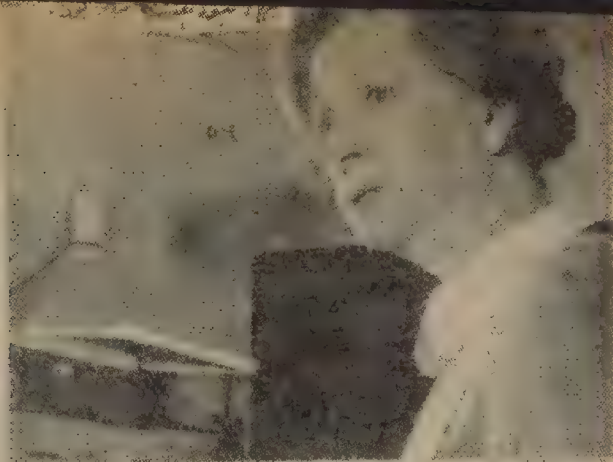
ترجمه و تنظیم از: قاسم صیقل در شماره گذشته خواندید:





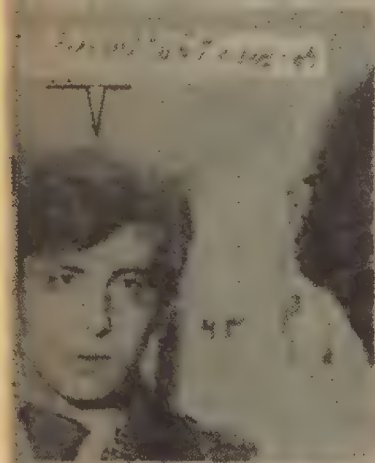
مادر و پسر (مهرماه ۱۳۳۸) که او پیش
از آن روزگار بود

پایه سر و جرمه های این دیار
آفتاب و ماه و بویست



اینکه نگاه کنی تو فریاد می کنی و می گویی
چون تو منو می بینی منم که دو تنم در موضوع را
نماید

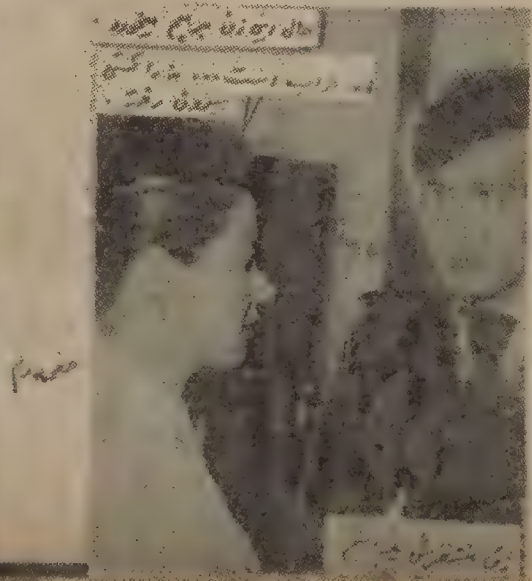
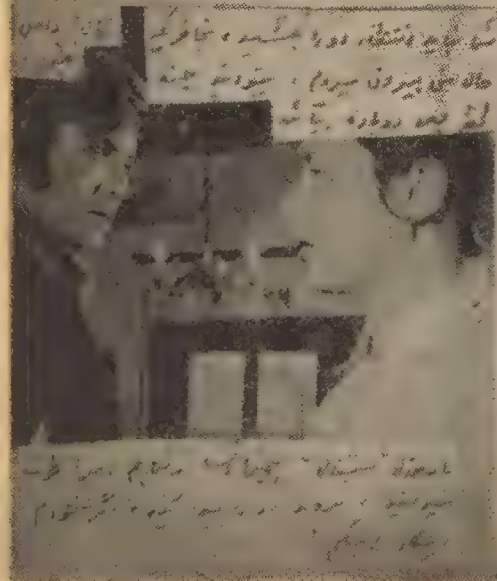
در این روزگار و این جهان و این دنیا و این آدمها
و این مشکلات است که انسان جلو تر و کن و با بزرگتر



در این روزگار و این جهان و این دنیا و این آدمها
و این مشکلات است که انسان جلو تر و کن و با بزرگتر



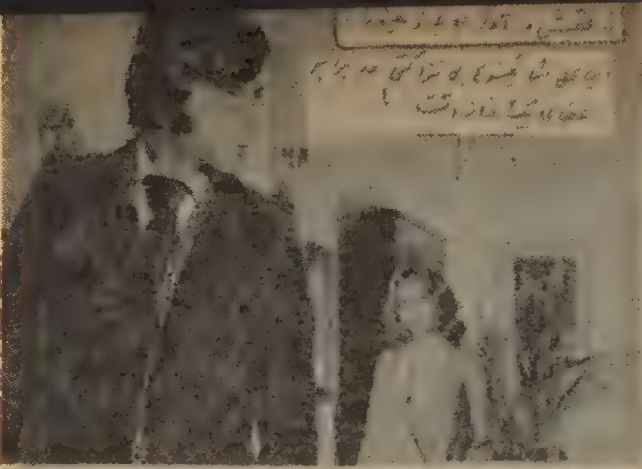
در این روزگار و این جهان و این دنیا و این آدمها
و این مشکلات است که انسان جلو تر و کن و با بزرگتر



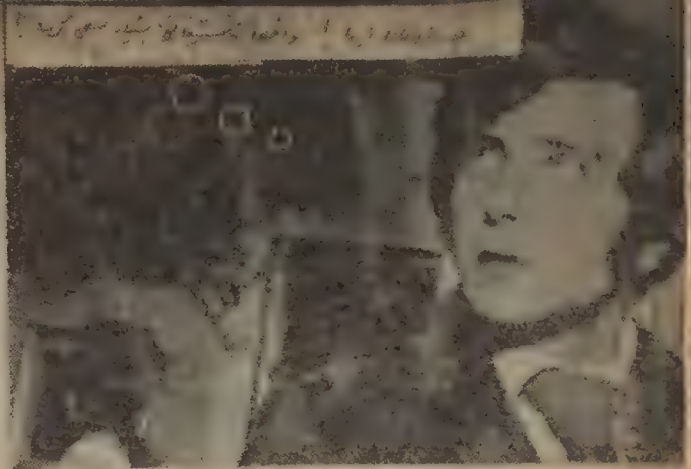
مادر

اینکه نگاه کنی تو فریاد می کنی و می گویی
چون تو منو می بینی منم که دو تنم در موضوع را
نماید

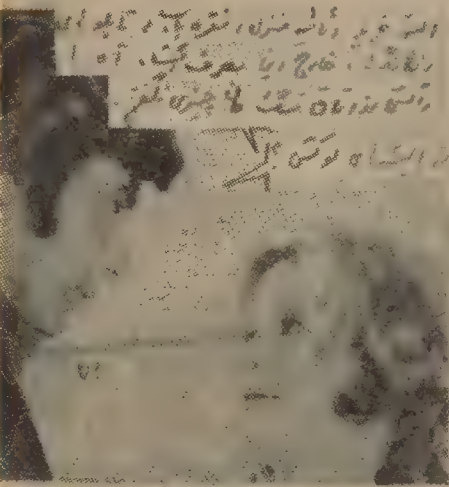
در این روزگار و این جهان و این دنیا و این آدمها
و این مشکلات است که انسان جلو تر و کن و با بزرگتر



فشن و آواز او در حین
پخش شایسته به نوازنده
عزیزه خانم است



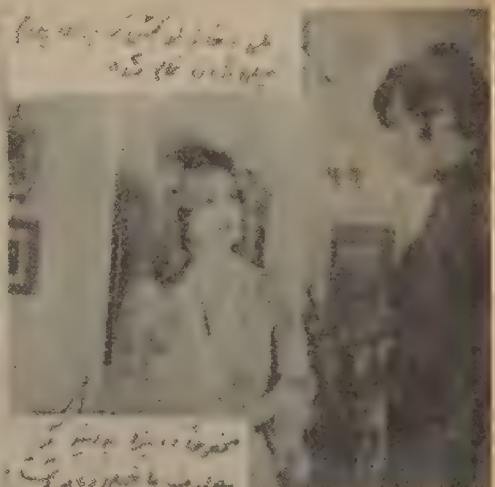
در حین اجرای آواز و نوازندگی



آواز غریب و آواز هنرمند و نوازنده
آواز و نوازندگی به نوازنده
آواز و نوازندگی به نوازنده



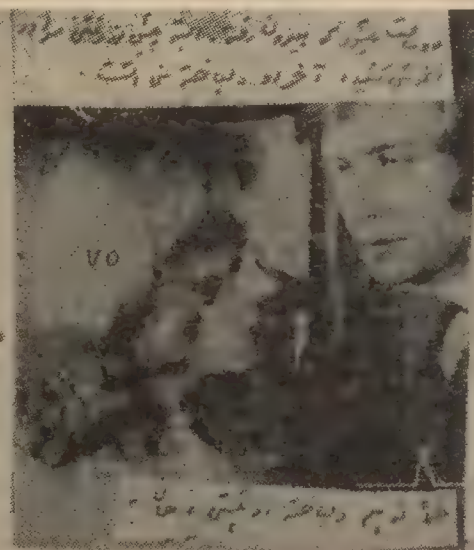
در حین اجرای آواز و نوازندگی



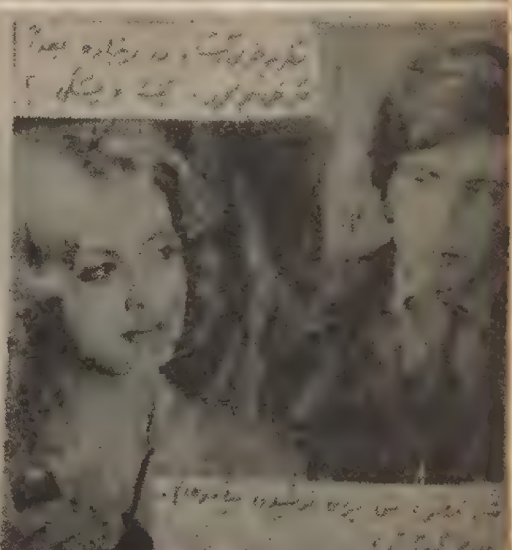
در حین اجرای آواز و نوازندگی



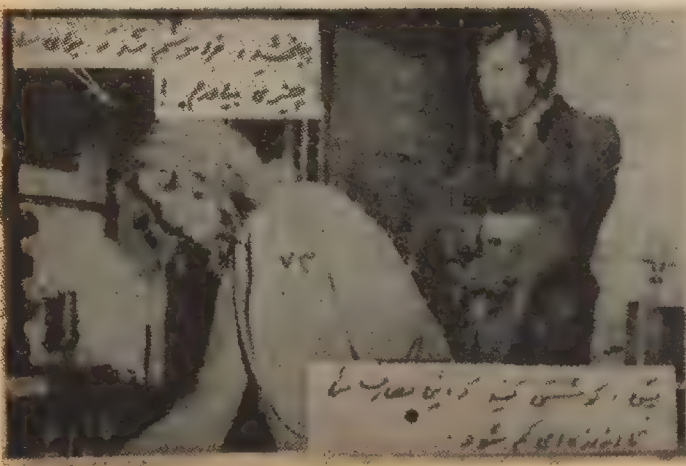
در حین اجرای آواز و نوازندگی



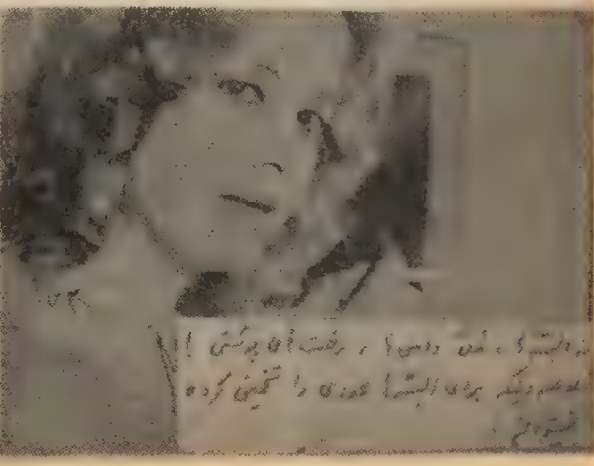
در حین اجرای آواز و نوازندگی



در حین اجرای آواز و نوازندگی



در حین اجرای آواز و نوازندگی

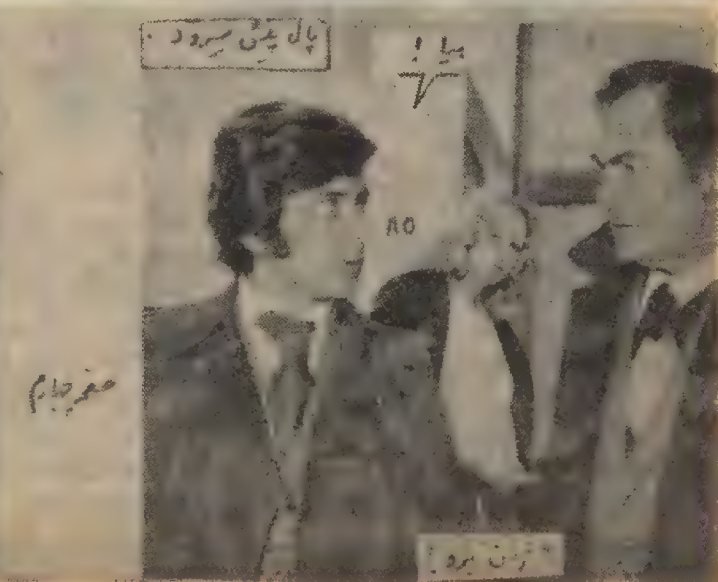
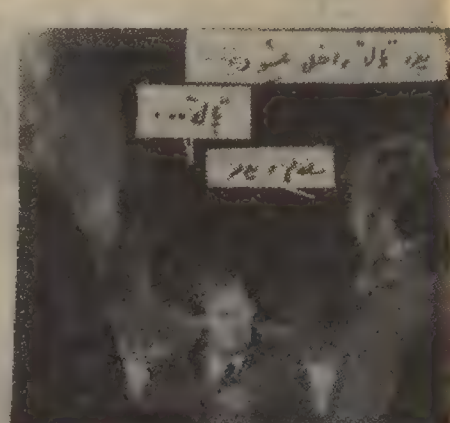
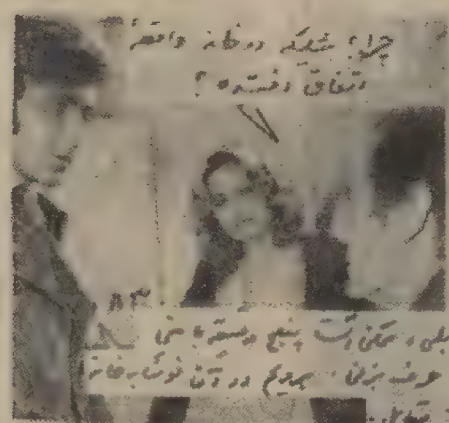
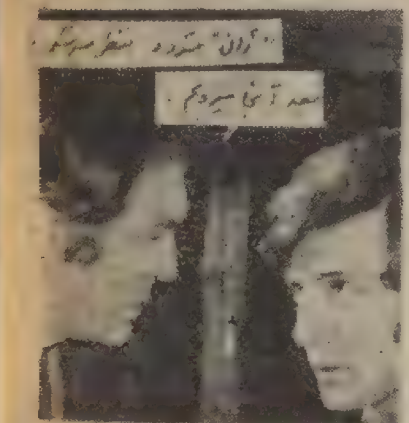
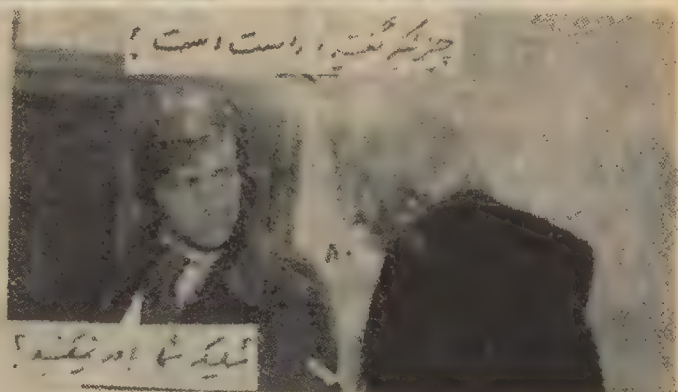
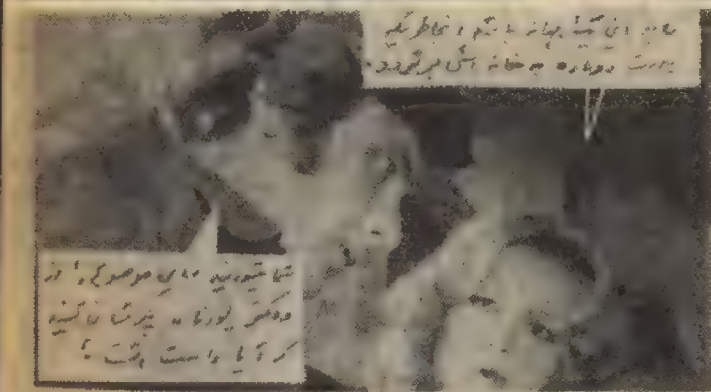
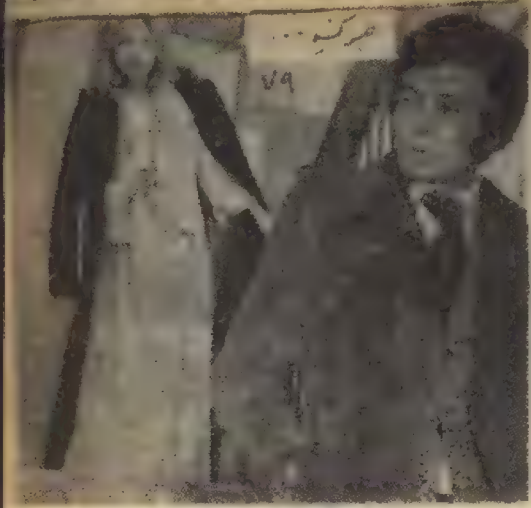


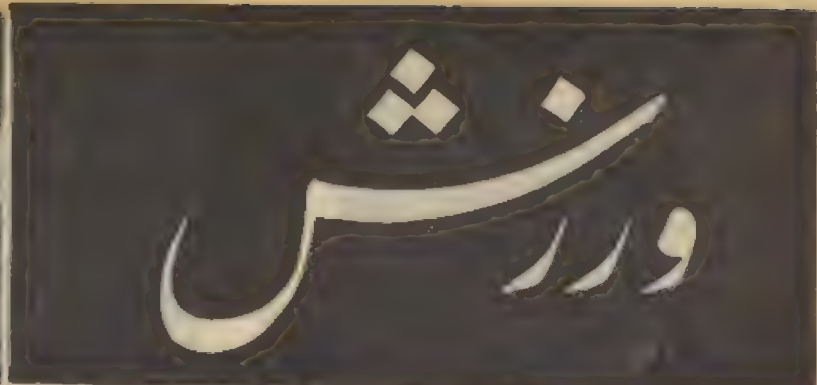
در حین اجرای آواز و نوازندگی

دو هفته دو بار با هم در سنو کرست ایستادیم... در عین حال...

پال: بیو اینک چرخه احوال من...

در یک نوبت زنده مانده است...





تیم والیبال لیسه سوریا قاهر مان

تورنمنت خزانہ معارف نسوان شناخته شد.



اعضای تیم والیبال لیسه سوریا.

زیر غنچه ، پیغله عزیز ، پیغله
نظمه و پیغله زر غنچه از تیم اول
پیغله دیر ، پیغله سگریه ، پیغله نظمه
پیغله نجسه ، پیغله محبوبه ، پیغله ناحیه
پیغله مهره ، پیغله سربزه ، پیغله افسانه
از تیم دوم میباشند .

یکی از اعضای تیم در مورد مشکلات سپورتی
شان چنین گفت : درلیم اول مشکلات
ما از نظر سامان سپورت است زیرا لیسه
سوریا حتی توپ بازی ندارند کمدین مورد
یعنی تهیه توپ ، میدان و غیره سامان ولوازم
نوجه جدی ریاست توبه بدنی را خواهانیم .
درقدم دوم برای دختران باید موقع پیشتر
فعالیت داده شده و ترجیه زیادی میبذول گردد
زیرا ورزش دختران درکشور مایحلی عقب
مانده درحالیکه درمسابقات آسیایی لیاقت
اهلیت و کار دانی زنان درورزش ثابت شده
پس نظر ما اولاً باید معلمین ورزش سپورت
برای تدریس و تعلیم سپورت تم های دختران

لیسه سوریا که از سال ۱۳۵۰ منتخبیک
لیسه ارسه های سون شهر کابل عرش
اندام نبوده دردمت کوتاه اختراوات زیادی
کسب کرده است که از آن جمله ورزش است
لیسه سوریا بازی تم های والیبال و
سکتیول بوده تم والدال ارمند دوسال به
انطرف بشکس رفته وانضای آواز سورج
سال زیر نظر معلم سپورت فعالیت نموده
وامسال سال اول اشتراک شان درمسابقات
میباشد .

درتورنمنت بهاری والیبال نیز لیسه
زرغونه وعایشه درانی تمام لیسه هارمیلوب
ساخنه در تورنمنت خزانہ افتخار کهرمانی
والیبال نسوان رایجست آوردند .
ازجمله اعضای تیم های والیبال که زیر نظر
پیغله محبوبه منصوری معلم سپورت شان
اراز لیاقت نموده اند پیغله ذکة - پیغله
ملحه - پیغله هینا - پیغله لطفه - پیغله



اعضای تیم لیسه سوریا با مدیره لیسه مذکور

گماشته شوند ، زیری میدان های مسابقات
دختران باید از زمین معلمین نسوان انتخاب گردد
به معلمین نسوان ورزش موقع تخصیلات عالی
درساحه ورزش داده شود . لباس سپورت برای
مربیان و اعضای تیم های دختران داده شود ،
دختران تیم ها باید تشویق شوند تا در میدان ها
سهم بگیرند و خصوصاً با میدان آشنا شوند ،
باید برای تیم های دختران جمنازیوم ها ساخته
شود و از همه بهتر باید تشویق شوند .
جای مسرت است که دولت جمهوری افغانستان
از بدو تأسیس تاکنون کوشیده است تا تسهیلات
بیشتری درساحه ورزش درکشور عزیز ما
بیان آید .
در اخیر باید یادآور شوم که اداره لیسه
سوریا همواره در تلاش است تا ساحه فعالیت
ورزشی درین لیسه هرچه بیشتر تقویه گردد

تورنمنت خزانى

ورزشكاران اردوى جمهورى آغاز شد

ونكا مل آن صرف مساعى نمايند .
در آغاز تورنمنت پيرق هاى مىلى
جمهورى و قطعات عسكرى توأم با
نواختن سرود مىلى بر فراز استديوم
كلوپ عسكرى به اهتزاز در آورده
شد و بعدا تيم هاى ورزشى از دو
مراتب رسم گذشت را بجا آوردند.
معاقبا نوى درستين به آن عده
ورزشكاران تيم هاى موسسات و قطعات
مرکزى اردو كه در تورنمنت بهارى
مقام قهرمانى را حايز گرديده بودند
كپ هاى قهرمانى تو ذيع كرد .
در اين مراسم جنرالها و صاحب
منصبان ارشد اردو و يكعده زيادى
از علاقمندان سپورت حاضر بودند.
اين تورنمنت كه بيست روز دوام
خواهد يافت در آن در حدود يك هزار
ورزشكار سهم داشته و شامل
مسابقات فوتبال ، واليبال ، هند بال ،
باسكتبال ، جمناسستيك ، پهلوانى و
سيورتهائى سه گانه عسكرى ميباشد.
در مسابقات روز ۴ عقرب دوش
يكصد متر سه هزار متر با موانع ،
دويدن ريلى چهار در صد متر ، دسك
وخيز دور انجام شد كه طرف توجه
خاص قرار گرفت .

تورنمنت خزانى ورزشكاران
اردوى جمهورى به سيستم ليگ بعد
از ظهر روز ۴ عقرب ضمن مراسم
خاصى در كلوپ عسكرى آغاز گرديد.
دگر جنرال عبدالكريم مستغنى
لوى درسنيوز و رئيس كميته عالى
نرييت بدنى و كلتورى اردو پس از
آنكه قطعات مختلف ورزشكاران را
معايه نمود ، طى بيانى اى به آنها
گفت دولت جمهورى در نظر دارد تا
ورزش نيز در كشور ما انكشاف و
توسعه يابد ، چه سپورت ممد تعليم
تربيه بوده و بايد جوانان مامخصوصا
منسوبين اردوى جمهورى در توسعه

قهرمان پهلوانى اتحاد شوروى

مسابقات قهرمانى جهان در
پهلوانى آزاد تمام شده بود و پهلوانان
در مجلس ضيافت توديعى نشسته
بودند كه معلمين تيم منتخب سه
نديا شويلى گفتند كه او بايد فردا
در نخستين دیدار قهرمانى جهان
در پهلوانى سامبو شركت كند ،
چون پهلوان ميان وزن در اين رشته
بيمار شده است .
واختانگ بالا وادزه ، معلم مسابقات
قهرمانى و پهلوان مشهور سابق
بالحن اطمينان بخشى گفت :
- لوان از عهده بر خواهد آمد!
نديا شويلى در سه مسابقه پيروز
شد ، در مسابقه نهاى بر حريف
زاينى اش فايق گشت و در ظرف
چند روز دو بار قهرمان جهان شده ،
حادثه اى كه در تاريخ پهلوانى سابقه
نداشت ! اين حادثه مربوط به سال
گذشته بود . امسال نيز يك هفته
پيش ، او مجددا ، براى سوميئن
بار قهرمان جهان در پهلوانى آزاد
شد .

... نديا شويلى هر روز از
ساعت هفت صبح تا دوازده شب از
روى پروگرام معين ، حتى با حساب
دقايق ، كار مى كند ، زيرا هر روز
بايد دوباره به تمرين ورزشى بپردازند
در قسمت شبانه پوهنخى حقوق
بوهنتون درس مى خواند و علاوه بر
همه اينها و ظايف اجتماعى هم بر
عهده دارد

- نديا شويلى پهلوان نمونه است
از لحاظ هيكل و قواره كوچكترين
نقصى در او نمى توان يافت . شانه
هاى پهن و عريض ، عضلات قوى
و نيرومند دارد . با وزن ۹۲ كيلو
گرام مسافت صد متر را در ۴۱
ثانيه مى دود .
تاريخچه پهلوانى تديا شويلى با
مجلس ضيافت توديعى نشسته
بودند كه معلمين تيم منتخب سه
نديا شويلى گفتند كه او بايد فردا
در نخستين دیدار قهرمانى جهان
در پهلوانى سامبو شركت كند ،
چون پهلوان ميان وزن در اين رشته
بيمار شده است .
واختانگ بالا وادزه ، معلم مسابقات
قهرمانى و پهلوان مشهور سابق
بالحن اطمينان بخشى گفت :
- لوان از عهده بر خواهد آمد!
نديا شويلى در سه مسابقه پيروز
شد ، در مسابقه نهاى بر حريف
زاينى اش فايق گشت و در ظرف
چند روز دو بار قهرمان جهان شده ،
حادثه اى كه در تاريخ پهلوانى سابقه
نداشت ! اين حادثه مربوط به سال
گذشته بود . امسال نيز يك هفته
پيش ، او مجددا ، براى سوميئن
بار قهرمان جهان در پهلوانى آزاد
شد .
... نديا شويلى هر روز از
ساعت هفت صبح تا دوازده شب از
روى پروگرام معين ، حتى با حساب
دقايق ، كار مى كند ، زيرا هر روز
بايد دوباره به تمرين ورزشى بپردازند
در قسمت شبانه پوهنخى حقوق
بوهنتون درس مى خواند و علاوه بر
همه اينها و ظايف اجتماعى هم بر
عهده دارد
- نديا شويلى پهلوان نمونه است
از لحاظ هيكل و قواره كوچكترين
نقصى در او نمى توان يافت . شانه
هاى پهن و عريض ، عضلات قوى
و نيرومند دارد . با وزن ۹۲ كيلو
گرام مسافت صد متر را در ۴۱



ته يا شويلى پهلوان شوروى

بعد فكر كردم كه بهر حال رومانتيك
است و اجازه دادم .
سال بعد مسابقات امپيك بود .
همه باز يكتان و جماعت مردم
ناراحت بودند ، ولى لوان در خواب
بود . من ۱۵ دقيقه قبل از شروع
مسابقه بيدارشى كردم . لوان بلند
شد ، كمى ورزش كرد و گفت :
« حالا من حتما برنده خواهم شد »
لوان برنده شد ، چونكه ميخواست
برنده شود . او بازى را با نتيجه ۱۴
به ۲ برد و قهرمان المپيك شد .
بنظر من ، حالا ديگر شما خودتان
مى توانيد از روى تعاريف نزديكان
تديا شويلى خصلت پهلوان را حدس
بزنيد . واينك مصاحبه مختصرى را
كه من باوى در آستانه خروج از
نفليس كرده بودم باطلاع شما مى
(بقية در صفحه ۵۸)

زین	زین
رحم	رحم
شده	شده
ادامه	ادامه
آقا	آقا
جن	جن
کار	کار
دگر	دگر
موضوع	موضوع
ن	ن
ملاقا	ملاقا
تس	تس
روزگار	روزگار
(حاصل)	(حاصل)
موضوع	موضوع
یاد کرد	یاد کرد
عرف	عرف
حذر کرد	حذر کرد
داست	داست
ل	ل
ماده	ماده
ریم	ریم
دا	دا
گفت	گفت
دا	دا
نتیجه	نتیجه
نتی	نتی
مع	مع
اژه	اژه
بن	بن
بنام	بنام
طاعت	طاعت
ان	ان
دا	دا

— اونی : ...
این کلمه از میان لبنان و شنگت تایمست موطلائی
بیرون جهید . خادم تینکه خودکار سردش را
به پیشانی "فرم و مقبول خود که با هوای جنگیمکنک
احاطه شده بود تماس داده دوباره تکرار کرد
(اونی) : "و سیس متوجه زنی که همکارش بود
شده گفت

آقای منول توفت همکار جدید تان را بشما معرفی میکنم، وظیفه او بررسی دوسیه هاست. جوان یانیمسی در برابر دوزن اندکی سرش را خم نمود.

سومینچی تویک وقت پیانو نمی نواختی ۹۰۰۰
و ادامه داد :
- بگو آن کدام کمپوزیتور فرانسوی است که
از ۱۸۷۵ الی ۱۹۳۷ میزیست ؟...
نوینا ماموره آوشیف که بسن تقاعد نزدیک
شده است درهمین اتم آخرین لقمه بزرگ
ناشتائی خودرا از روی میز برداشته بلعیده
میدارد :

- آقای توفیق ... میز کار شما اینجاست...
محترمه نرینا شمارا باکار هاشنا خواهد
ساخت . تاحال همین خانم بحیث معاون آقای
ای دونجو که تقاعد کرده وشما بموضعش مقرر
شدهاید کار میکرد ،خوب برای تان موفقیّت
روزو میکنم ،جوان بعداز گفتن تشکر عقبمیز

موزارت ...
خانم تینکه دوباره سرش را بر روی آخرین شماره
روزنامه (ویزور) پائین کرده بر روی جدول

... به یکدیگر می‌گفتند ...
... مشکوک ...
... در هر از اینکه خودش نتوانسته بود این کلمه

ترجمہ: زلمی نورانی

فیر نگ طراح جدول

طنز نو یس بلعادی

گفتار متقاطع خبره شد آنوقت گفت :
- نه ... موزارت کمپوزیتور شش حرفی
است من کمپوزیتوری رامبخوام که اسمش
پنج حرفی باشد .یکی دیگر بگو ... :
سماورزه پیرگفت
- دهگه نمی فامم
- خیلیک چیز دگر میراطور فرانکهار
..... تا ۸۴۰۵۵ بود
سماورزه گفت :

ساده را پیدا کند بالای خسود قبر بود او
اینبار به توتف گفت :
خوب آقای توتف ۰۰ پس بگوئید امپراطور
فرانك هائز ۸۴۰ الی ۸۵۵ کی بود .
چوان قیافه متفکری بخود گرفته اندکی مکث
رد سپس گفت :
گمان میکنم (لوتار) باشد
دوشیزه تینکه فریادی اژشادی کشیده گفت:
ها... بلی لوتار ... همین است خیلی
مشکرم ... پس اینرا هم باید بدانید ...
... فرانسه که از سال ۱۸۷۹ تا ۱۹۳۷

ساوه هيلاليم ۰۰۰هـ.آه بدلم اس درللم
 ملى آيه .
 ويعداز گفتن اين جمله دوباره شروع كسرد
 بخوردن ..
 درينوقت معاون رئيس داويد اوف ببايكچوان
 ناشناس وارد شد .چوان لباسى شبيه لباس
 نوازنده هاى آركستر جاز پوشيده بود .خانم

میزبست چه نام داشت ؟ او در دلش خوشحال بود که لاقال اینرا توتف نخواهد نهجید و پیش از به اصطلاح کم خواهد آمد - ترفف گفت :

- کیویتور فرانسوی ... هه.. و بچرت زدن پرداخت

سکدام سال گفتنی ؟

دره ۱۸۷ تولد شده و در ۱۹۳۷ مرده است .

تاریخ هنر و مسائل اجتماعی دارد. او... و یک مامور عاری نه بلکه یک مرد اکادمیک است. از حرف های دوشیزه معاون رئیس متعجب شده بود زیر تأثیر قرار گرفته بود دختر ادامه داد :

... بسیار کار خوبی کردید که او را مقرر نمودید. ... آهیلی ... من خودم پیشنهاد او را نوشتم. آقای داوید اوف پشیمان نخواهد شد. یافتن چنین اشخاصی لایق کار ساده ای نیست. آدم از کار کردن با چنین شخصی لذت می برد اما من فکر میکنم که او بزودی پیشرفت نموده از سببه ما خواهد رفت.

موضوع لیاقت توتف دهان بدهان میگفتند. این امر باعث آن شده که خود رئیس بساو ملاقات کند. ناگفته نماند که خود آقای رئیس نیز هر بعد از ظهر جدول های کلمات متقاطع

روزنامه را حل میکرد و اینکار را یک نوع ورزش فکری می نامید. او همیشه میگفت (خیلی مفید است که آدم دماغ خود را با چنین مصروفیت هاجرب کند.)

یک روز معاون رئیس آقای داوید اوف رئیس را غرق آلود و متفکر یافت رئیس جدول روزنامه ویزور را مقابل خود گذاشته بود. معاون گفت: حد درک نام حصه مشکلات دارید ... درافقی باستون های عمودی ؟

رئیس گفت : - تقریباً حل شده ... فقط همین یک حصه مانده ... همین خط فرضی ای که دور گره زمین رسم شده چیست ... ؟

داوید اوف مدتی چرت زد و آهسته آهسته گفت ... و خط ... رئیس از روی ناراضایی گفت:

- نه نه ... یک چیزی که پنج حرف داشته باشید.

معاون پیشانی خود را پرچین ساخت ولی نسخه از آن نگرفت. بعد گفت :

- خطوط مواحل ... نه نه ... خطوط مواحل فرضی نیست دقیقی است. معاون گفت :

- میدانید آقای رئیس، همین شخصی که تازه مقرر شده توتف را میگویم دو فمیلین چنین مسایل اعجاز میکند. آیا میخواهید او را بسا کنم ... ؟

- مامورین چه فکر خواهند کرد. اگر بماند که آمر شان در وقت رسمی جدول کلمات متقاطع را حل میکند. آنوقت چگونه آن نظم و دیسپلین از ایشان توقع کرد؟ ... آهیلی ... حق بطرف شماست ولی راه

حلی وجود دارد. بگویند کدام ستون هار: نموده اید من به تینکه تاییست اداره میگویم تا جواب آفر از توتف ببرسد. بدون شک بدین وسیله جواب های صریح قاطع و درستتری خواهید یافت.

رئیس گفت : - بسیار خوب ... اولاً از شما پرسید که خط فرضی کدام است و دیگر اسم خواهر (سار شیشمون) (فرمانروای قدیم بلغاریه) چه بود؟ و یک نفر که در انقلابات بیگوف محاصره داشت و نامش هفت حرف است چه کسی بود.

معاون آمریرون رفت و بعد از پنج دقیقه بسا لبان حبس و قیافه بشاش باز گشت و گفت - نگفته بودم ... ؟ فوراً جواب داد ... لیاقت عجیبی دارد رئیس گفت : - خوب ... بگو ...

کنیم نظر شما چیست ... من هم موافقم ... چنین اشخاصی برای کارهای بزرگ و اجتماعی ساخته شده اند.

بدین ترتیب توتف چند روز بعد بحیث مدیر تشکیلات عمومی مقرر شد. آمرین بزرگ جداً از وی طرفداری میکردند. آوازه دانش و معلومات وسیع توتف در تمام شعبات پخش شد و همه بوی احترام میگرفتند. او در حالیکه بحیث یک مامور ساده شامل کار شد سه ماه بعد مفتش عمومی شده بود. پیشگویی تینکه که گفته بود وی آدم مهمی خواهد شد بحقیقت پیوست همکاری توتف با تینکه در قسمت حل نمودن جدول هاهم خاتمه یافت زیرا اکنون توتف آدم بزرگی شده بود و تینکه نمایی توانست به آسانی او را ملاقات کند. حتی هنگام صرف غذا که در شروع کار کنار تینکه



بدون شرح

می نشست اکنون در پهلوی آمرین بزرگ جا گرفته بود. پیشرفت این جوان فهمیده به همین جا خاتمه نیافت بلکه باز هم در حال صعود بطرف مقامات بالاتر دیده میشد. یک روز که آمر نزد رئیس عمومی رفته بود اتفاق پسر رئیس عمومی هم نزد پدر خود آمده بود و عقب میز مجلس که روپوش سبز رنگی داشت نشسته مشغول حل نمودن جدول کلمات متقاطع تازه ترین شماره روزنامه - ویزور بود.

این پسر ناگهان با طرح سوالی گفتگوی آمر و رئیس عمومی را قطع نمود. پدر ... هه ... قهرمان اشعار بایرون کیست ؟ بحر؟ (د) شروع میشود.

رئیس عمومی غمگین گفان گفت : - کوکو ... می بینی که من مصروف هستم. پسر باخونسودی گفت : - پس نمی فهمی ... خوب بگو یک جزیره ... بحیره مدیترانه که پنج حرف داشته باشد. - او نیکولای خواهش میکنم ... مزاحم نشو. می بینی که مصروف هستم بعد رئیس عمومی آهسته به آمر گفت

- شما این کلمات لغتی را نمیدانید ... باید به این بچه بگویم و گرنه مرا نمیگذارد. - او ... گمان نمیکند بدانم ولی ... هه ... بعد از یک دقیقه موضوع را حل میکنم ... او از اتاق خارج شد و بعد از دو دقیقه واپس آمد و کاغذی را بدست رئیس عمومی داد. رئیس کاغذ را خواند و آنگاه متوجه پسر خودش شد :

- نیکولای ... هه ... تو بیشتر راجع به جا می پرسیدی ... حالا که کار خود را تمام کرده ام برایت جوابش را میگویم.

- از جدول کلمات متقاطع دوسه ستون را برسیتم اول یک جزیره در بحیره مدیترانه، دیگر قهرمان اشعار بایرون بحر (د) رئیس قیافه متفکری بخود گرفته گفت :

- هوم ... جزیره ... گمان میکنم جزیره (تاسوس) باشد پسر فریاد زد : واه واه ... آفرین پدر

- قهرمان اشعار بایرون بحروف (د) هه ... حتماً دوان روان است. - او پدر ... پنج هستی ... درست است. همین کلمات است.

بعد از آن کارها پیشرفت سریعتر نمود. بعد از رفتن نیکولای آمر به رئیس عمومی توضیح داد که این جواب هارا از چه کسی دریافت نموده است و در مورد توتف حرف های زیادی گفت و او را بحیث نمونه عالی هوش و ذکاوت فرهنگی و اخلاق معرفی نمود و او را مناسب احراز کرسی سکرتیریت ریاست عمومی دانست. دو روز بعد وقتی توتف بخانه آمد و فر مان مقرری بحیث مشاور و سکرتیر رئیس عمومی را در جیب داشت گوشه تلیفون را برداشت و شماره ای را دایال نمود از آن طرف سیم صدائی واشنید: - بفرمانده متصدی صفحه مسابقات روز نامه ویزور.

آقای بوئن خیلی متأسف هستم برایشان اطلاع میدهم که بعد از این نمیتوانم بصورت دوامدار باشم همکاری نمایم. بعلمت گرفتاری زیاد و کارهای اداری شاید نتوانم برای هر شماره ثان جدول کلمات متقاطع طرح کنم.

توتف از مدت زیادی با روزنامه ویزور همکاری داشت. او برای صفحه مسابقات روز نامه مذکور با استفاده از دایرة المعارف و فرهنگ های مختلف و کتب معلومات عمومی جدول کلمات متقاطع طرح می نمود.

پایان

لاله‌اندو مینه

بقیه صفحه ۶

حضرت اسود راعی (رض)

همه یو سحر آمیزه او فوق‌العاده ذوق‌دردلو داسی ژوند یی خوښ وو لکه زما کمیس . خلبونکی اوبی عیبه، دسبا فکری نه کاوه . «خوتا دسبا فکر کاوه .»
 - هوله همدی کبله می خپل دوکان پرانیست ، ددی دپاره چه موچ دواړه یو څه مصونیت ولرو . آیا دتمجب وږنه دهجه همدی کاو «لاری» له‌ما څخه لیری کی ؟ زه فکر کوم کله‌چه زما دوکان له مالی نظره بر یالی نتیجه ورکړه زه ددی سبب شوم‌چه هغه‌خپله پاکامی احساس کړی .

• • •

ستیفن خپل یولاس دهغی په لاس باندی کښیښود اوپه نرمی سره یی وویل «تایا زه تاسف کوم هغه یو لیونی ووچه ته یی یوازی پریشودلی .»
 دهغی شنی صترگی دسیندیه شان‌روښانه اودیوه سارپه نسیم غوندی له مهربانی څخه ډکی وی . ستیفن ته یی وویل : پوښی شته چه‌زه باید تاته ووايم زه‌چه کله کورته ورسیریم ډیر ژر له «ماکس» سره واده کوم . په‌اول سرکی وږ درې تنه‌وو . ماکس ، لاری او زه .
 موچ درې وایه پرخای سره لوی شوی‌یو ماکس دلاری غوندی نه‌دی . هغه پوهیږی‌چه کومی خواته ځی .

ستیفن ورو وویل : «پوه شوم ، خو ستا به‌گوټو حلقه نه لیدل کیږی .»
 - تر اوسه نه ماهغه وخت ماکس‌ته «هو» وویل چه هغه زه په موټرکی تره‌وایی میدان پوری راوستلم . هغه دلاری ترنگ وروسته مهربانه اودنښی رویی خاوند وو .
 ستیفن دشام‌پاین دپوتل سر خلاص کی او هغه یی په‌گېلا سونوکی توی کړی . هغه‌دیوی وچی مسلکا په ترڅ‌کی یرگیلاس تانیاته وپاندی کړ اوبلی یی پخپله واخیست .

«نه تایا پیکفورد - ستا دهه ډبه پوری دوستی په خاطر . ته اوزه ددوو هفتو دپاره لمر ، سیند میلی ، بار سلواته تگ . په‌ژړه پوری نه‌دی ؟» هغی یوه ژوره ساه وکښله اوویی ویل : «هو، ډیرښه دی»
 کله‌چه هغوی په لمر وړانگو ته پراته وو ستیفن تانیاته وویل : «راښه او دماښام دپوری دپاره زما سره ولاړه شه ، ستا دخپو څخه ډوکی ټوکرې په خاطر ډیر متشکرم .»
 هغه خپل مخ دتانیات خواته وگر ژاوه او دهغی په‌څیره کی یی دتروید نښی ولیدلی . بیا یی خپلو خبروته داسی ورکړ : ترهغه‌ځایه چه‌زما په‌یاد دی زما دکور په دیوالونو باندی داسی نقشه چه‌څوک تخریش کړی .

هغی وڅښل او ویی ویل : «اوه ، ستیفن ته‌ډیر ښه سړی یی .»
 ستیفن په وچه لهجه ځواب ورکړ : «تشکی ، زه فکر نه‌کوم‌چه «ښه سړی» اصطلاح می ډیره خوښه وی .» اوزه به ډیره خوشحاله شم‌چه دماښام دپوری ته ستا سره ولاړه شم : حتی که دا دپوری ټوله ددلیو څخه‌وی .»
 هغه په درند لهجه وویل : «داسی نه‌ده . زه پخلی کولای شم ، زه ددی څیری دالبات دپاره دلایل تاته نشم وپاندی کولای خونن ښه به‌ته پخپله قضاوت وکړی .»

ستیفن دچمبل په غاړه په یوه کوچنی برنگه باندی دپوری تیازه‌کړه او د دپوری تر خپلو وروسته هغی ته څیر شو او ورته ویی ویل : «تاویل چه تاسی دری وایه‌پوځای سره لوی شوی یاست پدی پرڅه‌کی څه‌نوری خبری هم راته وکړه .» هغی په داسی حال کی‌چه په چوکی کی یی د شاوخوا تکیه‌کوله اوپه تیرو کلونو کی یی خپلی خاطری ورپه یادولی ، ستیفن ته دخپل تیر ژوندانه په

نرسیم کولو پیل وکړ .
 هغوی دری تنه وو اود تانیات پلار دلوی وای په کوچنی دمووی اجناسو یو دوکان در لور . «لاری» دخپلی پوی نوی عمه سره ژوند کاوه چه دآرت په پوهنځی کی دهغه دتحصیل په شپږم کال مړه شوه . «دماکس» مور دمحلې روغتون پرستاره‌وه اوهغه هېڅکله دخپل پلار په پاپ څنه‌ویل .

«ماکس» له هره نظره د «لاری» سره توپیر درلود . هغه ښه اندام او قیمت آواز درلود دیولادو په شان کلک وو خوله هغو کسانو سره چه‌ده پیژندل اوبابوری ورباندی درلود ، ډیر نرم وو . تانیات ستیفن ته‌رگډه کړه چه ماکس بی‌رحم نه وو خو پدی یی پوره باور درلود چه امنیت دژوند له خورا مهمو شیانو څخه‌دی . هغه په‌اتلس کلنی کی‌ځان ته یو مستعمل موټر رانیواو ټوله‌ورځ یی کارکاوه . اوس په شپږ ویش کلنی کی یوه پراختیا موندونکی تصدی لری .

دهغه نوم په هغو وسایلو باندی په رنگ لیکل شوی‌دی‌چه د کورونو په‌منځ‌کی کوچنی واپتونه اواروی خودکورونو دکانکریت اوسپښی دنور بلاکونو دنصبولو دپاره چمتو شی .
 هغی خپلو خبرو ته داسی دوام ورکړ : «ماکس تل فکرکاوه چه «لاری» یو آحق‌سړی دی او «لاری» بیا وویل چه ماکس زماغوندی یوازی له بری او امنیت سره مینه‌لری . کله چه وږ په ښوونځی کی وو ، دوی دواړه سره ملگری وو خو وروسته یی بیا ملگری وشلیده .»

حقیقتا یاران راستین حضرت محمد (ص) باین مفکوره عقیده داشتند که زندگانی دنیا زود گذر بوده بهترین عزت برای مسلمان داشتن عقیده و کسب رضای خدا و رسولش است . مساند و بقس داشتند که طلب شهادت قیمت جهاد بوده و شهادت زینت عبادت است زیرا شهادت قربان روح و کسوم نفس است و آن دوالای تمامی اهداف برتری داشته درین مورد قدامت همنظر میباشند و رسیدن با ین مرتبه محتاج تربیه دینی و فطری اساسی میباشند که شخص به بصیرتش فا یق آمده خود را در یقین قربان کند .

یاران و پیروان حضرت محمد (ص) درصدر اسلام که از مدرسه آن فارغ می‌شدند و راه روشن آنرا تعقیب می‌نمودند و در گفتار و

کردار و عبادت شان از مشی آنحضرت (ص) مستقیما طرفه‌آری داشتند همان بود که در مقابل خدا و دین از تمامی نعمت ها ولذایذ صرف‌نظر می‌کردند .

درین‌مورد پیغمبر (ص) فرموده‌اند : شهبه را خدا بازخستن طوایف و یا باریختن او لین قطره خوشی بخشیده‌میشود .

(البته مطالعه سرگذشت آنحضرت (ص) و یاران فداکارش بجای آموزد که درزندگانی آنها اسرار و رموز نهفته‌است که هر کداه سرمشق برای دیگران است و ما را می‌آموزد که اخلاص و عقیده ما باید بخدا محکم بوده‌تعلیم میدهد که خطا کاری های قبل از اسلام بمجرد دخول اسلام محور گردیده آموزش خدایی منوط به طول زمان و کثرت عمل نیست .

بقیه صفحه ۶

ارزشهای نظام جمهوری

و خلافت مردم بمیان آمده و ایمن شعله در آینده درزیر غبار مخالفت ها و اندیشه های تورات و حق‌های میراثی مکدر نگردد نیزدرفت کسه پسرش پس از وی جانشین اوشده و اداره امور مردم را در دست‌بگیرد . هرچند مردم بروی رضا و قبول خویش چنین پیشنهادهی بحضو ز خلیفه دوم اسلام نمودند و لی از آنجائیکه اینکار از نگاه پر تسلیب و اساس طرح شده‌ای ز مان حضرت پیامبر اسلام ، نا درست بود لذا آن را قبول نکرد ورد نمود . وقتی خواننده حقایق و واقعیت های اسلامی را در دوران کار و خلافت پیامبر اسلام (ص) و همچنان درروزگار خلفای راشدین اسلام از نظر میگذراند و ارزش‌های بشری و انسانی

ستیفن دتانیات خواته ورکوپ شو او خپل لاس یی دهغی پراوړه کښیښود ، هغه ډیره بی‌حرکه ناسته وه . ستیفن ورته وویل : «اوه به ماکس باندی مینه نه‌یی ، هغه دیوه بل ډول امنیت نمایندگی کوی ، احساساتی امنیت .»
 هغی پداسی حال‌کی چه‌په خبره‌کی یی د دفاع نښی لیدل کیدی ستیفن ته وویل : «نه ، دارښتیا نه‌ده ، زه له هغه سره یوه ډره پوری اوبی‌توقه رابطه لروايم .» (نوربیا)

هغی پداسی حال‌کی چه‌په خبره‌کی یی د دفاع نښی لیدل کیدی ستیفن ته وویل : «نه ، دارښتیا نه‌ده ، زه له هغه سره یوه ډره پوری اوبی‌توقه رابطه لروايم .» (نوربیا)

ای را که درین روزگار به صحنه عمل و تطبیق قرار داده شده بخوبی درک میکند و از طرف دیگر خصوصیت ها و خصایل و میزه های نظام ها و سیستم های اداری و اجتماعی جهان را چه در دنیای معاصر و چه درجهان کهن، مورد غور و مذاقه قرار میدهد و در عین زمان معیاری در میان آنها قایل گردیده و باساس آن نظام ها و سیستم های مروج و معمول انسانها را می‌سنجد و باز آن را منصفانه و بیطرفانه با نظام اجتماعی و اداری اسلام مقایسه مینماید و هر يك را از نقطه نظر جامعیت و بشری بودن و از لحاظ اینکه کدام يك توانسته و یا میتواند واقعا پاسخگوی نیازمندی های مبرم و حیاتی بنی نوع انسان باشد و تا کدام اندازه موفق است راه سعادت و پیروزی حقیقی را جلو آدمیان بگشاید ، بلا درنگ با ین فیصله و نتیجه میرسد که بهترین نظام ها در جهان ما همین نظام جمهوری است که مطابق با روحیه اساسی و اصلی دین اسلام بوده و نظام جمهوری درواقعیت امر، پدیده‌ای است از ارزش های انسانی و حیاتی آئین اسلام و طرز اداره و سیستم کاری است که بحق میتوان آن را ناشی از اساسات عالی و بشری اسلام و اندیشه های جهانپیمانه آن وانمود کرد .

بقیه درص ۶۱
ژوندون

علیشیر نوایی

منتظر برق آسا بر یادگار بیک هجوم ببریم، آیا بقیه شما به ف خا هم رسید؟ شاعر به پاسخ دادن عجله نکرد چشمان خود را به نحو معنی داری نیمه بسته نمود و ناگهان تبسمی حاکی از تصورات دقیق بر چهره اش پدیدار شد سپس با هنگی خیلی جدی گفت:

سپهر بود این اندیشه را بزمین نمی گفتند! حسین با یقرا چنین پنداشت که (شاید در اندیشه بختا رفته باشم) و شتابزده پرسید:

سجیا ۰۰ چرا؟ نوایی نتوانست جلو خنده خود را بگیرد: سخر، باید این فکر را بشاید بکراز، پنهان نگه داشت، پنهان ۰۰

حسین با یقرا نیز خندیده اما سر خود را نکلانده آمیخته با اعتراض گفت: سکه چاره ای جز کینگاش با ارباب جنگ نداریم؟

طیبا، بدو ن مشوره آنها نباید کسار صورت گیرد، اما یک موضوع را در نظر باید داشت آنانیکه از سپاهیان شما راه گریز در پیش میگیرند، میتوانند این تصمیم را با اطلاع دشمن برسانند در آنوقت هم میرزا - یادگار وهم امراء او بیک های وی از خواب غفلت بیدار خواهند شد نباید درین راه به همت و شجاعت شما، زده ای فتور راه یابد اما مقام تدابیر رانها باید داشت (میرخور) در هرات است ۰

او برای تحقیق بخشیدن به این امر روز شخصی را برای مامعین سازد بعد از موقع لازم ارباب جنگ را ازین راز مطلع خواهید ساخت ۰

در مورد ملا حظات شما ذره ای هم تردید نداریم حالا روشن شد که جناب شهادتین خصوصی با ما هم عقیده اید ۹۰۰ حسین با یقرا بسوی نوایی چشم دوخت ۰

کینه تاجایی که توان دارد، در راه پیروزی شما صرف مساعی و جدیت خواهد کرد خداوند به مملکت مردم ما، فراغت و آرامش نصیب کند! ۱

آمین ابایقرا دست بر او کشید ۰ برای عملی ساختن این نقشه، مدتی طور مخفی آمادگی گرفته شد بعد از یک فرصت غیر منتظر از (میمنه) بطرف دریای (مرغاب) حرکت صورت گرفت، حسین با یقرا در موضعی بنام (تاغون) جلسه بز رگی که فرو شوکو پیشین اورا بخاطر می آورد تشکیل

داد و بعد از آنکه بیک های خود را مورد لطف و نوازش قرار داد، تصمیم خود را در میان گذاشت برخی از حاضرین در سکو ت فرو رفته، جرات نکردند اندیشه ای قاطع درین زمینه ابراز دارند، اما برخی دیگر از بیک های کار آگاه سخور، با خرسندی داخل مذاکره شدند پس از ختم ضیافت، حسین با یقرا در پیشا پیش جوانان خویش بر سر عتی بی سابقه ابراه افتاد در موضعی بنام (پیل پان) عده ای از رجال معتبر چون محمد ازلات، امیر سا ربا نو دیگران بوی پیوستند با یقرا ۸۵۰ تن از سپاهیان سوار خود از آب مرغاب گذشته، شبها نگاه نیز راه پیمود بر اساس توصیف مبالغه آمیز مورخ مشهور آدومت هریک از رسو اران وی (بنو لکنیزه) های خارا شگاف، پرده از روی ما بر می داشتند) بنزدیک صبح در منزلی فرود آمده پس از کمی استراحت دوباره پراه افتادند و از طریق (بابه خاکی) بحرکت ادامه دادند ۰

در آن موضع درویش مشهوری بنام بابه خاکی میان مغازه گوهی حیات بر سر می بود، وی از جوانی برجها (دامن فشانده) امداد از انسانها در مسکن سنگی پرتو خاش خود به عبادت اشتغال داشت حسین با یقرا که به (ولایت) وی معتقد بود، لازم دیدند چنین روز دشواری از وی دعه بگیرد منتها تشویش داشت که مبادا بابا خاکی بر طبق عادت از پذیرفتن او باورزد اما این تشویش کاملاً بی مورد از آب در آمد درویشی که پیوسته از انسانها میترسید با شنیدن خبر وصول سلطان در عرض راه عام به استقبال وی شتافت ۰

حسین با یقرا از اسب فرود آمده تعظیم کرد و دست لاغر بی گوشت و استخوانی او را بوسید درویش اورا به مسکن خود دعوت کرد با اینکه حسین با یقرا برای هر دقیقه ارزش بی پایانی قایل بود جرات نکرد خواهش درویش را رد نماید و بامعنویت دعوتش را پذیرفت ۰

بابا خاکی که در حدود ۸۰ سال عمر داشت با اندام باریک لاغر و شانه های بر چسته خویش، هنوز خیلی استوار بنظر میرسید ۰

او از میان صخره سنگهای غول پیکر، چون آهوی گوهی سبکسیر ۰۰ بر سر عتی تعجب آور، جانب مغازه بلند و متمسکین شد ۰

بر فراز مغازه صخره سنگهای میبیکه میگفتی آلا ن فرو خواهد افتاد، معلق بودند ۰

داخل مغازه صحنی به گنجایش ۳-۴ بود یادداشت و دیوار های سنگی فاهوار سیاه بویناک بودند ۰ بر سطح غار یکسال کوچک کهنه بایک پوست کم موی گوساله بوی کاه هموار شده بود و لحافی که پنبه اش فرو ریخته بود در گوشه دیگر بنظر میرسید ۰

آنجا هوایی بغایت لطیف داشت ۰ بباد ملایمی که با آهنگ موزون میوزید دو بین مغازه داخل شده، پاتار های سیل حاضرین بازی میکرد و آب زلالی را که چون نوادی باریک سیمین از میان صخره ها برون می جهید بسا ندانه های ریز مروارید هر طرف می پراکند ۰ سنگلاخها دستهای خشک و لم یزدع، آبه هایی که با امواج پست و بلند امتداد داشتند و مناظری که از ورای پرده رقیق رنگا رنگ می درخشیدند، چشمه ها را بی اختیار بسوی خود میکشاندند و زو عی عواطف و احساسات مبهم روی انگیز رادر دلها بر می انگیزتند ۰

سلطان کوشید تا قلب درویش را بدست آورد ۰ بر فرش پوستی کم موی ارباب کامل اخلاص و ارادت نشست ۰

حسین با یقرا که تمام موجودیت خود را به تخت و تاج وابسته میدانست و تلاش داشت تا منبع تمام نعمت ها و لذایذ بی شمار جهان

را تا پایان عمر در اختیار داشته باشد در آن لحظه مو قفی درویشانه گرفت و در باره پاک کیزه گی حیات فقیرانه درواز غوغای مردم در پاره اینک غم سو دای چپا نازیک منبج شیطان سر چشمه میگیرد و نیز در باره ۰ زیبایی شاعرانه این مغازه صحبت کرد ۰ چون درویش پیر احساس نمود که سلطان نسبت بوی صمیمانه اخلاص ورزیده است ۰۰ بسخن آغاز کرد و با حرکات آزاد بوی پروای خویش مطالبی ابراز داشت که معلوم نبود برای که میگوید ۰

سپس یک پارچه کرباس چر کین را پیشروی سلطان گسترده یک قرصی نان ۰ نسبتاً سخت را شکسته اند و بوی آن گفشت، و از طرف کدوی ابلق گونه هاستی / غلیظ بر کاسه ای سفالین ریخته بوی تقدیم کرد ۰ و به دو ملازم خاص سلطان که از عقب وی آمده در مدخل مغازه پوستگی تکیه داشتند نیز با پیاله سفالین ماست داد ۰ در حالیکه حسین با یقرا کاسه ماست را بر داشتند ۰ بکمال اشتها و نهایت ارادت می نوشید ۰ درویش برمه خل غار نشسته با خود مزه مزه میخورد (فاتمام)

بقیه صفحه ۳۹

تلاش برای دست یافتن

نظر نمودند که چنین تعریفی نقش حیاتی را برای کشور های در حال رشد دارد ۰ برای مثال اقتصاد حکومت افریقای عربی گانا، فقط می تواند با ساحه سه صد میل به صورت کامل توسط صنایع ماهیگیری پر آورده شود ۰ هر روز بیش از پیش از مقدار کشور های بیکه اقتصاد آنان بهشکار ماهی وابستگی دارد کاسته خواهد شد اگر بهره برداری خشن کنونی ادامه یابد ۰

حسب پیشنهاد های متعددی برای تعریف نمودن آب های ملی در کنفرانس کارا کاس طرح شده است و طرح های حکومت امریکای لاتین از همه بیشتر رادیکال اند ۰ آنها می گویند که ساحه ای ملی تادو صد میل به شمول حقی پرواز، استفاده از بستر آب حار و غیره گستر سی داده شود ۰ هالند طرح نوی مینی بر کنترول بین المللی (نقطه بی اقتصاد) فرا سوی آب های ملی نموده است ۰ آلمان غرب توسعه دوازده میل را پذیرفته است ۰

ولی این کشور در برابر توسعه بقیه دو صفحه ۵۸

از ۱۲ تا ۲۰۰ میل بحری گروه سوم کشور ها ادعا می کنند که باید بین ساحه مرزی بحری و ساحه استفاده از حق ماهی گیری فرق داشته باشد ۰ به صورت مثال کانادا ساحه حاکمیت خود را تا دوازده میل بحری گسترش داده در حالیکه ساحه اقتصادی را تا ۲۰۰ میل بحری پیر و نیز رقم سه میل را از لجا! حاکمیت بر سمیت شناخته است و لی از لحاظ اقتصادی همان ۲۰۰ میل ۰ ضرورت به تذکر نیست که هم آهنگی بین ساحه سیاسی و اقتصادی ضرورت بیک همکاری بین المللی دارد ۰

صنعت ماهیگیری حیاتی است امروز اکثر عقیده دارند که آن ساحه محدود سه میل بکلیسی کهنه شده است او لین کنفرانس حقوق بحر در سال ۱۹۵۸ تعریف جامع در این مورد داده است که در ساحه سرحدی یک تا میل فوق العاده به خاطر حفظ منابع زنده در تمام ساحه می باشد ۰ حتی بعد از آن خبر نگاران بحری تجدید

تلاش برای دست یافتن

دو صد میل از لحاظ استفاده اقتصادی دی و ماهیگیری تا به رسیدن به یک موافقه همگانی و بین المللی، مخالفت خواهد کرد.

این کشور هم چنان در نظر دارد که کنفرانس به این مشکل که با توسعه آب های ملی تا دوازده میل، تنگه های جدید بمیان می آید، رسیدگی کند. به غنیده آلمان اینگونه معسر های آبی باید توسط قدرت بین المللی تضمین شود.

یک غنیده از اقتصاد دانان و تکنشن ها، نبرد کشور هارا برای استفاده از منابع بحری با اندیشه و تا سر می نگرند.

آنان می دانند که تلاش فراوان مالی و تکنیکی برای بهره برداری از بستر ابحار و تهیه مواد خام، ضرورت است. و هم چنان ساحه جدیدی از حاصلنهی برای پشیمانی می آید. انگلستان نمونه ای را تهیه کرده است. این کشور تا سال ۱۹۸۰ در حدود یکصد و پنجاه تانک صلح شصت میلیون تن نفت در سال بدست خواهد آورد.

این ساحل تمام ضروریات نفتی آن کشور می باشد. ولی کمبود نیز وی کار ماهر، فولاد و مواد ضروری برای استخراج نفت جلو طرح های لندن را خواهد گرفت.

بر علاوه، کمبود حمل های برمه کاری در بحر نیز یک مشکل را می سازد، زیرا بهره برداری در تمام ساحه های بحری اروپا و رقابت بین کشور های حوزه درد سر دیگر را می سازد. هم اکنون زیاده از دو صد میل برمه کاری که مشغول بهره برداری است خیلی ناکافی می باشد. هم اکنون یک منبع عظیم نفتی در بحیره ی شمال نزدیک جزیره شتلند کشف شده است.

۱۶۰۰ ممت عمق

در امریکا سعی بعمل می آید تا برای دست یافتن به نفت در آخرین نقاط بحر کاوس صورت بگیرد. کوشش برایش برمه کاری در عمق شانزده اعشاریه چهار صد فتنی بحر با پیروزی همراه بود. گفته می شود که محل برمه کاری نو تا عمق دو هزار و پنج صد تا سه هزار و سه صد فتنی خواهد رسید. امواج به

از شوهرم شکایت

شود همینکه نان را صرف کرد فوراً بخواب رفته و صبح به و ن اینکه فکر کند آیا به پول ضرورت دارم یا نه بدون خدا حافظی خانه را (ح. و. ا. پروان مینه) ترک می گوید

به مجری که بخانه می رسد حق و ناحق با من و دعوی را شروع نموده و بعداً هر کدام از اطفا لش را که به پیش رویش برسد لت و کوب می کنند.

اکثر آبا و رفاقا به شما می رود و بعد از ختم فلم آنها را بخانه می آورد و فرمایش غذا می دهد. هر قدر از خواش می گتم که از خرج های بیجا دست بگیرد سختم را کم می شود.

(ف. ا. جمال مینه)

وحیده رحمن

گرفتار شود. او می خواهد بکنا نا دا برود محض بخاطر اینکه دیگر حرف های نیشدار و کنایات متواتر دیگران را نشنود.

چگونگی از دواج وحیده :

وحیده رحمان پس از اینکه با کمال جیت در مقارنه یک مفا همه مثبت و بانتیجه، خود را واقع می بیند با هم فیصله میکنند که باید راز از پرده بیرون نشود و بجز از دوستان نزدیک فامیلی شان کسی را در محفل دعوت نمایند باین تو تیب مراسم نا مزدی شان بصورت کاملاً تری انجام می یزیرد و بعداً از دواج آنان بتاریخ

۲۶ جولائی طی یک محفل مختصر پایان میرسد که نامه نگاران این موضوع را بعد از دوماه و نیم آگامی میابند و چون دیگر چاره برای گتمان این جریان میسر نمی بینند بناء چگونگی را باختیار نامه نگاران میگذارند.

تازه ترین اطلاع میرساند که وحیده با شوهرش آمادگی برای مسافرت داشته و عنقریب بکنا نا دا پرواز خواهند کرد.

پهلوان قهرمان

رسانم :

چه کسانی بیش از همه در زندگی به شما کمک کردند ؟ البته پدر و مادرم و بعد تیکا تادزه استادم .

نارسائی های شما در چیست ؟ گاه، صراحت افراطی و تا اندازه ای گرایش به خود نمائی .

بنظر شما یک ورزشکار مشهور در زندگی چگونه باید باشد ؟

یک ورزشکار مشهور باید یک انسان خوب و بااراده باشد، اوموظف است اینطور باشد، زیرا که او را همه می شناسد و او همیشه در مقابل مردم است . هر حرکت او، هر نقض مقرراتی، از طرف او بهیچوجه امر شخصی او نیست ، بلکه تاثیر زیان بخشی در وهله اول در نسل جوان خواهد داشت .

شما چه آرزو هائی دارید ؟ می خواهم دریك المپیک دیگرم برنده شوم و ضمناً حقوقدان خوبی هم باشم .

فولکلور

شماره اول سال دوم مجله فولکلور نشریه دوم ماهه آمریت فولکلور و ادب وزارت اطلاعات و کلتور به مسئولیت نیما علی قنار احمد بهین مدیر جوان آن مجله ، طبع و به اداره مجله ژوندون گسیل شد . مجله فولکلور که از بدو نشراتی اش همیشه منبع فیض و بخش ادب و کلتور کشور است بانشر مضامین سود مندش پایدار فرهنگ اصیل کشور ما میباشد .

مطالب این شماره که نمودار ذوق و پشتکار مدیر و همکارانش میباشد ، باز هم بشکل خوبی مورد استفاده علاقمندانی قرار گرفت .

مادر حالیکه خدمات واقعی این مجله را از نگاه پیوند های عمیق اطلاعاتی و کلتوری درخور ستایش میدانیم مو فقت هرچه بیشتر مدیر و همکاران او چمنش را از خداوند استعما داریم .

(اداره مجله ژوندون)

سری لاک اکنون غذای فوری برای اطفال

سری لاک جدید با ترکیب شیر قوی‌تر
و شکر به نچتن ضرورت ندارد. آنرا صرف
همراه آب مخلوط نمایند.



بلای سری لاک جدید با ترکیب شیر
و شکر عجب غذای فوری برای اطفال است

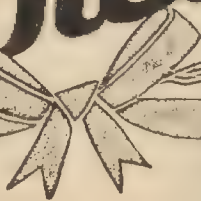
در هر گنج و در هر زمان سری لاک را همراه آب مخلوط نمایند غذای طفل در یک
لحظه آماده میشود. ویتامین بی۱ که در آن ترکیب شده سری لاک را خیلی
مغذی - مولد انرژی و قوت ساخته است و در رشد سالم استخوانها و دندانها
طفل غذای مطلوب است.
بر علاوه سری لاک اقتصادی ترین غذای طفل است.



Cérélac[®] NESTLÉ

نستلی معروف ترین و معتبر ترین اسم در ساخت تغذیه طفل.

از دوستداران



از صالح محمد (افضل پيروز)

سرود جمهوری

ز جمهوری سرودی خوبی نیست
فغان و ناله کردم صد هزاران
در آن رسم کهن تاب و توان رفت
چو بتوانی دلم را شاد گردان
تپد در سینه دل از شوق بسیار
سرو دش روح باشد مریدان
به این نظم صفا کس واضر نیست

نوشته (راضی)

در عالم رؤیا

شبی پرسیدم از دنیا راه رسم سکا نش
پیاپی گفت کی غافل نگردد عالم هستی
جهان از نیک بد مملوست اما جای بحث اینجاست
سزاوارست آن کو آدمیت را سزاوارست
نه آن انسان که خونی عالمی باشد گریبان
همان انسان که انسان تربیت یابد پدما نش
سزاوار مقام آدمیت باشد آن بیایی
بیا (راضی) بدست آوردن افسرده افگسا
که بود زین عمل شایسته تو دو عهد دورا نشی

رویای عید

قله ها بلند آسمان پر ستاره
سایه هانیم رنگ آفتاب دور افتاده
من در خمشی غمها چسان میسوژم
تو باغیر آغوش ناز هوس گشاده

قصه هایم را یک بیک میگفتی
لبان گرم خود بسنگ می سفتی
صحرا خموش ماه نیم غر و پ
چراغ اشک حسرتم افروختی

توساخی عیشی بزم دیگران
من در فراق سوژم از جدایی
تو دور از من من ندانم کجا بی
با وعده دو غت ترسم که نیا بی
به مستی شب عید عاشقان
بپایکوب دخت هو سران

به چشم پر فروغ دختران
به ساقی تبار عریان
مها و عمرم را رها کن
موج ساحل دریا کن
که فرزند بخت مرا بیا بی
دست تمنا سوئی ما کن
نقاش تصویر رویا شب عیدم را
هیولای فردا گش

بماند ز من این نشانه
نقش پرده چشم خدا گش
(همزود)



عشق سیه

تا که چشمان غزالی ترا من دیدم
دیده ازدیدن خویان جهان پوشیدم
گرچه آغوش من غمزه بودی امشب
تاسحر قامت زیبای تو می یوسیدم
یادداری که به هنگام وداع دلبر من
ناله سر داده ز دوری تو می نالیدم
کاش می آمدی ای رهن دل های حزین
تا که من سربه قدمهای تو می ساییدم
نیست در روی جهان همسر حسن تو کسی
بی گل روی تو ماتم زده باشد عیدم
گریستم صفا گسرت عالم می بود
جمله راپیش قد میای تو می پاشیدم

مقصود دل تشد حاصل

ز دلارام چسود

هر قدر دوره این عشق

سینه کو شیدم

خزان

فصل خزان آید و خزان بر آرد
باد وزان خاک بر حقیقه بر یزد
غارث باغست و خار بر سر نیزه

سرو قند بر کندز قامت ونا
رخت کشیدند بلبلان و لمانده
دست ندارد زمانه از سر جوروش
آنکه ضیا دست بر زمانه بر آرد

« ضیاء »

ارزشهای نظام جمهوری

گفتیم نظام جمهوری پدیده ای است بشری و زاده اساس های متین و جهانی اسلام و این واقعیتی است قبول شده و غیر قابل تردید زیرا خواننده ای که معلوماتی در تاریخ اسلام و مخصوصا تاریخ زمان حضرت محمد (ص) و دوره های خلافت خلفای راشدین دارد بخوبی میداند که درین دوره ها نظام اداری و زعامت مردم طوری تنظیم و عملی میگردد که کلیه مزیه ها و ارزش های نظام جمهوری بعد اعلی اش در آن چشمگیر و نمایان بود ازینرو میتوان گفت عملی ترین نظام های بشری و نظامی که با روحیه و اصول انسانی دین اسلام تطابق داشته و همه خصوصیت های نظام اسلامی را در آن میتوان سراغ نمود همین نظام جمهوری است که مفاهیم عالی و ارزنده آن در درخشان ترین دوره های اسلامی مورد عمل و تطبیق قرار داشت و در حقیقت نظام شایسته مسلمانان و نظامی که احکام و قوانین اسلامی توسط آن بهتر و خوبتر بمنصه تطبیق و اجرا در می آید جز نظام جمهوری بوده نمیتواند چه نظام جمهوری بمعنی واقعی کلمه ، نظام اداری ای است زاده و فشرده روش های عملی و تطبیقی آئین اسلام .

نظام جمهوری از آنجائیکه از کلیه مزایا و برتری های تضمین کننده مفهوم واقعی آدمیت و انسانیت بر خور دار بوده و کرامت بشری بطور بارز و روشن در سایه آن حفظ و صیانت یگردد ، و قتی در ملت های پرتو درخشنده اش را پهن و گسترده ساخت دیگر تا مین و بر قرار ی مساوات واقعی و تحقق بخشیدن به اساسات و اصول عدالت اجتماعی از بزرگترین و مبرم ترین مسایل و موضوعاتی شمرده میشود که

بایست قبل از هر چیز دیگر جای خود را در میان آن اجتماع بگشاید و با لو سیله تا مین مساوات و تطبیق و گسترش عدالت اجتماعی که خواسته ای است از خواسته ها و ارمان های فطری و طبیعی بنی نوع بشر میسر آید و زمینه تکامل و رشد مادی و معنوی ایشان فراهم و فراهم تر گردد .

در حالیکه مقتضای نظام جمهوری چنین است اسلام نیز قرن ها پیش از وجود آمدن گیسو دار و ضاع اجتماعی و سیاسی امروز جهان تا مین مساوات و تطبیق عدالت اجتماعی را به پیروانش تاکید فرمود و گفت : « یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم ... لتعارفوا ان کریمک عندالله اتقی کم » .

این فرمان قرآنی با این بیان موجز ولی ژرف و انسانی خود بانسانها گوشزد میکند که ای بنی نوع بشر در هر جا و هر کناره و محلی که زندگی دارید و مربوط و منسوب هر قوم و نژادی که هستید ، ملتفت باید بود که شما از یک پدر و یک مادر بوجود آمده اید ، هیچ چیز بجز تقوی و درست ی و راستی نمیتواند معیار و ملاک اصلی و اساسی بر تری و امتیاز باشد و بجز نیکو کاری و پرهیز گاری هیچ گونه نام و عنوانی نمیتواند یکی را بر دیگر ارزشمندی و بلندی بخشد . . .

اسلام قرنها قبل ساز گاری این طرز تفکر و این نحوه اندیشه را با روحیه عالی و بزرگ انسانی، درک نمود و آن را نکو هش و تبیین کرد و هشدار اکید داد که این طرز اندیشه و اینگونه عقاید و پندار

بقیه در صفحه ۶۲

به جاپان کی دخوانانو

نویلی شم چه داسی دوستانه سفرونه او دخوانانو ترمنخ ارتباطات حتما گتور اوپه انسانی اجتماعی ژوند کی زیات ارزښت لری .

دپوښتنی ددوهمی برخی په خواب کی وایم چه افغانی خوانانو ته پیغام که چه پیغامونه لرم که مخکی مو اشاره وکړه چه دملک لوتیا

به خاصه توکه په خوانانو اود هغوی په قوی اوداو پوری ارتباط لری او داچه ژوند په هیواد کی دتوی نظم د لار شو و نو سړه سم خوانانو ته په ټولو اجتماعی چارو کی بکار اوزیاد زیاته زمینه مساعده شویده نو ادرولرم چه مون ټول خوانان خپل قیمت لرونکی وخت

خوشی تیر نکړو ، دکار او زیار په هغه کی شو ترخو وطن موآباد او دخپلو وطنوالو په مقابل کی ایمانی او وچدانی درندی وپیلی سر ته ورسوو . لڼده داچه خوانان باید هروقت ژوندی

دملی رهبر لارښوونی په فکر کی ولری او عمل ورباندی وکړی . ژوند ملی لار شوو فرمایلی دی . دیوه ټولنه هغه وخت په خپلو کارو ولو کی بریالی او کلمیابه ده چه ټول مهم اوجیاتی کارونه یی دوطن باددوه احساسو او وطن پرستو خوانانو په لاسی اجرا وکړه ورسپړی .

تامنیده؟ ژوند سفر دسپتمبر ۱۹۶۹ لښتی غصه شروع اود اکتوبر په دریمه نیټه پای ته ورسید . چه پدی موده کی درابلل شو دکسانو «خوانانو»

خرغ او نور مصروف خپله دجاپان دخوانانو په موسسی پوری اړه دلوده . پوښتنه: ویلی شی چه ستاسو سفرهغه

هیواد ته ژوندی په خوانانو غه اغیزه لری او هم لطفا وواست چه افغانی خوانانوته که پیغام لری؟ داسی خواب راکی مون دافکر گرو چه دنهی صلحه او دنهی والو ارامی یواځنی په نیکو او تباطاتو او دوستانه واده درشه کی تقبلی ده او همدا دوستانه دی ژوندی هیواد

او هیواد وال خصوصا خوانان دنورو هیوادو د هغوی دخوانانو سره دوستی او همدردی په موزولکوی . مون هم پدی سفر کی دنود هیوادو دنورو خوانانو نیکی غوښتنی افغانی خوانانوته د هغوی گرم سلامونه راوپری اود خپلو هیوادو داخوانانو نیکی غوښتنی افغانی خوانانو ترڅرگندی کړیدی ، همدا رنگه مون هم

دخپلو خوانانو به نماینده کی ددوی سلامونه او تمنیات دنورو دوستو هیواد وخوانانو ته د هغوی دنماینده گانو به ذریعه استولی دی ،

بقیه صفحه ۲۳

نقاشی شهرانی

در دوره حیات بلکه بعد از وفات نیز یگانه محرک مشاعر اخلاف گردیده و آثار شان خود مایه و اسناد ثقه تاریخی برای نسل های بعدی میگردد .

شهرانی در اخیر از تشویق ریاست پوهنتون کابل در راه شناسایی بیشتر ارزش های هنری هنر مندان کشور یاد آور شد و از همکاری و تشویق آمریت کتابخانه پوهنتون نیز در بر گزاری نمایش آثارش خوشی اظهار کرد .

امروز جسته جسته یاد کرده است . از استاد مشعل میناتو یست شهسپر وطن ، بهزاد سلجوقی ، همایون اعتمادی ، محمد یزدگرد کوهی ، اختر محمد ، مرحوم برشنا و غیره نقاشان کشور یاد آور شده و خدمات شانرا در راه معرفی کلتور و ثقافت کشور ستود و یاد آور شد که همانطوریکه طبقه صنعتگر و هنرمند هر عصر و زمان زبان تاریخ همان عصر است ، مایه افتخار آینده کشور خویش نیز می باشند . آنها نه تنها

بقیه در صفحه ۴۱

یک نامه از چند نامه

هنر دیگران تقلید نمائیم باید کار کنیم و زحمت یکشیم تا ما هم بتوانیم مملکت خویش را در ردیف ملل مرقی و پیشرفته جهان قرار دهیم .

محمد کریم (آزاد) از هنر یست عمومی تعلیم و تربیه م ،

کاری و زحمت در راه اعتلا ، آبادی و سر فرازی مملکت عزیز خویش که زمانی مهد تمدن کشور های جهان بود ، دریغ نمائیم و از تقلیدات بیجا و بی مورد که جز خرافات و زیان بیاورد است بپرهیزیم و وقت گرانمای خود را بجای آنکه از

ارزش‌های جمهوری

ها جز يك سلسله بینش‌های واهی و خرافاتی و جز پذیرش‌های ضد کرامت انسانی و دور از حکم عقل سالم نیست و انسان نباید تابع آنگونه عقایدی گردد که با روح بشریت و فلسفه‌های عالی‌وارزنده آن اصلاً سازش نداشته و بجز انحطاط معنوی و پائین آوردن ماهیت و مفهوم آدمی ثمری از خود بار مفاد ندهد.

روی این حقایق و واقعیت‌های

روشن و مبهر، دیگر هیچگونه سوالی در میان ایجابات نظام جمهوری و اساسات اداری و اصول عملی و تطبیقی اسلام باقی نمی‌ماند و چنان

نتیجه بدست می‌آید که نظام جمهوری از نگاه پرنسیپ و از حیث مشتمل بودنش با اهداف و مقاصد عالی بشری و انسانی و از نگاه اینکه بمنظور تعمیم عدالت اجتماعی و همگانی و بمقصد فراهم سازی زمینه سالم و زمینه‌ایکه تضمین کننده و تا مین کننده سعادت همه جانبه انسان‌ها باشد، مساعی بخرج میدهد، از روح

و مزایای طرز حکومت اسلامی دودوره‌های نخستین اسلام که آن را بنام دوره‌های مشعشع تاریخ اسلام ثبت کرده اند کاملاً برخوردار و بهره‌مند میباشد.

شاید نزد خواننده‌ایکه در تاریخ اسلام مروری کرده است این سوال عرض و جود کند که در حالیکه

اسلام طرز و سیستم بخصوص اداری را بمنظور تنظیم و اداره امور و

مسایل مردم بصراحت تعیین و سفارش نکرده و نام مشخصی را

مطابق با اصطلاحات امروزی بران وضع نکرده است پس این ادعاها مستند بکدام سند و دلیل خواهد بود؟

و بیجا هم نیست اگر چنین سوالی در ذهن خواننده بوجود آید و یا شک و تردیدی در مورد این مبحث او را در خود پیچید اما وقتی به تحقیقی که در زیر تقدیم میشود توجه نماید همه حقایق مربوط در نظرش آشکارا و هویدا خواهد گردید.

لیسه‌امانی همیشه معیار سویه

جدیدی برای لیسه‌امانی اعمار گردد که با وسایل عصری مجهز باشد.

ازینرو در سال ۱۳۴۷ تهاداب جدید این لیسه در جای موجوده گذاشته شده در سال ۱۳۵۰ تکمیل گردید. تعمیر جدید لیسه‌امانی که به اسلوب خاص تعلیمی و یکمک دولت دوست ما جمهوری فدرالی آلمان بنا یافته است که مجموع مصارف آن بالغ به ۱۵ میلیون مارک میگردد. عبارت جدید لیسه دارای تمام امکانات و وسایل درسی مانند کتابخانه‌ها، قرائت‌خانه، سالون کنفرانس و فلم میدان‌های سپورت تاپستانی و زمستانی اتاقهای درسی و اداری و لابرا توار زبان و غیره بوده که از هر حیث نیاز مندی‌های لیسه را تکافو کرده میتواند.

کتابخانه لیسه‌امانی شامل دویشتی بوده که بخشی اول دارای ۲۰۰۰۰ کتاب گهمد و معاون درسی بوده مورد استاده معلمین و معتمدین قرار دارد.

بخش دوم دارای کتاب‌هایست که بر علاوه ممد درسی، به استفاده روزانه شاگردان و دیگر علاقمندان قرار دارد.

این بخشی دارای سالونی بنام قرائت‌خانه که بعضاً در آن کنفرانس‌ها و خطابه‌ها صورت میگرد میباشد. در حصه تربیت بدنی و تمرینات سپورتنی از ابتداء تاسیس تا حال توجه زیادی درین قسمت مبذول گردیده است تیم‌های سپورتنی لیسه در مدت تقریباً نیم قرن درجمله تیم‌های مشهور معارف کشور شامل بوده و افتخار آتی که درین رشته نصیب این لیسه شده است شاهد بر آن ندگی آن میباشد.

توجه در قسمت هنرهای زیبا و صنایع مستظرفه بصورت مد اوم جریان دارد.

در حصه لسان آلمانی و شاگردان اسبق و فعلی لیسه، برخی از مردم باین عقیده هستند که سویه زبان آلمانی امروزه این لیسه نسبت به سالهای قبل تغییر کرده است اما در این مورد اداره لیسه مدعی است که هنوز هم لسان آلمانی بصورت صحیح تدریس میگردد. اداره لیسه اضافه میکند که:

لیسه‌امانی همیشه معیار سویه تعلیمی خود را استوار و محکم نگه داشته موضوع لسان وابسته به

انلیش

ژوندون

مسؤل مدیر:

علی محمد «برالی»

مهمتم ع.م عثمان ژاده

دمسؤل مدیر ددفتر تیلفون: ۲۶۸۴۹

دمسؤل مدیر ددفتر تیلفون: ۲۱۹۶۰

سوچبور ۲۶۸۵۱

دفتر ارتباطی تیلفون ۱۰

دتوزیع او شکایات مدیریت ارتباطی

تیلفون ۵۹

پته: انصاری واپ

داشتوالا بیه

به‌باندنیو هیوادو کنبی ۲۴ دالر

دیوی کنبی به ۱۳ افغانی

په کابل کنبی ۱۰۰ افغانی

ژوندون

و شعر ها نا سروده ماندند

— میکوشیم تم داستان مستند زندگی عینی معاصر باشد و گویای لحظاتی از زندگی یک تیم خاصه اجتماع در شرایط مخصوص بخودش و از همین حالا مطالعه برای انتخاب سوژه داستان جریان دارد .

— آیا شایعه از دواج شادان و سیما عثمان را تأیید میکنید ؟

— من تأیید میکنم ولی در باره مطالب دیگر بهتر است با خودشان صحبت کنید .



صحنه‌ای از فیلم و شعر ها نا سروده ماندند که در صفحات شمال کشور فلم برداری شده است

سیما عثمان که برای او لین دفعه در فلم « و شعر ها نا سروده ماندند » نقش رابعه مقابل بکتاش قرار گرفته است بجواب این پرسش که چه انگیزه ای وا دارش ساخته که عاشق شادان « بکتاش » گردد

میگوید : — من از همان لحظه اول که در نقش رابعه مقابل بکتاش قرار گرفتم زیر تأثیر شخصیت این شاعر بنام قرار گرفتم ، احساس درد آلود او را فریاد در گلو خفه شده اش را

و تأثرات درونی اش را با همه ذرات وجودم گرفتم و این لازمه حرفه بود که من با آن رو برو بودم شاید همین تلقی و احساس موجبی شد برای شناخت بیشتر خصو صیت های خوب شادان که حالا و برای همیشه مرد زندگی من است .

شادان نیز باتبسم گرمی که نمود رضایتش از این انتخاب است میگوید :

— سیما همان دختری است که می خواستمش و اکنون در باره او یک حرف دارم ، او همه آنچه را که من می خواهم درخود جمع دارد .

۱۱۵ مخ پاتی

دمحمد علی کای

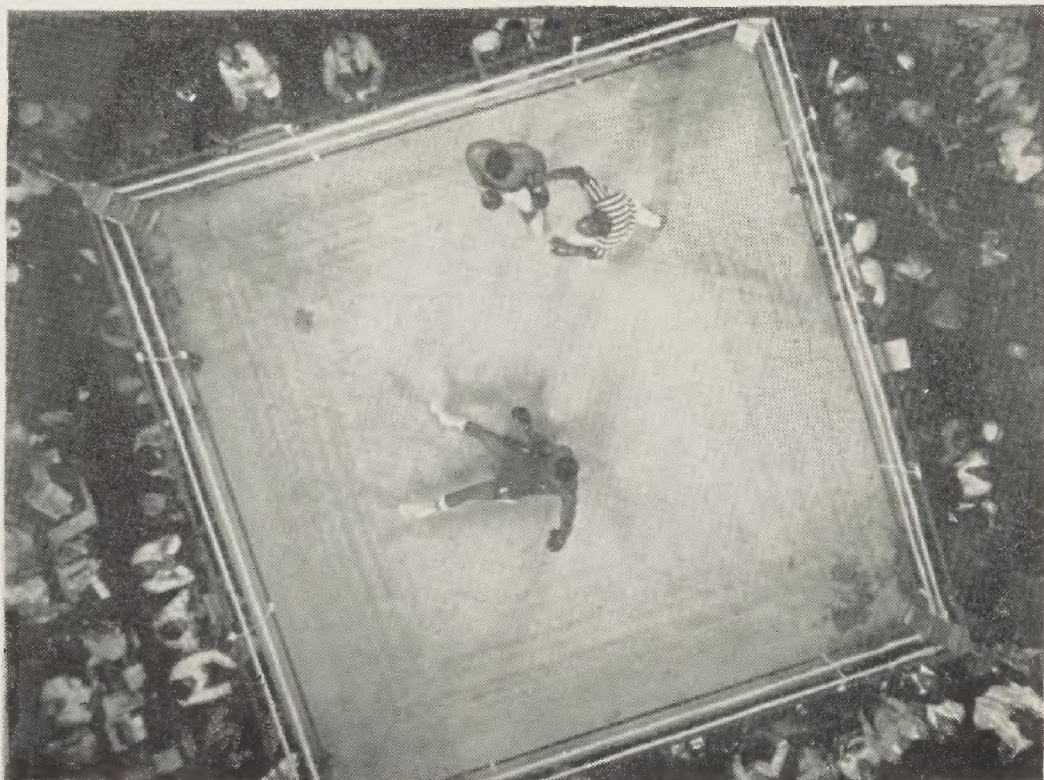
دالرو خنخه دیر لپوی ، دعلی او فورمن دولو
دپاره دمخه پنخه ، پنخه ملیون پالره تفسین
شوی وو .

پداسی حال کی چه دعلی او فورمن دمسابقی
تنظیم کونکوخیل تر لاسه کیری دالرو نه شمیرل
پدی فکر کی ووجه علی په کله دفورمن سره
ددوباره دمسابقی او یاله جوفریزور سره دددیم
خل دمسابقی دپاره رینگ ته راوگوزی .

درینگ خنخه دعلی گوښه کیدو په باب پولی
خبری غلطی فابتی شوی . محمد علی خرگنده
کې : « زه نه غواږم تریوی مودی پوزی له رینگ
خنخه گوښه شم . »

« زه ښایی بیا هم مسابقه وکړم خپدی
پنډ حتی تر سوچ کولو دمخه باید ماته لم
زره والره را کړل شی . »

دولتی مطبعه



کلی او فورمن دستخو غوزادونو به حال کښی

والطوبى طبع
كتاب پر لپی شہرہ

